



شورای عالی حوزه علمیه خواهران

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران

## تحقیق پایانی سطح دو (کارشناسی)

مدرسه علمیه نرجس خاتون (سلام الله علیها)

استان اصفهان

موضوع:

### درآمدی بر انسان شناسی و نظام تربیتی از منظر صحیفه سجادیه

استاد راهنما:

سرکار خانم فرهادیان

استاد داور:

سید محمدرضا علاء الدین

پژوهشگر:

هاجر مومنی

تابستان ۱۳۹۴

بسمه تعالی

تحقیق پایانی با موضوع : .....

که توسط پژوهشگر محترم سرکار خانم: هاجر مومنی

برای دریافت دانشنامه سطح دو (کارشناسی) تدوین شده است ، توسط هیأت داوران مورد ارزیابی قرار

گرفته و در تاریخ / / ۱۳۹۰ ، با کسب رتبه .....  
.....

پذیرفته شده است.

استاد راهنما: سرکار خانم فرهادیان

استاد داور: .....

مدرسه علمیه: .....

امضاء مدیر و مهر مدرسه



شورای عالی حوزه علمیه خواهران

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران

## تحقیق پایانی سطح دو (کارشناسی)

مدرسه علمیه نرجس خاتون (سلام الله علیها)

استان اصفهان

موضوع:

### درآمدی بر انسان شناسی و نظام تربیتی از منظر صحیفه سجادیه

استاد راهنما:

سرکار خانم فرهادیان

استاد داور:

سید محمدرضا علاء الدین

پژوهشگر:

هاجر مومنی

تابستان ۱۳۹۴

## تقدیر و تشکر

با تقدیر و تشکر شایسته از مدیریت محترمه حوزه، حاجیه خانم ناصری و استادان فرهیخته و فرزانه سرکارخانم زمانی معاون پژوهش و سرکار خانم فرهادیان استاد راهنما که با نکته های دلاویز و گفته های بلند ، صحیفه های سخن را علم پرور نمود و همواره راهنما و راه گشای نگارنده در اتمام واکمال پایان نامه بوده است.

و پاس قدردانی از قلبی آکنده از عشق و معرفت که محیطی سرشار از سلامت و امنیت و آرامش و آسایش برای من فراهم آورده است.



## تقدیم به:

رونق مروه و صفا، پسر مکه و منا، مظهر علم و حلم و جود و کرم، چشمه رحمت و صفا، سیدالساجدین.

تقدیم به مقدس ترین واژه ها در لغت نامه دلم، مادر مهربانم که زندگی را مدیون مهر و عطوفت آن می دانم. و پدر، مهربانی مشفق، بردبار و همسر حامی لحظات خوش زندگی.

## چکیده

زبان دعا که در صحیفه سجادیه برای تعلیم و تربیت شیعیان مورد استفاده قرار گرفته است، یکی از برترین شیوه های تربیتی است. این زبان به عنوان زبانی عاطفی – عقلانی، شور و شعوری دل انگیز در فرد می آفریند و او را به قصد تربیت رهنمون می سازد. رهنمودهای کلی و دستورالعمل های جزئی تربیتی صحیفه که مبتنی بر شالوده های بنیادین انسان شناختی و نگاه پیوسته به قصد عالی تربیت است به نظام تعلیم و تربیت اسلامی ساختاری منطقی و زیبا بخشیده است.

اگرچه ساختار به نحو مشخص در صحیفه نمود ظاهری ندارد، ولی نیازمند استنباطی است که بیشتر جنبه های آن را از نظر مبانی، اصول، اهداف و روش ها مشخص می سازد.

از آن جهت که تربیت صحیح و درست از دیر باز یکی از بزرگترین دغدغه های انسان بوده است، لذا این ضرورت ما را بر آن وا داشت که به گردآوری مطالب و مباحث تربیتی کتاب شریف صحیفه سجادیه، که مصون از هرگونه خطا و اشتباهی است پرداخته شود.

بنابراین رساله حاضر در خصوص صحیفه سجادیه مطرح شده است و سعی بر آن بوده با بهره گیری از روش علمی و تحلیل اسنادی، انسان شناسی و نظام تربیت اسلامی از حیث مبانی، اصول، روش ها و اهداف، از طریق دعاهای این کتاب شریف مورد بررسی قرار گیرد.

**کلید واژه ها:** صحیفه سجادیه، نظام تربیتی، انسان شناسی، مبانی تربیت، اصول تربیت، روش های تربیت، اهداف تربیت.

# فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	۱
بخش اول: کلیات و مفاهیم	
فصل اول: کلیات تحقیق	
۱-۱. تعریف و تبیین موضوع	۴
۲-۲. اهمیت و ضرورت تحقیق	۵
۳-۱. اهداف و فواید تحقیق	۵
۴-۱. پیشینه موضوع تحقیق	۶
۵-۱. سؤالات تحقیق	۷
۶-۱. فرضیه تحقیق	۷
۷-۱. روش تحقیق	۷
۸-۱. ساختار تحقیق	۸
۹-۱. واژگان کلیدی	۹
۱۰-۱. محدودیت ها و موانع تحقیق	۱۰

## فصل دوم: مفهوم شناسی

۱. ۲. مفهوم شناسی واژه ی نظام تربیتی ..... ۱۲
۱. ۲. ۱. معنا و مفهوم کلمه ی نظام ..... ۱۲
۱. مفهوم لغوی کلمه ی نظام ..... ۱۲
۱. ۲. مفهوم اصطلاحی کلمه ی نظام ..... ۱۳
۱. ۲. ۱. معنا و مفهوم کلمه ی تربیت ..... ۱۳
۱. مفهوم لغوی کلمه ی تربیت ..... ۱۴
۱. ۲. در صحیفه سجادیه ..... ۱۶
۲. مفهوم اصطلاحی کلمه ی تربیت ..... ۱۷
۱. ۲. در قرآن و حدیث ..... ۱۷
۲. ۲. در کتب دیگر ..... ۲۰
۳. مفهوم نظام تربیتی ..... ۲۱

## بخش دوم: صحیفه سجادیه، نظام تربیتی و انسان شناسی

### فصل اول: انسان شناسی در صحیفه سجادیه

۱. انسان شناسی در صحیفه سجادیه ..... ۲۵
۱. ۱. پیدایش و ساختار انسان ..... ۲۵
۱. ۱. ۱. آغاز و فرجام انسان ..... ۲۶

۱,۱,۲	ظرفیت های اخلاقی و رفتاری	۲۶
۱,۲	امتیازات انسان	۲۷
۱,۲,۱	خداخواهی	۲۷
۱,۲,۲	برترین آفریده خدا	۲۸
۱,۲,۳	فراتر از ماده	۲۹
۱,۲,۴	دارای اختیار و اراده	۲۹
۱,۳	ویژگی های منفی	۳۱
۱,۳,۱	اسیر خویشتن	۳۱
۴,۳,۲	حسادت و تنگ نظری	۳۲
۱,۳,۳	غرور و خود پسندی	۳۲
۱,۳,۴	در بند آرزوها	۳۳
۱,۴	انسان کامل در صحیفه سجادیه	۳۴

## فصل دوم: مبانی و اصول تربیتی

۲,۱	مبانی تربیتی در صحیفه سجادیه	۳۸
۲,۱,۱	خود دوستی (حب ذات)	۳۹
۲,۱,۲	خداجویی	۴۱

- ۲, ۱, ۳. میل به جاودانگی ..... ۴۳
- ۲, ۱, ۴. خوف و رجا (ترس و امید) ..... ۴۴
- ۲, ۱, ۵. دوری از غفلت ..... ۴۸
- ۲, ۱, ۶. دنیا دوستی ..... ۵۰
- ۲, ۱, ۷. اختیار ..... ۵۱
- ۲, ۲. اصول تربیتی در صحیفه سجادیه ..... ۵۴
- ۲, ۲, ۱. هدایت ..... ۵۵
۱. هدایت بر مبنای خدا جویی ..... ۵۵
۲. هدایت بر مبنای خود دوستی ..... ۵۷
- ۲, ۲, ۲. تذکر ..... ۵۸
- ۲, ۲, ۳. زهد ..... ۵۹
- ۲, ۲, ۴. تقوا ..... ۶۱
- ۲, ۲, ۵. توکل ..... ۶۲
- ۲, ۲, ۶. ایجاد انگیزه ..... ۶۴

### فصل سوم: روش های تربیتی در صحیفه سجادیه

۳. روش های تربیتی در صحیفه سجادیه ..... ۶۸
- ۳, ۱. مفهوم واژه «روش» ..... ۶۸

۳,۲. انواع روش های تربیتی .....	۶۹.
۳,۲,۱. روش های شناختی .....	۶۹.
۱. روش اعطای بینش .....	۷۰.
۱,۱. بینش در مورد دنیا .....	۷۰.
۱,۲. بینش در مورد حقیقت انسان .....	۷۲.
۱,۳. بینش در مورد مرگ و معاد .....	۷۴.
۲. ذکر خدا .....	۷۵.
۲,۱. آرامش قلب .....	۷۶.
۲,۲. غفلت زدایی .....	۷۶.
۳,۲,۲. روش های گرایشی .....	۷۶.
۱. توبه .....	۷۷.
۲. یادآوری نعمت ها .....	۷۸.
۳,۲,۳. روش های رفتاری .....	۷۹.
۱. تکریم و احترام .....	۸۰.
۲. رفق و مدارا .....	۸۱.
۲,۱. رفق و مدارا با پدر و مادر .....	۸۲.
۲,۲. رفق و مدارا با همسایگان .....	۸۳.
۳. نیکی کردن در مقابل بدی .....	۸۴.

#### فصل چهارم: اهداف تربیتی در صحیفه ی سجادیه

۴. اهداف تربیتی در صحیفه سجادیه ..... ۸۸
- ۴,۱. هدف غایی تربیتی در صحیفه سجادیه ..... ۸۹
- ۴,۲. اهداف واسطه ای تربیت ..... ۹۰
- ۴,۲,۱. اهداف تربیتی در رابطه انسان با خدا ..... ۹۱
۱. معرفت خدا ..... ۹۱
۲. دستیابی به ایمان کامل ..... ۹۲
۳. تقوا ..... ۹۳
۴. پرورش روح عبادت ..... ۹۴
۵. شکرگزاری ..... ۹۶
- ۴,۲,۲. اهداف تربیتی در رابطه انسان با خود ..... ۹۷
۱. پرورش حس خداجویی ..... ۹۸
۲. پرورش حس فضیلت جویی ..... ۹۹
- ۲,۱. تقویت گرایش فطری فضیلت جویی با زدودن موانع رشد آن ..... ۱۰۰
- ۲,۲. کمک به انسان دریافتن مصداق فضائل و رذایل ..... ۱۰۰
- ۴,۲,۳. اهداف تربیتی صحیفه در رابطه انسان با دیگران ..... ۱۰۲
۱. اهداف تربیتی در روابط خانوادگی ..... ۱۰۲



۱, ۱. وظایف فرزند نسبت به والدین .....	۱۰۲
۱, ۲. وظایف والدین در برابر فرزند .....	۱۰۴
۱, ۲, ۱. محبت .....	۱۰۴
۱, ۲, ۲. تأمین نیازهای فرزند .....	۱۰۵
۱, ۲, ۳. تربیت فرزند .....	۱۰۵
۲. اهداف تربیتی در روابط اجتماعی .....	۱۰۶
۳. اهداف تربیتی در روابط سیاسی .....	۱۰۷
۴. اهداف تربیتی در روابط اقتصادی .....	۱۰۸
نتیجه گیری .....	۱۱۰
پیشنهادهای و راهکارها .....	۱۱۱
منابع و مآخذ .....	۱۱۲

## مقدمه

صحیفه سجادیه میراث گرانقدر چهارمین پیشوای معصوم شیعیان، حضرت امام علی بن الحسین (علیه السلام) است. این کتاب شریف، گنجینه ای گران بها و سرمایه ای پربار و تحفه ای الهی است که بر قلب یکی از عزیزترین انسان ها الهام شده است. اثری جامع و کامل که از منبعی مصون از هرگونه خطا و اشتباه سرچشمه گرفته است.

در دوران امام سجاد (علیه السلام) زمامداران جور آشکارا به احکام اسلام دهن کجی می کردند و جامعه را چنان به فساد اخلاقی آلوده کرده بودند که قیام و اصلاح ناممکن شده بوده به سبب موقعیت تاریخی و وضعیت خفقان آمیز سیاسی آن زمان، برای امام (علیه السلام) زمینه ای مناسب جهت تبلیغ معارف اصیل دینی وجود نداشت و مردم از ترس حاکمیت جور نه فقط در پی آموختن، حفظ و انتقال دیدگاه های آن بزرگوار نبودند، بلکه از هرگونه ارتباط با آن حضرت پرهیز کردند. به همین دلیل امام سجاد (علیه السلام) بسیاری از آموزه های تربیتی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و سایر معارف دینی را با زبان دعا و در مقام راز و نیاز با معبود خویش ابزار نمودند و به این ترتیب، ایشان برای انجام رسالت خود که همان هدایت و تربیت انسان هاست، با توسل به شیوه دعا و نیایش، از مکتب تشیع علوی پاسداری کردند و به گسترش آموزه های اسلامی و تربیت انسان ها پرداخت.

این رساله به بررسی و کشف نظام تربیتی و انسان شناسی در صحیفه سجادیه می پردازد این رساله از دو بخش تشکیل می شود. در بخش اول به کلیات تحقیق و مفهوم شناسی واژه نظام تربیتی صحیفه سجادیه اشاره شده است و بخش دوم فصل اول موضوع انسان شناسی بررسی شده و فصل دوم اصول و مبانی تربیت را بیان می کند. فصل سوم به روش های تربیت و فصل چهارم اهداف تربیتی در صحیفه سجادیه پرداخته می شود.

**بخش اول: کلیات و مفاهیم**

**فصل اول: کلیات تحقیق**

**فصل دوم: مفاهیم**

# فصل اول: کلیات تحقیق

۱. ۱. تعریف و تبیین موضوع
۲. ۱. اهمیت و ضرورت تحقیق
۳. ۱. اهداف و فواید تحقیق
۴. ۱. پیشینه موضوع تحقیق
۵. ۱. سوالات تحقیق
۶. ۱. فرضیه تحقیق
۷. ۱. روش تحقیق
۸. ۱. ساختار تحقیق
۹. ۱. واژگان کلیدی
۱۰. ۱. محدودیتها و موانع تحقیق

## ۱,۱. تعریف و تبیین موضوع

انسان، شگفت انگیزترین آفریده خداوند و والاترین نشانه قدرت اوست. انسان قابلیت اتصاف به برخی کمالات الهی را داراست. اصولاً انسان آفریده شده است تا به مقام خلیفه الهی برسد و این سیر تکاملی جز با تربیت دینی و اخلاقی ممکن نمی شود.

اسلام، وحی و سنت معصومین (علیهم السلام) را بهترین راه تربیت انسان می داند که مبتنی بر شناخت حقیقت انسان و همه نیازها و ابعاد وجودی اوست.

هدف اصلی از فرستادن پیامبران و ائمه (علیهم السلام) تربیت دینی و اخلاقی انسان و قراردادن آن ها در مسیر تکامل معنوی است. با توجه به جامع بودن و گستردگی موضوع های تربیتی صحیفه سجادیه و مصون بودن این کتاب شریف از هرگونه خطا و اشتباهی، به نظر می رسد ترسیم تصویری از نظام تربیتی صحیفه سجادیه نمایانگر جایگاه این کتاب شریف در فرایند تربیت در مجموعه متون اسلامی می باشد.

موضوع مورد بررسی در این رساله نظام تربیتی صحیفه سجادیه و عناصر دخیل در آن می باشد که این عناصر به عناصر نظام تربیتی نام برده می شوند.

نظام تربیتی، مجموعه ای از مفاهیم و اندیشه های سازمان یافته، درباره تربیت است که بین آن ها روابط متقابل جریان دارد و به اصلاح از نوعی همبستگی درونی برخوردارند و بیانگر چگونگی و کیفیت تربیت به طور اساسی و پایه ای هستند.

عناصر و مفاهیم نظام تربیتی از این قرار است، مبانی، اصول، روش ها و اهداف تربیت، که در متن رساله به توضیح و تبیین هر کدام پرداخته می شود.

در این رساله همچنین به طور خلاصه موضوع انسان شناسی در صحیفه نیز مورد بررسی قرار می گیرد. که در این فصل به برخی صفات و ویژگی های انسان اشاره می شود و در آخر صفات انسان کامل بیان می شود.

## **۱,۲. اهمیت و ضرورت تحقیق**

اندیشمندان شیعی درباره صحیفه سجاده پژوهش های زیادی در قالب شرح و ترجمه نگاشته و میراث علمی گران بهایی به یادگار گذاشته اند، ولی بیشتر این پژوهش ها بر اساس دقت های ادبی و شرح و توضیح واژه ها صورت گرفته است.

پس پژوهش های ارزشمند عالمان گذشته درباره صحیفه سجاده، بیشتر در قالب شرح و توضیح واژگان و جمله هاست و کمتر به تجزیه و تحلیل تربیتی مطالب پرداخته اند. به جز آن، حتی آن دسته از شرح هایی که به طور تحلیلی به شرح و تفسیر صحیفه سجاده پرداخته اند، با دید تربیتی، به تجزیه و تحلیل دعا های صحیفه پرداخته اند. گذشته از خلا موجود در پژوهش های پیشین، نیازهای مربیان تربیتی و همچنین خانواده ها در برخورداری از اندیشه های تربیتی امام سجاد علیه السلام ضرورت این پژوهش را گوشزد می کند.

## **۱,۳. اهداف و فواید تحقیق**

### **هدف تحقیق:**

یکی از هدف های این رساله، بررسی این مساله است که آیا می توان از صحیفه سجاده، عناصر یک نظام تربیتی اسلامی را برداشت کرد یا اینکه تنها باید به عنوان کتاب دعا به آن نگریست؟

رساله حاضر در پی بررسی و اثبات این مطلب است که صحیفه نورانی سجادیه با زبان دعا و مناجات، رساننده پیام های تربیتی اسلامی نیز هست.

هدف دیگر این است که عناصر نظام تربیتی که همان مبانی، اصول، روش ها و اهداف تربیتی است را از این کتاب گران بها استخراج کرده و به صورت یک متن نوشتاری در یک جا جمع شود.

همچنین هدف دیگر این است که فرمایشات و بیانات امام سجاد (علیه السلام) را در مورد ویژگی ها و صفات انسان، در چارچوب انسان شناسی بیان شود.

#### فواید تحقیق:

فایده این رساله این است که می توان از آن به صورت کاربردی استفاده کرد. به این ترتیب که مربیان و معلمان، دیگر اقشار جامعه و همچنین خانواده ها می توانند از آن برای تربیت و رشد صحیح خود و فرزندان از آن استفاده کنند، در حقیقت از فرمایشات و سخنان گران بهای امام سجاد (علیه السلام) در این زمینه بهره جویند.

### ۱,۴. پیشینه موضوع تحقیق

شرح و تفسیر های مختلفی در مورد صحیفه سجادیه توسط اندیشمندان شیعه نگاشته شده است. مانند شرح ریاض السالکین اثر سید علی خان حسینی، که در این شرح بیشتر به جنبه های ادبی و توضیح واژه ها از نگاه اعتقادی و اخلاقی پرداخته شده است. شرح دیگر، کتاب شهود و شناخت اثر حسن ممدوحی کرمانشاهی است، با وجود شرح های ارزشمند، پرداختن به پژوهش حاضر، کار تکراری نیست، زیرا هدف اصلی این شرح ها، ترسیم نظام تربیتی نبوده است.

دسته دیگر کتاب های تعلیم و تربیت و اخلاق اسلامی است. مانند کتاب اصول و روش های تربیت اثر سید احمد احمدی که تنها به ذکر اصول و روش های تربیت در اسلام پرداخته است. کتاب دیگر، کتاب نگاهی دوباره به تربیت اسلامی اثر خسرو باقری است که به همه عناصر نظام تربیتی اشاره داشته ولی ناظر به صحیفه سجادیه نیست. کتاب دیگر که به موضوع نظام تربیتی و عناصر آن پرداخته است، کتاب بررسی نظام تربیتی صحیفه سجادیه اثر حجت الاسلام علی اصغر ابراهیمی فر است که در این کتاب از موضوع انسان شناسی بحثی به میان نیامده است.

دسته سوم مقاله هاست، مانند مقاله درآمدی بر نظام تربیتی و انسان شناسی از منظر صحیفه سجادیه نوشته مصطفی سلیمانی که در آن به عناصر نظام تربیتی اشاره شده است ولی به صورت خلاصه، مقاله دیگر، انسان شناسی در صحیفه سجادیه است که اثر عبدالحمید فرزانه می باشد. که در آن به پیدایش و ساختار انسان، امتیازات و ویژگی های انسان پرداخته شده است.

## ۱,۵. سوالات تحقیق

### سؤال اصلی

نظام تربیتی و انسان شناسی که می توان از صحیفه سجادیه برداشت کرد چگونه نظامی می تواند باشد؟

### سوالات فرعی

۱ - خصوصیات و ویژگی های انسان در صحیفه سجادیه چیست؟

۲ - مبانی و اصول نظام تربیتی صحیفه سجادیه چیست؟

۳ - کدام روش های تربیتی را از صحیفه سجادیه می توان برداشت کرد؟



۴ - اهداف تربیتی موردنظر صحیفه سجادیه کدامند؟

## **۱,۶. فرضیه تحقیق**

هدف غایی و نهایی تربیت از منظر صحیفه سجادیه رسیدن به نهایت کمال که همان قرب و وصال الهی است، می باشد.

## **۱,۷. روش تحقیق**

روش پژوهش در این رساله، کتابخانه ای است، با دقت به بررسی متن صحیفه سجادیه، برای فهم فرازهای مختلف آن، به شرح های نگاشته شده درباره این صحیفه نورانی مراجعه شده است. همچنین از کتاب هایی که در مورد نظام تعلیم و تربیت اسلامی نگاشته شده است استفاده شده، و از نرم افزارها نیز بهره برده ایم.

پس روش جمع آوری مطالب از طریق منابع مکتوب و نرم افزارها به شکل فیش برداری می باشد. این رساله از جهت اعتبار تحقیقی توصیفی و از جهت موضوع، اخلاقی و تربیتی می باشد.

## **۱,۸. ساختار و محدوده ی تحقیق**

این رساله بر دو بخش تدوین شده است که عبارتند از:

**بخش اول که دارای دو فصل است:**

فصل اول به مبحث کلیات و فصل دوم مفهوم نظام تربیتی روشن گردیده است.

## بخش دوم خود دارای چهار فصل می باشد:

فصل اول: موضوع انسان شناسی در صحیفه سجادیه بررسی می شود که در این فصل پیدایش و ساختار انسان، امتیازات انسان، ویژگی های منفی او و صورتی محلی از انسان کامل در صحیفه بیان می شود.

فصل دوم: به اصول و مبانی تربیت اشاره دارد که مبانی تربیت عبارتند از: خود دوستی، خداجویی، میل به جاودانگی، خوف و رجا دوری از غفلت، دنیا دوستی و اختیار.

اصول تربیت نیز از این قرار است اصل هدایت، تذکر، زهد، التزام به عمل، تقوا، توکل، ایجاد انگیزه.

فصل سوم: روش های تربیت را بیان می کند: در این فصل به سه روش تربیتی اشاره می شود،

۱ - روش شناختی که عبارت است از: اعطای بینش و ذکر خدا که اعطای بینش در مورد سه موضوع دنیا، حقیقت انسان و مرگ و معاد مطرح می شود.

۲ - روش گرایشی که روش توبه و روش یاد آوری نعمت ها است.

۳ - روش رفتاری که تکریم و احترام، رفق و مدارا و نیکی کردن در مقابل بدی را در بر میگیرد

در فصل چهارم: به اهداف تربیتی اشاره دارد: که این اهداف به دو بخش تقسیم می شوند:

۱ - هدف غایی که همان قرب الهی است.

۲ - اهداف واسطه ای که عبارتند از: الف - اهداف تربیتی در رابطه انسان با خدا

ب) اهداف تربیتی در رابطه انسان با خود، ج - اهداف تربیتی در رابطه انسان با دیگران که هر کدام از این اهداف خود دارای زیر مجموعه هایی هستند که در متن رساله بیان می شوند.

## ۱,۹. واژگان کلیدی

**نظام تربیتی:** نظام تربیتی، مجموعه ای از مفاهیم و اندیشه های منظم و سازمان یافته درباره ی تربیت است که بین آنها روابط متقابل جریان دارد و به اصطلاح، از نوعی همبستگی درونی برخوردارند و بیان گر کیفیت و چگونگی تربیت، به طور اساسی و پایه ای هستند که این مفاهیم عبارتند از: مبانی اصول، روش ها و اهداف تربیت که به عناصر اساسی تعلیم و تربیت معروفند.

**انسان شناسی:** انسان موجودی دو بعدی است بخشی از وجودش مادی و بخش دیگر روحی و معنوی است. انسان مورد نظر اسلام بر اساس ساختار وجودی اش استعداد خوب یا بد شدن را داراست و با اراده و اختیاری که آفریدگار به او داده است می تواند مسیر حیوانیت یا الهیت را انتخاب کند.

**مبانی:** مبانی عبارت است از یک سری ویژگی ها و صفات (مثبت و منفی) انسانی که در همه ی انسان ها وجود دارند و اصول تربیتی بر آنها مبتنی می باشند و با مروری بر صحیفه ی سجادیه به نکاتی برمی خوریم که گرچه به شکل دعا از سوی امام بزرگوار به ما رسیده است، ولی به روشنی ویژگی انسان را تبیین نموده و اساس و مبنای اصول تربیتی را ارائه می دهد.

**اصول:** به مجموعه قواعدی که با نظر به قانون مندی های مربوط به ویژگی های عمومی انسان (مبانی تربیت)، اعتبار شده، و به عنوان راهنمای عمل، تدابیر تربیتی را هدایت می کنند، اصول گفته می شود

**روش تربیت:** روش تربیت، به معنای راه یا شیوه ی انجام عمل تربیت است. به عبارت دیگر به معنای راه یا شیوه ای است که میان اصل و هدف امتداد دارد، عمل تربیتی را منظم می کند و به هدف می رساند.

**هدف تربیت:** هدف در تعلیم و تربیت به معنای وضع مطلوبی است که آگاهانه، سودمند تشخیص داده شده است و برای تحقق آن، فعالیت های مناسب تربیتی انجام می گیرد، ویژگی مشترک تمام هدف های تربیتی آن است که این هدف ها، نتیجه یک یا چند فعالیت تربیتی اند.

## **۱۰۱. محدودیتها و موانع تحقیق**

وجود نداشتن منابع کافی و مناسب در کتابخانه ها، نبودن کتابخانه جامع در محل زندگی برای امر تحقیق، وقت و هزینه زیاد برای استفاده از کتابخانه ها، تعدادی از محدودیت ها و موانع می باشند

## فصل دوم: مفهوم شناسی

۲,۱. مفهوم شناسی واژه ی نظام تربیتی

در این فصل به علت اهمیت موضوع، به تعریف واژه ی نظام تربیتی می پردازیم.

## ۲,۱. مفهوم شناسی واژه ی نظام تربیتی

واژه نظام تربیتی از دو کلمه ی نظام و تربیت تشکیل شده است، که در ادامه به مفهوم شناسی آن ها می پردازیم:

### ۲,۱,۱. معنا و مفهوم کلمه ی نظام

#### ۱. مفهوم لغوی کلمه ی نظام

در فرهنگ های لغت واژه ی نظام در معانی زیر به کار رفته است:

بعضی از علماء اهل لغت معنی نظام را، مجموعه قوانین، قواعد، سنن، یا نوامیسی که قوام و انتظام چیزی بر آنها نهاده شده است<sup>۱</sup> و برخی نظام آموزشی<sup>۲</sup> دانسته اند. بعضی دیگر آن را نظم دادن، آراستن، آراستگی، رویه، عادت و روش معنی کرده اند.<sup>۳</sup> دسته ای دیگر آن را اصلاح کار، اسلوب، طریقه و خوی دانسته اند.<sup>۴</sup> دسته ای هم آن را با نظم و قاعده معنا کرده اند.<sup>۵</sup>

---

۱. حسن انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۸، چاپ چهارم، تهران: سخن، ۱۳۸۱، ص ۷۸۵۳.

۲. حسن عمید، فرهنگ فارسی عمید، چاپ دوم، تهران: سپهر، ۱۳۶۹، ص ۱۲۱۷.

۳. محمد معین، فرهنگ فارسی معین، شهاب الدین ارجمندی، چاپ چهاردهم، تهران: معین، ۱۳۸۱، ص ۱۱۴۴.

۴. احمد فلسفی، فرهنگ زبان فارسی، تهران: پیام آزادی، ۱۳۸۱، ص ۶۹۸؛ احمد سیاح، ترجمه المنجد، مصطفی رحیمی اردستانی، تهران: صبا، ۱۳۷۷، ص ۱۱۵۲؛ احمد سیاح، المنجد، ترجمه مصطفی رحیمی اردستانی، تهران: صبا، ۱۳۷۷، ص ۱۱۵۲.

۵. پرویز اتابکی، فرهنگ الفبایی روشن (عربی، فارسی)، تهران: کتاب روشن، ۱۳۸۳، ص ۶۷۲.

## ۲. مفهوم اصطلاحی کلمه ی نظام

در تعریف نظام به معنای عام آمده است: «نظام مجموعه منظم عناصری است که میان آنها روابطی وجود داشته باشد یا بتواند ایجاد شود و دارای هدف یا منظور خاصی باشد»<sup>۱</sup>

نظام در تنوری عمومی نظام ها، به مجموعه ای از اجزای به هم وابسته گفته می شود که در راه نیل به هدف های معینی با هم هماهنگی دارند.<sup>۲</sup>

## ۲،۱،۲. معنا و مفهوم کلمه ی تربیت

در ابتدا باید دید که آیا همگان از کلمه تربیت مفهوم واحدی را برداشت می کنند یا اینکه در مکتب های مختلف تربیت معانی مختلفی دارد. آنچه مسلم است این است که در هر مکتبی تربیت در رابطه با زیر بنای فلسفی و اعتقادی موجود در آن مکتب است. چرا که وقتی سخن از سازندگی شخصیت انسان و به فعلیت رسانیدن کمالات بالقوه ی او می رود، قهراً این مطلب در رابطه ی مستقیم با شناخت و برداشتی است که از انسان داریم. به عبارت دیگر مفهوم تربیت در هر مکتبی مبتنی برانسان شناسی موجود در آن مکتب است، و چون انسان شناسی نیز در هر بینشی با جهان بینی موجود در آن ارتباط مستقیم دارد. لذا مفهوم تربیت بدون در نظر گرفتن جهان بینی مکتب یعنی شناخت و برداشتی که از هستی دارد، قابل تعریف نیست.

به عنوان مثال، مکتبی که هستی را منحصر در عالم ماده و جهان ظاهر می داند (مکتب ماتریالیسم) و به واقعیتی در ورای جهان محسوس معتقد نیست، قهراً معنا و مفهومی که در این مکتب

---

۱. حسین نمازی، نظام های اقتصادی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴، ص ۷.

۲. حسین میر معزی، نظام اقتصادی اسلام، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۷۸، ص ۱۵.

برای تربیت می توان قائل شد هرگز از سطح مفاهیم ظاهری و معیارهای مادی بالاتر نخواهد رفت و هر اندازه هم که برای مفهوم انسانیت و تربیت ارزش قائل شود و از آن تجلیل به عمل آورد، آخر الامر خلاصه ی کلامش جز این نخواهد بود که می خواهد انسانی بسازد که بتواند در این عالم مادی چند روزی با خوشی و به دور از نگرانی و تأملات روزگار بگذراند و سپس راهی دیار فانی و نیستی گردد.<sup>۱</sup> اما اسلام در تربیت چهره ای ممتاز دارد. برخلاف نظام های متداول تربیتی که فاقد جهت متعالی و هدف الهی است، اسلام دارای زیر بنای معنوی و جهان بینی خدایی است و جهان را از مرز تنگ ماده پرستی و طبیعت گرایی و زندگی را از تنگنای بی سرانجام از زادن تا مردن که انسان را مانند جانور می سازد فراتر می برد و به سوی خدای بزرگ می کشاند و توحید را به عنوان فلسفه ی جهان بینی و معاد را به عنوان فلسفه ی زندگی مطرح می سازد. تربیت اسلامی عقل و علم را ملاک یافتن حقیقت و ضابطه ی رستگاری تلقی می کند و بر دو اصل تزکیه و تعلیم تکیه دارد.<sup>۲</sup>

## ۱. مفهوم لغوی کلمه ی تربیت

تعریف و حدود تربیت در اسلام را می توان از طریق بررسی مفاهیم و اصطلاحاتی که در این زمینه در قرآن و حدیث به کار رفته است به دست آورد. تربیت مصدر باب «تفعیل» و از ماده ی «ربو» به معنی زیاد کردن، نمودادن، وسیله ی رشد را فراهم ساختن و پاک گردانیدن آمده است و بدیهی است که علاوه بر رشد دادن جسم، نمو و پرورش دادن و زیاد کردن استعداد در جهت کمال نیز مورد

---

۱. محمدعلی سادات، مبانی اخلاق و تربیت اسلامی (قسمت اول)، تهران: هدی، ۱۳۶۰، ص ۱۸ و ۱۹.

۲. احمد احمدی، اصول و روش های تربیت در اسلام، چاپ سوم، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی (ماجد)، ۱۳۷۲، ص ۲۹.



نظراست، چه بسا آنچه تحت تربیت قرار می گیرد، به ظاهر تنزل کند.<sup>۱</sup> در قرآن خود ماده ی تربیت و ریشه ی آن به کار رفته است. در سوره ی حج آمده است:

«... وَ تَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَ رَبَّتْ...»<sup>۲</sup> و زمین خشک و بی حاصل می بینی، پس وقتی باران را بر آن فرو می فرستیم تکانی می خورد و رشد و نمو گیاهان در آن آغاز می شود.»

رَبَّتْ که در این آیه به کار رفته است به معنای رشد و نمو است. کلمه ی «رَبَّ» در بسیاری از آیات قرآن مجید به کار رفته و به معنای پروردگار، پرورنده و مربی است. «رَبَّ» ریشه ی لغت تربیت است. وقتی رَبُّ به معنای پروردگار باشد، جهان موقعیت پرورش و انسان و موجودات موضوع تربیت خواهند بود. رب العالمین که از اوصاف خداوندی است به معنای رشد دهنده و رساننده ی جهان به کمال است و نمایانگر این امر است که تربیت در همه ی جهان ساری و جاری است.<sup>۳</sup>

و اما کلمه تربیت در بعضی از کتاب ها گاهی به معنی پروردن و پروراندن از ماده ی «رَبُو» است و این لغت به معنای بالارفتن، اوج گرفتن و افزودن و رشد کردن است همچنین به معنای اوج دادن و زمینه را برای بالارفتن و رشد فراهم ساختن نیز آمده است.<sup>۴</sup> و گاهی به معنای آمادگی، آشکار کردن

---

۱. مهدی صناعی، پژوهشی در تعلیم و تربیت اسلامی، چاپ اول، مشهد: سناباد، ۱۳۷۸، ص ۱۱.

۲. حج (۲۲)، آیه ۵.

۳. احمد احمدی، همان، ص ۱۲ و ۱۳.

۴. م. سجادی، تربیت (۱)، چاپ اول، تهران: شهید حسین فهمیده، ۱۳۷۴، ص ۸.

استعداد، تشکیل یا پرورش قوای ذهن، تکرار و توجه به گذشته و تشکیل دهنده ی ذهن، آمده است.<sup>۱</sup>  
و نیز به زیاد کردن، برکشیدن و مرغوب ساختن یا قیمتی ساختن معنا شده است.<sup>۲</sup>

و اما کلمه تربیت در برخی از کتب لغت به معنی ثابت و استوار کردن، هرچیزی را در جای خود قرار دادن، راست و درست کردن، پشت سرهم قراردادن،<sup>۳</sup> پرورش، رفتارشایسته و برابر با نظام ارزشی یک جامعه یا محیط کار آمده است.<sup>۴</sup> همچنین به پروردن، پروراندن، تأدیب و سیاست، ترقی و برتری، غذا و روزی دادن،<sup>۵</sup> ادب و اخلاق به کسی آموختن،<sup>۶</sup> علم آموزش و پرورش، «تربی، تربیا الولد»<sup>۷</sup> کودک را پرورد و تربیت کرد» نیز معنا شده است.

## ۱,۲. در صحیفه سجادیه

واژه تربیت از دو ریشه «ربو» و «ربب» گرفته شده است.<sup>۸</sup> تربیت از ریشه «ربو» به معنای تغذیه و رشد و نمو است که بیشتر به پرورش جسمانی و مادی مربوط است.

---

۱. عبدالحسین نقیب زاده، نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش، چاپ بیست و دوم، تهران: گلشن، ۱۳۷۸، ص ۷۰.

۲. غلام حسین شکوهی، تعلیم و تربیت و مراحل آن، چاپ دهم، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰، ص ۲.

۳. حسن عمید، فرهنگ فارسی عمید، تهران: اشجع، ۱۳۸۹، ص ۳۱۶.

۴. غلامحسین صدری افشار و دیگران، فرهنگ فارسی امروز، تهران: نشر کلمه، ۱۳۷۳، ص ۳۳۲.

۵. احمد فلسفی، فرهنگ زبان فارسی، تهران: پیام آزادی، ۱۳۸۱، ص ۱۶۷.

۶. محمدمعین، همان، ص ۳۵۱.

۷. پرویز اتابکی، فرهنگ الفبایی روشن، عربی فارسی، تهران: کتاب روشن، ۱۳۸۴، ص ۲۱۲.

۸. محمدحسین راغب اصفهانی، مفردات فی غرایب القرآن، تهران: مکتبه البوذر جمهوری المصطفوی، ۱۳۷۳، ص ۱۸۲، ماده «ربو» و «ربب».

در صحیفه سجادیه، مشتقات تربیت از ریشه «ربو» در موارد متعددی از جمله موارد زیر به کار رفته است:

۱. «وَأَعِنِّي عَلَى تَرْبِيَتِهِمْ وَتَأْدِيبِهِمْ...»<sup>۱</sup> و مرا در پرورش ایشان یاری فرما»

۲. «رَبِّ لِي صَغِيرَهُمْ»<sup>۲</sup> خردانشان را برای من پرورش ده.»

تربیت از ریشه «رب» معانی متعددی دارد، مانند: سرپرستی، کامل کردن، اصلاح امور، تدبیر، تأدیب، چیزی را ایجاد کردن و به تدریج از حالت نقص به حد تمام رساندن و هدایت چیزی به سمت کمال. در صحیفه سجادیه، مشتقات تربیت از ریشه «رب» در موارد متعددی از جمله موارد زیر به کار رفته است:

۱. «اللَّهُمَّ وَاعِظْ بِذَلِكَ مَنْ شَهِدَ لَكَ بِالرُّبُوبِيَّةِ، وَأَخْلَصَ لَكَ بِالْوَحْدَانِيَّةِ، وَعَادَاهُ لَكَ بِحَقِيقَةِ الْعُبُودِيَّةِ، وَاسْتَظْهَرَ بِكَ عَلَيْهِ فِي مَعْرِفَةِ الْعُلُومِ الرَّبَّانِيَّةِ»<sup>۳</sup> بار خدایا! شامل این درخواست من گردان هر که را به پروردگاری ات گواهی دهد و در آموختن علم های خدایی بر دشمنی با او از تو کمک بطلبد.»

۲. «لَا يُجِيرُ، يَا إِلَهِي، إِلَّا رَبُّ عَلَى مَرْبُوبٍ»<sup>۴</sup> پناه نمی دهد ای خدای من، جز پروردگار، پرورده ای را.»

---

۱. علی نقی فیض الاسلام، صحیفه سجادیه، ترجمه و شرح صحیفه کامله سجادیه، چاپ دوم، تهران: فیض الاسلام، ۱۳۶۶، دعای ۲۵، بنده.

۲. همان، بنده ۲.

۳. همان، دعای ۱۷، بنده ۱۱.

۴. همان، دعای ۲۱، بنده ۳.

## ۲. مفهوم اصطلاحی کلمه ی تربیت

### ۲,۱. در قرآن و حدیث

#### ۲,۱,۱. تربیت به معنای رسیدن به رشد

هدایت به رشد و رشد از جمله تعبیری است که در قرآن مجید برای تربیت به کار رفته است. در سوره ی جن آمده است: «إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا»<sup>۱</sup> همانا ما قرآن را کتابی شگفت آور یافتیم، به راه صلاح و رشد هدایت می کند به این سبب ما به آن ایمان آوردیم و دیگر هرگز به خدای خود مشرک نخواهیم شد.»

#### ۲,۱,۲. تربیت به معنای هدایت به حق و کمال

هدایت به حق و کمال از جمله اموری است که پیامبر اسلام (سلام الله علیه وآله وسلم) مامور به ابلاغ آن بود و می فرمود: «ما أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ»<sup>۲</sup> جز به راه حق و کمال به چیز دیگری شما را هدایت و راهنمایی نمی کنم.» این هدایت به حق و کمال عقلی را می توان تربیت دانست.

#### ۲,۱,۳. تربیت به معنای رسیدن به حد بلوغ و تشخیص و تمیز،

تعبیر دیگری از تربیت است و در قرآن مجید به طور مکرر به کار رفته است. در بیان مراحل رشد آدمی، قرآن چنین می گوید: «ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ»<sup>۳</sup> آنگاه شما را به صورت طفلی از رحم مادر خارج می کنیم و سپس به مرحله ی بلوغ و تشخیص می رسید.»

---

۱. جن (۷۳)، آیه ۲-۱.

۲. غافر (۴۰)، آیه ۲۹.

۳. حج (۲۲)، آیه ۵.

#### ۲, ۱, ۴. تربیت به معنای تزکیه نفس و اخلاق

تزکیه نفس که عبارت است از آراستن نفس به نیکی ها و پیراستن آن از بدی ها و آلودگی هاست. تعبیر دیگری از تربیت است. تزکیه یکی از اهداف رسالت انبیاء است.

«لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ؛<sup>۱</sup> همانا خداوند به افراد با ایمان منت نهاد و برای آنان پیامبری را مبعوث نمود تا بر آنان آیات خداوند را تلاوت کند و آنفوس آنان را از آلودگی ها پاک گرداند و به آنها کتاب و حکمت را تعلیم دهد.»

در سوره ی شمس پس از سوگند به نفس و تعادلی که در آن برقرار شده است، چنین آمده است: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا؛<sup>۲</sup> آن کسی که نفس خود را از آلودگی ها زدود، سعادتمند و رستگار می شود و آنکه گرفتار اغواها و هواهای نفسانی شد ناامید و مایوس می گردد.»

بنابراین آیه، تزکیه نفس باعث رستگاری است و این همان چیزی است که منظور تربیت است.

#### ۲, ۱, ۵. تربیت به معنای ادب

کلمه ی ادب را می توان تعبیر دیگری از تربیت و حتی مترادف با آن دانست.

حضرت علی (علیه السلام) می فرمودند: «مَا نَحَلَ وَالِدٌ وَلَدًا نُحْلًا أَفْضَلَ مِنْ أَدَبٍ حَسَنٍ؛<sup>۱</sup> هیچ بخششی از جانب پدر به فرزند برتر از ادب نیکو نیست.»

---

۱. آل عمران (۳)، آیه ۱۶۴.

۲. شمس (۹۱)، آیه ۹ و ۱۰.

حضرت علی (علیه السلام) در وصایای خود به امام حسن (علیه السلام) فرمودند:

«إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدَثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبْلَهُ فَبَادَرْتُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُو قَلْبُكَ وَ يَشْتَغِلَ لُبُّكَ لِتَسْتَقْبِلَ بِجِدٍّ رَأْيَكَ مِنَ الْأَمْرِ مَا قَدْ كَفَاكَ أَهْلُ التَّجَارِبِ بُغْيَتُهُ وَ تَجَرِبَتُهُ»<sup>۲</sup> همانا دل فرد جوان مانند زمین دست نخورده ای است که هنوز بذری در آن پاشیده نشده است. هر بذری که در آن افکنده شود به خود می گیرد و آن را می رویاند.

پس به ادب و تربیت تو پیش از آنکه دلت سخت شود و حقایق را نپذیرد و عقلت به امور دیگری مشغول گردد اهتمام ورزیدم تا در سایه ی اندیشه و تفکر به امور مربوط به خودت اقدام کنی و از تجربه های مکرر و انجام آزمایش هایی که اهل تجربه انجام داده اند معاف گردی. در این وصیت تربیت به لفظ ادب تعبیر شده است.<sup>۳</sup>

## ۲،۲. در کتب دیگر

۲،۲،۱. تربیت، بروز دادن و به فعلیت رساندن استعداد های ذاتی موجودات تربیت نامیده می شود. در نهاد هر موجودی قوا و استعداد های مختلفی نهفته است که اگر این قوا بروز ننماید و به مرحله ی نمود و ظهور نرسد آن موجود در جا زده و بی ارزش باقی می ماند. مثلاً دانه ی گندمی که دارای قدرت رویش و خوشه شدن است، اگر این قدرت به فعلیت برسد موجود کامل شده و پیش رفته است،

---

۱. حسین بن محمد تقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسة آل البيت (علیهم السلام)، ج ۱۵، قم: مؤسسة آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۰۸ ق، ص ۱۶۵.

۲. محمد دشتی، ترجمه نهج البلاغه، چاپ دهم، اندیشه هادی، قم: ۱۳۸۹، نامه ی ۳۱، قسمت ۴، ص ۳۷۲.

۳. احمد احمدی، همان، ص ۱۲ تا ۳۶.

ولی اگر نیروی درونی دانه را به مرحله ی ظهور نرسانیم و در همان حال باقی بماند ضرر کرده و کمالی برای او حاصل نخواهد شد. وجود هر انسان نیز دارای قوی و نیروهای ارزنده می باشد، بروز و ظهور این قوا او را انسان می سازد و گر نه انسان از ابتدا انسان کامل زاییده نمی شود بلکه با تربیت انسان کامل می گردد. به طور خلاصه می توان چنین اظهار داشت که فراهم نمودن شرایط بروز قوای وجودی هر موجود تربیت نام می گیرد.<sup>۱</sup>

**۲,۲,۲. تربیت،** یعنی برانگیختن استعدادها و قوای گوناگون انسان و پرورش آن که باید با کوشش و مساعی خود مربی<sup>۲</sup> نیز توأم باشد، تا به منتهای کمال نسبی خود به میزان طاقت و توانایی نائل شود. این استعدادها و قوای مختلف و کیفیت کاربرد آنها در سایه ی اعمال منظم سازمان یافته مربی تحت نظارت مربی و پرورش کار، شکوفایی و رشد خود را آغاز می کند. انسان با عوامل و انگیزه هایی در زندگانی احاطه شده است که نشاط و جنبش او را تحریک نموده و استعدادها و قوای او را بیدار می سازد. بدیهی است که کوشش و اهتمام خود انسان نیز در این رهگذر به مدد رشد و تعالی این استعدادها و قوای عقلی او برمی خیزد. پس تربیت عبارت از عملی است که قوای جسمانی و روانی و عقلی انسان را شکوفا ساخته تا آن قوی با نظام و سازمان ویژه ای با استعداد از درون مربی و با مدد کوشش های او به میزان توانایی و استعداد خود رشد و پیشرفت نماید.<sup>۳</sup>

### **۳. مفهوم نظام تربیتی**

---

۱. محمد اسدی گرمارودی، درس هایی از تربیت انسانی، چاپ چهارم، تهران: رجاء ۱۳۷۴، ص ۱۵.

۲. کودک یا انسانی که تحت مراقبت های تربیتی قرار می گیرد.

۳. محمد باقر حجتی، اسلام و تعلیم و تربیت، چاپ هفتم، تهران: فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۶، ص ۱۱۰.

نظام تربیتی را نیز چنین تعریف می‌کنیم: «نظام تربیتی، مجموعه‌ای از مفاهیم و اندیشه‌های منظم و سازمان‌یافته درباره‌ی تربیت است که بین آنها روابط متقابل جریان دارد و به اصطلاح، از نوعی همبستگی درونی برخوردارند و بیانگر کیفیت و چگونگی تربیت، به طور اساسی و پایه‌ای هستند که این مفاهیم عبارتند از: مبانی اصول، روش‌ها و اهداف تربیت که به عناصر اساسی تعلیم و تربیت معروفند.<sup>۱</sup> که درفصول بعد به تفصیل و بررسی آنها می‌پردازیم.

با توجه به آنچه بیان شد نظام تربیتی متشکل از دو کلمه‌ی نظام و تربیت است نظام تربیتی، مجموعه‌ای از مفاهیم و اندیشه‌های منظم و سازمان‌یافته درباره‌ی تربیت است که بین آنها روابط متقابل جریان دارد و به اصطلاح، از نوعی همبستگی درونی برخوردارند و بیانگر کیفیت و چگونگی تربیت، به طور اساسی و پایه‌ای هستند.

---

۱. محمدعلی حاجی ده‌آبادی، درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۷۷، ص ۱۷.



**بخش دوم: صحیفه سجادیه، نظام تربیتی**

**و انسان شناسی**

# **فصل اول: انسان شناسی در صحیفه**

**سجادیه**

قبل از پرداختن به موضوع اصلی نگاه کلی به انسان از دیدگاه اسلام داریم. در انسان شناسی اسلامی، انسان موجودیتی که دارای دو بعد روحی و جسمی است، چنانچه از آیات قرآن بر می آید، بخشی از وجودش، مادی است؛ «إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ»<sup>۱</sup> ما خلق کردیم ایشان را از گل چسبنده» و بعد دیگر روحی و معنوی است؛ «وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي»<sup>۲</sup> و از روح خود در او دمیدم» انسان مورد نظر اسلام بر اساس ساختار وجودیش استعداد خوب یا بد شدن را داراست. با اراده و اختیاری که آفریدگار اسلام به او داده است می تواند مسیر حیوانیت یا الوهیت را انتخاب کند، در حقیقت انسان از دیدگاه اسلام موجودی غریزی - فطری است و چنان چه غرایز بر او حاکمیت یابد به سوی حیوانیت و بدبختی کشیده خواهد شد و اگر فطرتش بر او حکمرانی کند و به سوی کمال و قرب الهی خواهد رسید.<sup>۳</sup>

## ۱. انسان شناسی در صحیفه سجادیه

### ۱,۱. پیدایش و ساختار انسان

اگر بخواهیم خاستگاه جهت گیری های اخلاقی و رفتاری انسان و نقاط قوت و ضعف بشر را به درستی بشناسیم، لازم است در آغاز نگاهی کلی به آفرینش انسان و امکانات اولیه ای که آفریدگار در او به ودیعه گذارده و با توجه به آن ها از او مسئولیت خواسته است، داشته باشیم.

---

۱. صفات (۳۷)، آیه ۱۱.

۲. ص (۳۸)، آیه ۷۲.

۳. محمد علی سادات، همان، ص ۲۲.

## ۱,۱,۱. آغاز و فرجام انسان

بر اساس دعاهای مختلف صحیفه سجاده انسان مخلوقی غیر ازلی است و بر اثر تصادف یا جهش ناخواسته پدید نیامده بلکه به حق آفریده شده است. امام سجاد (علیه السلام) در مقام حمد و ستایش پروردگار، در این زمینه می فرماید:

«ابْتَدَعَ بِقُدْرَتِهِ الْخَلْقَ ابْتِدَاعاً وَ اخْتَرَهُمْ فِي عَلَى مَشِيَّتِهِ اخْتِاراً؛<sup>۱</sup> عالم آفرینش (از جمله انسان) را بی تمثال و بی سابقه فکرت به قدرت کامله و مشیت کامله بیافرید» «وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ، وَالْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ عَدَدٍ؛<sup>۲</sup> تویی خدایی که جز تو خدایی نیست، پیش از هر یک، اول و آغازی و پس از هر شمرده شده آخر و مرجعی.»

از نظر امام (علیه السلام) خداوند اول و آخر هر چیز و مقدم و موخر از هر موجودی، از جمله انسان است، و بشر ممکن الوجود است که آغاز و پایان دارد.<sup>۳</sup>

## ۱,۱,۲. ظرفیت های اخلاقی و رفتاری

---

۱. علی نقی فیض الاسلام، همان، دعای ۱، بند ۳.

۲. همان، دعای ۴۷، بند ۹.

۳. مصطفی سلیمانی، درآمدی بر نظام تربیتی و انسان شناسی از منظر صحیفه سجاده، قم: فصلنامه راه تربیت، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پرتال جامع علوم انسانی، ۱۳۸۷، ص ۷۸.

امام سجاده (علیه السلام) منشأ هدایت و ضلالت، شکور و کفور بودن انسان را ساختار وجودی او می داند؛ «ثُمَّ سَلَكَ بِهِمْ طَرِيقَ إِرَادَتِهِ، وَ بَعَثَهُمْ فِي سَبِيلِ مَحَبَّتِهِ»<sup>۱</sup> موجودات را آفرید و سپس آنان را در راه اراده و خواست خویش روان گردانید و در راه محبت خود برانگیخت.

بنابراین گرایش به خدا و پاکی ها در وجود انسان به ودیعه گذاشته شده و این آدمی است که با عقل و اراده‌ی خویش یا به این کشش فطری خود پاسخ مثبت می دهد و یا راه دوم که بعد حیوانی است را برخواهد گزید.<sup>۲</sup>

## ۱،۲. امتیازات انسان

در بسیاری از دعاهای صحیفه سجادیه بر صفات نیک و ویژگی های مثبت انسان تأکید شده است که برخی از آن ها به این قرار است:

### ۱،۲،۱. خداخواهی

اگر آدمی از تأثیرات پیرامونی خویش مصون بماند به طور فطری به سوی خداوند یکتا گرایش دارد به درگاه معبود یگانه سر می ساید. امام سجاده (علیه السلام) در مواردی چند خداخواهی و توحید گرایی انسان را با زبان دعا بیان کرده است. گاهی به عنوان حمد و ثنای پروردگار، سوز و گداز انسان را نسبت به خالق هستی نشان می دهد و گاهی در مقام خواهش و درخواست، این حقیقت را در لباس زیباترین الفاظ بیان می دارد. به عنوان مثال امام (علیه السلام) در اولین دعای صحیفه سجادیه، پس از حمد و ستایش خداوند، یاد آور می شود که الله پدیده ها و مخلوقات را با قدرت و مشیت خویش

---

۱. علی نقی فیض الاسلام، همان، دعای ۱، بند ۴.

۲. مصطفی سلیمانی، همان، ص ۷۹.

آفرید و سپس آنان را در راه اراده و خواست خویشتن روان گردانید، و آنان را در راه محبت به خود برانگیخت و به بیان دیگر آن را به طوری فطری خداجو و خدا دوست آفرید.<sup>۱</sup>

## ۱،۲،۱. برترین آفریده خدا

همان گونه که در قرآن کریم نیز از انسان به عنوان خلیفه الله و برترین آفریده های کردگار هستی یاد شده است؛ «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً»<sup>۲</sup> همانا در زمین خلیفه برگمارم، «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ»<sup>۳</sup> آفرین بر قدرت کامل بهترین آفریننده.

خداوند با آفرینش او به خود تبریک گفته، امام سجاد(علیه السلام) در ضمن سپاس و ستایش حضرت حق به برتری انسان بر تمام مخلوقات اشاره نموده است:

«وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اخْتَارَ لَنَا مَحَاسِنَ الْخَلْقِ، وَأَجْرَى عَلَيْنَا طَيِّبَاتِ الرِّزْقِ وَ جَعَلَ لَنَا الْفَضِيلَةَ بِالْمَلَكَةِ عَلَى جَمِيعِ الْخَلْقِ، فَكُلُّ خَلِيقَتِهِ مُنْقَادَةٌ لَنَا بِقُدْرَتِهِ»<sup>۴</sup> و سپاس خدایی را که نیکویی های آفرینش را به ما برگزید و روزی های پاکیزه را برای ما روان گردانید و با تسلط و توانایی، ما را بر همه آفریدگان برتری داد.

---

۱. عبد الحمید فرزانه، انسان شناسی در صحیفه سجادیه، فصل نامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، شماره ۱۵، ۱۳۸۴، ص ۱۴.

۲. بقره (۱)، آیه ۳۰؛ حسن اسماعیل پور نیازی، انسان شناسی، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۹، ص ۱۴.

۳. مومنون (۲۳)، آیه ۱۴.

۴. علی نقی فیض الاسلام، همان، دعای ۱، بند ۱۸ - ۱۷.

### ۱،۲،۳. فراتر از ماده

هویت حقیقی انسان را روح او تشکیل می دهد، روح امری است الهی و ربّانی که تعلق به عالم بالا داشته و از سنخ ماده و طبیعت نیست. رمز و راز و امتیاز و برتری انسان نسبت به موجودات دیگر نیز در همین جا نهفته است، چراکه سایر موجودات فاقد این بعد وجودی می باشند. اگر انسان، موجودی برتر و واجد استعداد و کمال شده است به خاطر همین رابطه است. بنابراین جوهره ی وجود انسان و آنچه او را به مقام انسانیت ارتقاء می دهد، همانا ارتباط خاصی است که روح را به آستان ربوبی متصل گردانیده و از این رهگذر، استعداد کمال را تا به سرحد نامتناهی ایجاد می نماید.<sup>۱</sup> امام سجّاد (علیه السلام) در این زمینه می فرماید: «وَأَنْزِعْ مِنْ قَلْبِي حُبَّ دُنْيَا دُنْيَةٍ تَنْهَى عَمَّا عِنْدَكَ، وَ تَصُدُّ عَنِ ابْتِغَاءِ الْوَسِيلَةِ إِلَيْكَ، وَ تَذْهِلُ عَنِ التَّقَرُّبِ مِنْكَ؛<sup>۲</sup> و دوستی دنیا بیهوده و پست را از دل من ببر، دنیایی که مرا از آنچه نزد توست باز می دارد، و از توسل به سوی تو مرا منع می کند، و از تقرب بستن به درگاهت غافل می سازد» و «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ فَرِّغْ قَلْبِي لِمَحَبَّتِكَ، وَ اشْغَلْهُ بِذِكْرِكَ، وَ اَنْعَشْهُ بِخَوْفِكَ وَ بِالْوَجَلِ مِنْكَ، وَ قَوِّهِ بِالرَّغْبَةِ إِلَيْكَ؛<sup>۳</sup> بار خدایا! بر محمد و آل او درود فرست و دلم را برای محبت و دوستی خویش خالی ساز و به یاد خود مشغول گردان و به ترس و خشیت از جلالت، بلند مرتبه اش فرما و به رغبت به سوی خود توانایش نما.»

### ۱،۲،۴. دارای اختیار و اراده

---

۱. محمد علی سادات، همان، ص ۲۶.

۲. علی نقی فیض الاسلام، دعای ۴۷، بند ۱۰۹.

۳. همان، دعای ۲۱، بند ۱۰.

یکی دیگر از امتیازات انسان، دارا بودن اختیار و اراده است، در دین اسلام پایه ی وظیفه و تکلیف، و ثواب و عقاب، زشتی و زیبایی اخلاق و مسئولیت انسان به این ویژگی وابسته است<sup>۱</sup> و مشروعیت این امور نیز برخاسته از این ویژگی همراه با آگاهی و گرایش درونی است.<sup>۲</sup> از دیدگاه اهل بیت (علیهم السلام) انسان در کارهای ارادی خود، نه مجبور است و نه کاملاً به خود وا گذاشته شده است، بلکه برابر فرموده مشهور امام صادق (علیه السلام)، حقیقتی بین این دو وجود دارد.<sup>۳</sup> بر اساس این دیدگاه، فعال بودن انسان، نه تنها با فعال بودن خدا در کارهای انسان منافات ندارد، بلکه عین واقعیت و مقتضای شناخت صحیح خدا و انسان و درک دقیق ماهیت فعل اختیاری است.<sup>۴</sup> امام (علیه السلام) هم انسان را موجودی مختار و دارای اراده می داند که مسئول اعمال خویش است.

«اللَّهُمَّ وَأَنَا عَبْدُكَ الَّذِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ قَبْلَ خَلْقِكَ لَهُ وَ بَعْدَ خَلْقِكَ إِيَّاهُ، فَجَعَلْتَهُ مِنْ هَدْيَتِهِ لِدِينِكَ، وَ وَقَفْتَهُ لِحَقِّكَ، وَ عَصَمْتَهُ بِحَبْلِكَ، وَ أَدَخَلْتَهُ فِي حَزْبِكَ، وَ أَرَشَدْتَهُ لِمُؤَالَاهِ أَوْلِيَائِكَ، وَ مُعَادَاهِ أَعْدَائِكَ ثُمَّ أَمَرْتَهُ فَلَمْ يَأْتُمْرْ، وَ زَجَرْتَهُ فَلَمْ يَنْزَجَرْ، وَ نَهَيْتَهُ عَنْ مَعْصِيَتِكَ، فَخَالَفَ أَمْرَكَ إِلَى نَهْيِكَ؛ بَارِ خَدَايَا مِنْ آ نَ خود [اسلام] راهنمایی نمودی و برای انجام حق خویش توفیق دادی، و او را به ریسمان خود نگاه

۱. مرتضی مطهری، حکمت ها و اندرزها، چاپ چهارم، تهران: صدرا، ۱۳۶۹، ص ۲۱۷.

۲. دفتر همکاری حوره و دانشگاه، فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: سازمان سمت، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۴۸۱.

۳. «قال الصادق (عليه السلام): لا جبر ولا تفويض و لكن امر بين الامرين». محمد بن يعقوب كليني، همان، ج ۱، ص ۱۶۰.

۴. محمود رجبی، انسان شناسی، چاپ سوم، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۸، ص ۱۱۲.

۵. علی نقی فیض الاسلام، دعای ۴۷، بند ۶۸، ۶۷.



داشتی، و در حزب و گروه خویشتن در آوردی و به دوستداری دوستان و دشمنی دشمنان رهبری فرمودی، سپس او را فرمان دادی پس فرمان نبرد، و منع نمودی پس باز نایستاد، و از معصیت و نافرمانی نهی فرمودی پس خلاف فرمانت نموده و نهیت را مرتکب گشته است.»

### ۱,۳. ویژگی های منفی

امام سجاد (علیه السلام) در ضمن راز و نیازهایشان به کاستی ها و ویژگی های منفی انسان اشاره فرموده و نشان داده اند که این ویژگی ها از نقاط ضعف انسانند. در ادامه به بررسی برخی از آن موارد می پردازیم.

#### ۱,۳,۱. اسیر خویشتن

یکی از نقاط ضعف انسان خطر غلبه خواست های حیوانی و هواهای نفسانی بر او و اسیر آنها شدن است.

امام سجاد (علیه السلام) نیز در مواردی بر این ویژگی منفی تأکید فرموده و نشان داده است که اگر انسان تسلیم هوای نفس شود اسیر خود خواهد شد. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ..... وَالْإِحَاحِ الشَّهْوَةِ»<sup>۱</sup> بار خدایا به تو پناه می برم از اصرار خواهش نفس.

یکی از مصداق های شهوت (هوی و هوس) غریزه ی جنسی است، امام (علیه السلام) می فرماید:

---

۱. همان، دعای ۸، بند ۱.

«وَهَوَايَ أَرْدَانِي، وَشَهَوَاتِي حَرَمَتْنِي»<sup>۱</sup> و هوای نفسم، مرا تباه گردانیده و شهوت ها و خواهش های  
نفسم مرا بی بهره ساخته است»

در ارضا غرایز جنسی، نباید افراط و تفریط صورت گیرد. تفریط در پاسخ گویی به این گرایش نیز  
نتیجه مصیبت باری برای انسان به بار می آورد و نه تنها فحشا و فساد را در جامعه گسترش می دهد،  
بلکه انسانیت انسان را تباه می کند و مانع رسیدن انسان به مقام های ولای انسانی می شود.

### ۱,۳,۲. حسادت و تنگ نظری

نقطه ضعف دیگر آدمی ناتوانی از تحمل و موفقیت های دیگران است. آدم حسود وقتی خیر و نعمتی  
را دثر دیگران می بیند، همه آرزویش این است که از او سلب نعمت شود. اگر کسی همیشه در این  
اندیشه است که دیگری عقب بیافتد بیمار است، گاهی آدم های حسود به مرحله ای می رسند که  
حاضرند به خودشان صد درجه صدمه بزنند، بلکه به دیگری پنجاه درجه صدمه وارد شود.<sup>۲</sup>

امام سجاد (علیه السلام) از این نقطه ضعف به خدا پناه می برد، «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَيَجَانِ  
الْحِرْصِ، وَ سَوْرَةِ الْغَضَبِ، وَ غَلْبَةِ الْحَسَدِ»<sup>۳</sup> بار خدایا به تو پناه می برم از سرکشی حرص و آرزومندی  
خشم و تسلط رشک و حسد.»

### ۱,۳,۳. غرور و خود پسندی

---

۱. همان، دعای ۵۲، بند ۷.

۲. مرتضی مطهری، انسان کامل، چاپ پنجاه و سوم، تهران: صدرا، ۱۳۹۱، ص ۲۲.

۳. همان، دعای ۸، بند ۱.

خودپسندی ویژگی منفی دیگری در انسان است، کبر بزرگی فروختن و خود را بزرگ تر دانستن است، انسان متکبر خود را از دیگران برتر می بیند. این حالت از امراض نفسانی است. و یکی از موانع بزرگ رشد و کمال نفس محسوب می شود. کسی که خود را بزرگ می بیند از حق روی گردانده و در مقابل حق می ایستد، و از این نکته انحراف آغاز می گردد تا به مراحل خطرناک تر منتهی شود. پس کبر و غرور عامل روی گرداندن از حق می شود. خودبزرگ بینی و خود پسندی باعث تسلط شیطان و امکان هر انحراف می شود.<sup>۱</sup>

امام (علیه السلام) در این زمینه می فرماید:

«وَأَعِزَّنِي وَلَا تَبْتَلِنِي بِالْكِبَرِ، وَعَبَّدَنِي لَكَ وَلَا تُفْسِدْ عِبَادَتِي بِالْعُجْبِ»<sup>۲</sup> و عزیز و گرامی ام بدار و به کبر و خود پسندی دچارم مکن، و مرا برای بندگی خود رام ساز و عبادتم را به عجب و خود پسندی تباه مگردان»

در این فراز دعا امام (علیه السلام) خودپسندی را فاسد و باطل کننده ی عبادت می داند.

## ۱،۳،۴. در بند آرزوها

یکی دیگر از ویژگی های منفی انسان در بند آرزو بودن است. نکته جالب در اینجا آن است که در منطق بسیاری، آرزو ها علامت زنده بودن و کارآمد بودن فرد است؛ به حدی که می گویند «انسان به آرزو زنده است» و این سخن را در جایی بکار می بندد که کسی آرزوهای دور و دراز را در آینده های

---

۱. محمد اسدی گرمارودی، همان، ۲۱۸، ۲۱۵.

۲. همان، دعای ۲۰، بند ۳.

دور و نزدیک تصور کند و موانع سر راه را فراموش کند و ذهن و فکر خود را به اهداف سراب مانند مشغول بدارد و کورکورانه یا کودخانه و نسنجیده بدان سوی حرکت کند. امام سجاد (علیه السلام) در این باره می فرماید:

«فَأَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ سُؤَالَ مَنْ نَفْسُهُ لَاهِيَةٌ لِطُولِ أَمَلِهِ، وَ بَدَنُهُ غَافِلٌ لِسُكُونِ عُرْوَةِ<sup>۱</sup>؛ پس ای مولای من، از تو درخواست می کنم ای مولای من، درخواست کسی که بر اثر آرزوی درازش به کار بیهوده مشغول شده و همانند غفلت زده ی بی تحرک عروقت بسته شده است.»

امام سجاد (علیه السلام) در این دعا آرزوی طولانی را یکی از علت های پوچی انسان و مردگی نسبی بدن می داند از آن رو است که انسان در این صورت به یک سلسله اموری دل می بندد که بر فرض پیدایش و تحقق آنها چیزی اندک و یا فقط خیال باطل عاید انسان می گردد بلکه در منطق امام سجاد (علیه السلام) اگر آرزو علامت حیات و زندگی است باید آرزوی رشد و کمال و امید به ارتقاء در مراتب انسانیت و تکامل در معنویت باشد. اگر میان آرزو، همت، توانایی و امکانات انسان هماهنگی پدید آید به حرکت و تحول و تکامل در او خواهد انجامید.<sup>۲</sup>

## ۱,۴. انسان کامل در صحیفه سجادیه

---

۱. همان، دعای ۵۲، بند ۸.

۲. حسن ممدوحی کرمانشاهی، شهود و شناخت (ترجمه و شرح صحیفه سجادیه)، ج ۳، چاپ پنجم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۰، ص ۳۵۷.

کمال انسان در تعادل و توازن اوست، یعنی انسان با داشتن این همه استعداد های گوناگون آن وقت انسان کامل است که فقط به سوی یک استعداد گرایش پیدا نکند و استعدادهای دیگرش را مهمل و معطل نگذارد و همه را در یک وضع متعادل و متوازن، همراه هم رشد دهد که علما می گویند اساساً حقیقت عدل به توازن و هماهنگی برمی گردد. مقصود از هماهنگی در اینجا این است که در عین اینکه همه استعدادهای انسان رشد می کند، رشدش رشد هماهنگ باشد.<sup>۱</sup>

از ویژگی های انسان کامل، لابه لای بخش های صحیفه، فراوان یاد شده است. تفکر و تعقل در محتوای این گونه دعا یکی از بهترین راه های شناخت ابعاد مختلف شخصیت انسان کامل از دیدگاه صحیفه سجادیه است. در ادامه، تنها به برخی ویژگی های انسان کامل (ویژگی های ایمانی، اخلاقی، رفتاری) به طور خلاصه از منظر صحیفه سجادیه اشاره می شود، تا نمایی کلی از انسان کامل نشان داده شود.

## ۱. انسان کامل، مشتاق وصال الهی است

«وَأَجْعَلْ فِيمَا عِنْدَكَ رَغْبَتِي شَوْقًا إِلَىٰ لِقَائِكَ»<sup>۲</sup> و رغبت و میل را در آنچه (پاداش اخروی) نزد تو است، شوق و دوستی دیدار (رحمت) خویش قرار ده» «وَأَخْفِنِي مَقَامَكَ، وَ شَوْقُنِي لِقَاءَكَ»<sup>۳</sup> و مرا از مقام بتراستان و برای لقایت، مشتاق ساز»

## ۲. انسان کامل، بالاترین عشق ها را نثار دوست می کند

---

۱. مرتضی مطهری، انسان کامل، همان، ص ۳۳.

۲. همان، دعای ۴۵، بند ۴.

۳. همان، دعای ۴۷، بند ۱۲۶.

«وَفَرَّغْ قَلْبِي لِمَحَبَّتِكَ»<sup>۱</sup> دلم را برای محبت و دوستی خودت از هرگونه (محبت جز تو) خالی ساز.»

۳. انسان کامل، آرزوی زندگی گوارا می کند

«فَأَحْنِي حَيَاةً طَيِّبَةً تَنْتَظِمُ بِمَا أُرِيدُ، وَتَبْلُغُ مَا أُحِبُّ مِنْ حَيْثُ لَا آتِي مَا تَكْرَهُ، وَلَا أُرْتَكِبُ مَا نَهَيْتَ عَنْهُ»<sup>۲</sup> پس مرا با زندگی گوارا و دل انگیز زنده دار تا آن گونه که می خواهم، آن زندگی نظم پذیرد و آنچه را دوست دارم، در بگیرد؛ یعنی آنچه را نمی پسندی، انجام ندهم و آنچه را نهی کرده ای، مرتکب نشوم.»

۴. انسان کامل به حقیقت توحید، ایمان دارد

«وَوَسَّيْتَنِي إِلَيْكَ التَّوْحِيدُ، وَذَرِيعَتِي أَنِّي لَمْ أُشْرِكْ بِكَ شَيْئًا، وَلَمْ أَتَّخِذْ مَعَكَ إِلَهًا»<sup>۳</sup> و دستاویز من به سوی تو، یگانه دانستن تو است و وسیله ام آن است که چیزی را با تو شریک نساخته و با تو خدایی نگرفته ام.»

۵. انسان کامل، هم نوعان خود را دوست دارد و به آنها کمک می کند

«وَوَفَّقَهُمْ لِإِقَامَةِ سُنَّتِكَ، وَالْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِكَ فِي إِرْفَاقِ ضَعِيفِهِمْ، وَسَدِّ خَلَّتِهِمْ، وَعِيَادَةِ مَرِيضِهِمْ، وَهِدَايَةِ مُسْتَرْشِدِهِمْ، وَمُنَاصَحَةِ مُسْتَشِيرِهِمْ؛ وَأَنَّا رَا تَوْفِيقَ دِهِ بَرَا دَاشْتَن رُوش وَفَرَا

---

۱. همان، دعای ۲۱، بند ۱۰.

۲. علی نقی فیض الاسلام، همان، دعای ۴۷، بند ۱۱۷.

۳. همان، دعای ۴۹، بند ۳.

۴. همان، دعای ۲۶، بند ۲.

گرفتن اخلاق نیک خود در سود رساندن به ناتوانانشان و جلوگیری از نیازمندی شان و رفتن نزد بیمارشان و راهنمایی کردن راه جویان و اندرز دادن مشورت کننده شان.»

وقتی امام سجاد (علیه السلام) به عنوان یک انسان نمونه و مظهر کمال، آن گونه داشتن ویژگی های انسان کامل را از خدای متعال درخواست می کند، ره پویان و شیعیان آن امام که خواهان کمالند، باید برای دست یابی آن ویژگی ها بسیار بکوشند.<sup>۱</sup>

با توجه به آنچه بیان شد انسان در صحیفه سجادیه از بُعد، آغاز و فرجامش، امتیازات و ویژگی های منفی اش مورد بررسی قرار گرفته است و در آخر نمایی از انسان کامل به صورت مختصر بیان شده است.

## فصل دوم: مبانی و اصول تربیتی

### صحیفه ی سجادیه

---

۱. علی اصغر ابراهیمی فر، بررسی نظام تربیتی صحیفه سجادیه، قم: دفتر عقل، ۱۳۸۵، ص ۴۷-۴۶.

همان طور که در فصل قبل گذشت نظام تربیتی، مجموعه ای از مفاهیم و اندیشه های منظم و سازمان یافته درباره ی تربیت است که بین آنها روابط متقابل جریان دارد و به اصطلاح، از نوعی همبستگی درونی برخوردارند و بیانگر کیفیت و چگونگی تربیت، به طور اساسی و پایه ای هستند که این مفاهیم عبارتند از: مبانی اصول، روش ها و اهداف تربیت که به عناصر اساسی تعلیم و تربیت معروفند که ما در این فصل به مبانی آن اشاره می نماییم.

## **۲,۱. مبانی تربیتی در صحیفه سجادیه**



به هنگام معرفی یک نظام منسجم تربیتی و غیر تربیتی، نکته ای که توجه مخاطب را به خود جلب می کند، مبانی اولیه ای است که نظام بر آن استوار شده است. بنابراین، باید پرسید مبانی نظام تربیتی صحیفه سجادیه چیست؟

برای پاسخ دادن به این پرسش، نخست مفهوم «مبانی» تعریف می شود. سپس به برخی از مهم ترین مبانی تربیتی صحیفه سجادیه می پردازیم که امام سجاد (علیه السلام) با بهره گیری از آنها به اصلاح و تربیت مردم پرداخته است.

به نظر برخی نویسندگان مبانی تعلیم و تربیت از موقعیت آدمی و امکانات و محدودیت هایش و نیز از ضرورت هایی که حیاتش همواره تحت تاثیر آنهاست، بحث می کند.<sup>۱</sup> بعضی دیگر، مبنا را مترادف با اصل دانسته و در تعریف اصل، همان تعریف مبنا را آورده اند. پس نمونه هایی از مبانی را به عنوان اصول برشمرده اند.<sup>۲</sup> البته بهتر است در علم تعلیم و تربیت، مبانی را اینگونه تعریف کنیم:

«مجموعه قانونمندی های مربوط به ویژگی های انسان که دو خصوصیت دارند: اول اینکه درمورد عموم انسان ها صادق هستند؛ دوم اینکه به شکل قضایای در بردارنده است، ذکر می شوند.»<sup>۳</sup>

همچنین می توان مبانی را اینگونه تعریف کرد:

«مبانی عبارت است از یک سری ویژگی ها و صفات (مثبت و منفی) انسانی که در همه ی انسان ها وجود دارند و اصول تربیتی بر آنها مبتنی می باشند و با مروری بر صحیفه ی سجادیه به نکاتی برمی

---

۱. غلام حسین شکوهی، همان، ص ۵۶.

۲. احمد احمدی، همان، ص ۹۹ و ۱۰۵.

۳. خسرو باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، چاپ چهارم، تهران: مدرسه، ۱۳۷۶، ص ۶۵.

خوریم که گرچه به شکل دعا از سوی امام بزرگوار به ما رسیده است، ولی به روشنی ویژگی انسان را تبیین نموده و اساس و مبنای اصول تربیتی را ارائه می دهد.<sup>۱</sup>

بنابراین مقصود از مبانی تربیت در این بخش، همان ویژگی های عمومی انسان است که شاخه ای از توصیف انسان می باشد. در صحیفه سجادیه، گرچه مطالب به شکل دعا از سوی امام سجاد (علیه السلام) صادر شده است، ولی به روشنی مبانی و اصول تربیتی در اسلام از آنها استنباط می شود. در ادامه با بررسی صحیفه سجادیه، موارد مهم این مبانی را بررسی می کنیم.

## ۲،۱،۱. خود دوستی (حب ذات)

یکی از ویژگی های فطری انسان که از جمله مبانی تربیتی در صحیفه سجادیه نیز به شمار می آید، انگیزه «خود دوستی» است. خود دوستی به این معناست که انسان در مرتبه ذات نفس، خویشتن خویش را دوست دارد.<sup>۲</sup> نخستین و اصلی ترین گرایشی که با اراده خدا در نهاد انسان قرارداد شده، خود دوستی است. خود دوستی، کششی است که انسان را به کار و تلاش امیدوار می کند و سبب می شود انسان برای سعادتش بکوشد. اگر این خود دوستی نبود، انگیزه ای نبود که انسان را به حرکت وا دارد.<sup>۳</sup>

---

۱. علی اصغر ابراهیمی فر، نگاهی به مبانی اصول، روشها و اهداف تربیتی در صحیفه سجادیه، قم: نشریه معرفت، شماره ۶، پیاپی ۵۷، ویژه علوم تربیتی، ص ۳۱.

۲. محمدتقی مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، ج ۲، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۶، ص ۲۰.

۳. محمد قطب، روش تربیتی اسلام، ترجمه محمد مهدی جعفری، چاپ پنجم، شیراز: دانشگاه شیراز، ۱۳۷۵، ص ۱۴۷.

«حب ذات» یا خود دوستی به صراحت در صحیفه ی سجادیه عنوان نشده است، ولی به صورت های مختلف در بعضی از دعاها به آن اشاره شده است. برای مثال در دعای هفتم صحیفه، حضرت به هنگام کار دشوار و دل آزار یا پیش آمدهای سخت یا غم و اندوه می فرماید:

«يَا مَنْ تَحُلُّ بِهِ عَقْدُ الْمَكَارِهِ وَيَا مَنْ يُفْثَأُ يَفْلُ بِهِ حَدُّ الشَّدَائِدِ، وَيَا مَنْ يُلْتَمَسُ مِنْهُ الْمَخْرَجُ إِلَى رَوْحِ مَحَلِّ الْفَرَجِ؛<sup>۱</sup> ای آنکه گره های ناگواری ها به دست او باز می گردد و ای آنکه تیزی و برندگی سختی ها به او کند و شکسته می شود و ای آنکه رهایی یافتن از گرفتاری ها و رفتن به سوی آسایش و گشایش و خوشحالی، از او درخواست می گردد.»

دعاهایی که امام در آن درخواست رفع تنگ دستی می کند، غیرمستقیم به این مضمون اشاره دارد:

«وَلَا تَفْتِنِّي بِالْاِسْتِعَانَةِ بِغَيْرِكَ إِذَا اضْطُرَرْتُ، وَلَا بِالْخُضُوعِ لِسُؤَالِ غَيْرِكَ إِذَا افْتَقَرْتُ؛<sup>۲</sup> و مرا چون بیچاره شوم، به یاری خواستن از غیر خود، و چون فقیر گردم به فروتنی برای درخواست از غیر خویش، آزمایش مفرما.»

همچنین درخواست هایی که امام در مورد سعادت، کمال، قدرت، نعمت و مانند آن از خداوند دارد، همه برخاسته از خوددوستی است و اینکه انسان همیشه به دنبال خوبی ها بوده و از ناراحتی ها و سختی ها گریزان است. پس این ویژگی، امری فطری است و به خودی خود، مطلوب است. بنابراین، خود دوستی را باید یکی از ویژگی های مهم انسان دانست که خاستگاه رفتارهای انسانی اوست. خود دوستی غریزه ای است که اگر به آن توجه شود و در مسیر درستی هدایت شود، منشأ عزت خواهی،

---

۱. علی نقی فیض الاسلام، همان، دعای ۷، بند ۱.

۲. همان، دعای ۲۰، بند ۱۲.

کمال جویی و سعادتمندی می شود. در مقابل، اگر به انحراف کشانده شود، روح استکبار و سرکشی بر انسان چیره می شود و به رفتارهای ناپسندی مانند خودخواهی، خود برترینی و آزمندی می انجامد.<sup>۱</sup>

## ۲،۱،۲. خداجویی

یکی دیگر از مبانی تربیتی صحیفه سجادیه، انگیزه «خداخواهی» است. این ویژگی به صورت فطری در نهاد همه ی انسان ها وجود دارد. امام سجاد (علیه السلام) در نخستین دعای صحیفه سجادیه به فطرت خداجوی انسان اشاره می کند:

«ابْتَدَعَ بِقُدْرَتِهِ الْخَلْقَ ابْتِدَاعًا، وَ اخْتَرَعَهُمْ عَلَى مَشِيَّتِهِ اخْتِرَاعًا ثُمَّ سَلَكَ بِهِمْ طَرِيقَ إِرَادَتِهِ، وَ بَعَثَهُمْ فِي سَبِيلِ مَحَبَّتِهِ»<sup>۲</sup> به قدرت خود، آفریدگان را آفرید و آنان را به خواست خویش به وجود آورد؛ بی آنکه از روی نمونه ای باشد. سپس آنان را در راه خواست خویش روان گردانید و در راه دوستی به خود برانگیخت.»

مفاد آخر دعا این است که تمام این حرکت ها و تکاپوی خلق (به صورت ناخودآگاه) در طریق محبت به خداست. حتی انگیزه اصلی آن که غیرخدا را می جوید، جست و جوی خداست، ولی در مصداق اشتباه کرده است.<sup>۳</sup>

این گرایش و کشش درونی و جذبه ی معنوی در همه ی انسان ها، از هر نژاد و قبیله ای و از هر جنسی وجود دارد. همه انسان ها حتی بت پرستان مشرک و مادی گرایان از چنین جذبه ی معنوی و گرایش باطنی برخوردارند و در باطن، ذات خود را به نیروی مرموزی وابسته می دانند و در برابرش

---

۱. علی اصغر ابراهیمی فر، همان، ص ۴۳- ۴۴.

۲. علی نقی فیض الاسلام، همان، دعای ۱، بند ۳ و ۴.

۳. مرتضی مطهری، فطرت، تهران: صدرا، ۱۳۶۹، ص ۲۵۳، باندکی تغییر.

کرنش می کنند. دل انسان نمی تواند بدون خدا آرام بگیرد، گرچه در تعیین مصداق، گاهی به خطا می رود.<sup>۱</sup>

دلیل دیگر خداجویی که در صحیفه نیز تایید شده، پناه بردن انسان به نیروی مرموز ماورای طبیعی در گرفتاری ها و درخواست حل مشکلات و فرو نشستن توفان های سخت زندگی از درگاه او است. این نیز گواه دیگری بر اصالت این جاذبه درونی و الهام فطری است که در کنار شواهد دیگر، ما را به وجود چنین کشش نیرومندی در درون وجودمان به سوی خدا آگاه می سازد.<sup>۲</sup>

امام در فراز دیگری به محضرالهی چنین می فرماید: «دَعَوْتُكَ يَا رَبِّ مِسْكِينًا، مُسْتَكِينًا، مُشْفِقًا، خَائِفًا، وَجَلًّا، فَقِيرًا، مُضْطَرًّا إِلَيْكَ»<sup>۳</sup> تو را خواندم، ای پروردگار من، درحالی که زاری کننده، ترسان، هراسان، بیمناک، بی چیز و بیچاره درگاه تو هستم.»

### ۲,۱,۳. میل به جاودانگی

یکی دیگر از ویژگی های انسان که از مبانی تربیتی صحیفه ی سجادیه به شمار می آید، «گرایش به جاودانگی» است. انسان در شرایط طبیعی می خواهد جاودانه باشد و تا ابد باقی بماند، حتی در مواردی که از سختی ها به تنگ آمده است و برای مثال، مرگش را از خدا می خواهد، به گونه ای، خلاصی از درد و بقای لذت را می جوید.

---

۱. ابراهیم امینی، اسلام و تعلیم و تربیت، ج ۱، تهران: انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۲، ص ۳۱.

۲. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۶، چاپ بیست و نهم، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۷، ص ۴۵

۳. علی نقی فیض الاسلام، همان، دعای ۵۱، بند ۱۰.

گرایش به جاودانگی، گرایش فطری و طبیعی است که در نهاد و سرشت انسان قرار داده شده است و در اختیار انسان نیست.<sup>۱</sup> آنچه در زمینه این گرایش در اختیار انسان قرار دارد، جهت دادن به آن، تعیین مصداق برای آن، پی آمدهای آن و نوع رفتاری است که انسان تحت تاثیر آن برمی گزیند. این امور به سبب ویژگی اختیاری بودنشان، در حوزه ی تعلیم و تربیت قرار می گیرند.

امام سجاد (علیه السلام) در دعا‌های زیادی مانند: «دعا برای فرزندان، دعا هنگامی که روزی بر آن حضرت تنگ می شد» و برخی دعا‌های دیگر، به این ویژگی انسان اشاره کرده است. از جمله در دعای بیست و پنجم، امام با دعا برای فرزندان و درخواست بقا و طول عمر برای آنها، از خداوند می خواهد:

«اللَّهُمَّ وَ مَنْ عَلَى بَقَاءِ وَلَدِي؛ إِلَهِي اَمُدُّ لِي فِي أَعْمَارِهِمْ، وَ زِدْ لِي فِي آجَالِهِمْ»<sup>۲</sup> پروردگارا! و بر من منت گذار به این نعمت که فرزندم را باقی بداری، ای خدا! برای من عمر آنها را طولانی گردان و بر ایام حیاتشان بیفرا.<sup>۳</sup>

امام در این فرازها، بقای عمر فرزندان را از درگاه الهی می خواهد و این به سبب «گرایش به جاودانگی» است که در سرشت انسان وجود دارد.

بنابراین، ویژگی جاودانگی خواهی، یکی از مبانی تربیتی در صحیفه سجادیه به شمار می رود؛ زیرا خاستگاه بسیاری از رفتارهای پسندیده، مانند بندگی خدا، به جا آوردن رفتارهای نیک برای عالم

---

۱. مرتضی مطهری، عدل الهی، تهران: صدرا، ۱۳۶۹، ص ۱۷۷.

۲. علی نقی فیض الاسلام، همان، دعای ۲۵، بند ۱.

۳. همان، دعای ۲۵، بند ۲.

آخرت و از میان رفتن رفتارهای ناپسند همچون آرزوهای دراز، آزمندی و گناهان زیاد در انسان است.<sup>۱</sup>

## ۲،۱،۴. خوف و رجا (ترس و امید)

«خوف و رجا» از دیگر ویژگی‌های انسان و مبانی تربیتی صحیفه سجادیه است. این دو ویژگی در تمام انسان‌ها صرف نظر از دین، نژاد، جنس و ملیت آنها دیده می‌شود؛ زیرا انسان از همان اوان کودکی، ترس و امید را تجربه می‌کند. این دو ویژگی با فطرت او عجین شده است و به تعبیری همراه کودک زاده می‌شوند.

به طور کلی واژه ی خوف (فرع)<sup>۲</sup> در لغت به معنای ترس و واهمه آمده است.<sup>۳</sup> بر اساس همین تعریف لغوی و با توجه به اصطلاح دینی آن، در بینش توحیدی اسلام، خوف حالتی برآمده از شناخت خداست؛ به این لحاظ که خداوند قادر است نعمت‌های دنیوی را در آینده از ما سلب کند و از نعمت‌های اخروی محروممان سازد.

حضرت امام سجاد (علیه السلام) در دعا‌های فراوانی به این حقیقت اشاره کرده است که تمام نعمت‌های ما از آن خداست و اگر خدا آنها را نمی‌داد، ما آن نعمت‌ها را نداشتیم، از جمله شناخت‌های فطری انسان که در صحیفه سجادیه به آن اشاره شده، معرف این حقیقت است که خداوند می‌تواند

---

۱. علی اصغر ابراهیمی فر، همان، ص ۵۱.

۲. محمدبن مکرم ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، چاپ چهارم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ ه.ق، ص ۲۴۸، ماده خوف. در معنایی دیگر خوف یعنی حالت ناراحتی و نگران کننده ای که در انتظار ضرری می‌رود که در حال حاضر یا آینده موجب زوال امنیت و آسایش است.

۳. علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۳، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۲، ص ۴۵۷۷، ماده بیم و ترس.

همه نعمت هایی را که در این دنیا به ما داده است، مانند عمر، سلامتی، دوستان، آشنایان، اموال، اولاد و ... را از ما بازستانند. باید این موضوع را دریافت که خداوند می تواند انسان را به دوری از بهشت و نعمت هایش و از همه بدتر به دوری از خود و رحمتش دچار سازد.<sup>۱</sup>

دین در تبیین متعلق واقعی ترس و امید نقش دارد. در ادیان به ویژه دین اسلام، مسئله ترس از خدا، از مهم ترین امتیازهای افراد با ایمان است و مقام خائفین از مقام های شایسته و مقام پیشوایان و رهبران امت است.<sup>۲</sup> حضرت امام سجاد (علیه السلام) در صحیفه سجادیه بارها به این مسئله اشاره می فرماید و در بیشتر آنها، متعلق خوف را خدا می داند.

۱. بیم از خدا: « مِنْكَ أَخَافُ، وَ بَكَ أَسْتَغِيثُ؛ از تو می ترسم و از تو فریادرسی می طلبم.»<sup>۳</sup>

« قَدْ تَرَى يَا إِلَهِي، فَيْضَ دَمْعِي مِنْ خِيفَتِكَ؛ ای خدای من! روان شدن اشک مرا از ترست می بینی.»<sup>۴</sup>

۲. بیم از مقام خدا: «وَ أَخَفَنِي مَقَامَكَ، وَ شَوَّقَنِي لِقَاءَكَ؛ و مرا از مقامت بترسان و برای دیدارت مشتاق ساز.»<sup>۵</sup>

---

۱. محمدتقی مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، ج ۱، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله علیه)، ۱۳۷۶، ص ۳۸۵.

۲. ناصر مکارم شیرازی، انگیزه پیداش مذاهب، قم: هدف، بی تا، ص ۲۱۱.

۳. علی نقی فیض الاسلام، همان، دعای ۵۲، بند ۱۱.

۴. همان، دعای ۱۶، بند ۱۹.

۵. همان، دعای ۴۷، بند ۱۲۶.



۳. بیم از لقای خدا: « وَأَشْرَفْتُ عَلَى خَوْفٍ لِقَائِكَ؛ و بر ترس دیدار تو نزدیک گشته ام.»<sup>۱</sup>

۴. بیم از عقاب: « اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا خَوْفَ عِقَابِ الْوَعِيدِ؛ بارخدایا ! ترس از کیفروعه داده شده را روزی ماگردان.»<sup>۲</sup>

بنابراین خوف که یکی از ویژگی های انسان است، نقش موثری در اصلاح رفتارهای انسان دارد؛ زیرا اگر این ویژگی در انسان نبود و انسان از چیزی نمی ترسید، غفلت و غرور، انسان را به سرکشی وامی داشت و سبب هلاکت و نابودی او می شد. پس خوف به عنوان یکی از مبانی تربیتی صحیفه سجادیه معرفی شده است که موجب خضوع و خشوع در برابر خداوند متعال و گردن نهادن به دستورهای الهی می شود و در اصلاح رفتار انسان نقش موثری دارد.<sup>۳</sup>

اما واژه ی رجاء مقابل خوف به کار می رود و به معنای امید و آرزوست.<sup>۴</sup> در بینش توحیدی اسلام، رجاء حالتی برخاسته از شناخت خداست؛ به این لحاظ که خداوند می تواند در آینده نیز به اعطای نعمت های دنیوی ادامه دهد و از نظر کمی و کیفی بر آن بیفزاید و ما را از نعمت های بزرگ اخروی برخوردار سازد.

رجاء: نتیجه ی طبیعی باور به ربوبیت الهی است، اگر ما معتقدیم که مؤثر حقیقی در جهان خداست، پس همه امیدها باید به او منحصر باشد.

---

۱. همان، دعای ۲۱، بند ۱.

۲. همان، دعای ۴۵، بند ۵۳.

۳. علی اصغر ابراهیمی فر، همان، ص ۵۵.

۴. محمدبن مکرم ابن منظور، همان، ج ۵، ص ۱۶۳، ماده رجاء، آنچه احتمالاً موجب خوشحالی خواهد شد؛

محمدبن حسین راغب اصفهانی، همان، ص ۱۸۹.

در صحیفه سجادیه، دعاهای فراوانی از روح امید در انسان حکایت می‌کند، مانند: «دعاهای اقرار به گناه»، «توبه» و «درخواست بخشش گناه».

در صحیفه، متعلق امید به چند صورت بیان شده که بازگشت همه آنها به خداست:

۱. امید به خدا: «لَا أَرْجُو غَيْرَكَ؛ وَ بِهِ جِزْ تُو آمِید نَدَارَم.»<sup>۱</sup>
۲. امید به رحمت خدا: «وَ إِنَّمَا أُوبِخُ بِهَذَا نَفْسِي؛ اِین که خود را به اِین سخنان سرزنش می‌کنم، برای امید به رحمت تو است.»<sup>۲</sup>
۳. امید به عفو الهی: «فَأَقْدَمَ عَلَيْهِ عَارِفًا بِوَعْدِكَ، رَاجِيًا لِعَفْوِكَ، وَاثِقًا بِتَجَاوُزِكَ؛ پس با وجود آشنایی به ترسانیدن تو و امیدواری به عفو تو و اعتقاد به گذشت تو بر نافرمانی ات اقدام کرد.»<sup>۳</sup>
۴. امید به شفاعت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و آل او: «وَ لَا شَفَاعَةَ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ إِلَّا شَفَاعَةَ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ؛ وَ به شفاعت و میانجی گری آفریده ای که به او امید داشته باشم، دل نبسته ام جز شفاعت محمد و اهل بیت و خاندان او.»<sup>۴</sup>
۵. امید به سعادت و نیک بختی: «يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ؛ وَ در دوستی اش، تجارتی را آرزو داشتند که هرگز کسادی در آن راه نمی‌یابد.»<sup>۵</sup>

---

۱. علی نقی فیض الاسلام، همان، دعای ۵۱، بند ۱۱.

۲. همان، دعای ۱۶، بند ۲۸.

۳. همان، دعای ۴۷، بند ۶۸.

۴. همان، دعای ۴۸، بند ۶.

بنابراین، خوف و رجاء از صفات ذاتی و ضروری انسان کمال جو است که نبود هر کدام، نقصی در ویژگی های انسانی و روانی به شمار می آید و تاثیر ناخوشایند خود را بر رفتار انسان و سعادت و معنویت وی خواهد نهاد.<sup>۲</sup>

نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد، نقش تعادلی خوف و رجاء در زندگی است. حضرت امام سجاد (علیه السلام) با توجه به نقش تعادلی خوف و رجاء در زندگی انسان، در فرازهایی از صحیفه سجادیه به تقویت و پرورش یکسان این دو ویژگی می پردازد و در این زمینه می فرماید:

«وَ أَخَفِّنِي مَقَامَكَ، وَ شَوِّقْنِي لِقَاءَكَ»<sup>۳</sup> و مرا از مقامت بترسان و برای دیدارت مشتاق و دلده ساز.»

## ۲,۱,۵. دوری از غفلت

یکی دیگر از مبانی تربیتی مورد توجه صحیفه سجادیه، دوری از غفلت است. غفلت در کتاب های اخلاقی و روایی، فراوان مطرح شده است و مراد از آن خود فراموشی و خدا فراموشی است.<sup>۴</sup>

یکی از خصلت هایی که دامن گیر انسان است، غفلت و فراموشی است. انسان ذاتاً به گونه ای است که در اثر توجه بیش از حد به اموری، از دیگر امور و شئون باز می ماند و غافل می شود. این خصلت اگرچه در مواردی شاید تا حدی به نفع او باشد، ولی متأسفانه در بسیاری موارد وجود این

---

۱. همان، دعای ۴، بنده.

۲. علی اصغر ابراهیمی فر، همان، ص ۵۷.

۳. علی نقی فیض الاسلام، همان، دعای ۴۷، بند ۱۲۶.

۴. عبدالله جوادی آملی، مراحل اخلاق در قرآن، قم: اسوه، ۱۳۷۷، ص ۲۶.

ویژگی در انسان موجب انحرافات و از دست دادن فرصت ها و سقوط و هلاکت او می شود. تا حدی که انسان خدا و خویشتن و اهداف عالیه خویش را فراموش می کند.<sup>۱</sup>

در بحث خداجویی گفته شد که انسان به طور فطری خداجو و کمال طلب است و باید با چنین طبیعتی همواره به یاد خدا و در پی کمال باشد، ولی در مواردی دیده می شود که چنین نیست. سر این مسئله آن است که انسان بر اثر سرگرمی های فراوان از یاد خدا غافل می شود و خدا را فراموش می کند.<sup>۲</sup>

حضرت امام سجاد(علیه السلام) در دعاها و بیان های مختلفی به این ویژگی انسان پرداخته و مصداق های غفلت را برشمرده است. امام موارد غفلت را به این صورت بیان می کند:

۱. غفلت از خدا: «وَلَا تَسْمَنَّا الْغَفْلَةَ عَنْكَ، إِنَّا إِلَيْكَ رَاغِبُونَ، وَمِنْ الذُّنُوبِ تَائِبُونَ؛ و ما را به غافل ماندن از خودت گرفتار مکن که ما به سوی تو مشتاق و از گناهان توبه کننده ایم»<sup>۳</sup> البته این مبنا را می توان با مبنای پیشین، یعنی خدا خواهی و خدا جویی انسان، یک جا مورد بحث و بررسی قرار داد. چنانکه در فراز بالا این دو ویژگی انسان در کنار هم ذکر شده است.<sup>۴</sup>

---

۱. مصطفی سلیمانی، درآمدی بر نظام تربیتی و انسان شناسی از منظر صحیفه سجاده، قم: فصلنامه راه تربیت، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پرتال جامع علوم انسانی، ۱۳۸۷، ص ۸۵.

۲. محمد تقی مصباح یزدی، بر درگاه دوست، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۶، ص ۲۴۶.

۳. علی نقی فیض الاسلام، همان، دعای ۳۴، بند ۴.

۴. ابراهیم میر شاه جعفری و حمید مقامی، رهیافتی به نظام تربیتی اسلام از نگاه صحیفه سجاده، فصل نامه اندیشه ی دینی، دانشگاه شیراز، شماره ۱۵، تابستان ۱۳۸۴، ص ۶۳.

ب. غفلت از خود: «وَمَنْ أَغْفَلُ مِنْنِي عَنْ حَظِّهِ؛ کیست که از بهره خود، فراموش کارتر از من باشد؟»<sup>۱</sup>

ج. غفلت از انجام وظایف الهی: «وَجَنَّبْنَا إِلِلْحَادَ فِي تَوْحِيدِكَ، وَالتَّقْصِيرَ فِي تَمْجِيدِكَ، وَ الشَّكَّ فِي دِينِكَ، وَ الْعَمَى عَنْ سَبِيلِكَ، وَ الْإِغْفَالَ لِحُرْمَتِكَ»<sup>۲</sup> و ما را از شرک و الحاد در طریق توحیدت دور بدار و از تقصیر در ستایش و کوتاه نظری در معرفت عظمت و جلالت نگاه دار و از شک در امر دینت و کوری و گمراهی از راه شرع و از بی خبری و غافل ماندن از حرمت و رعایت مقام عظمتت دور گردان.»

د. غفلت از عالم آخرت: «يَا غَفَلْتِي عَمَّا يُرَادُّ؛ ای وای از غفلت و بی خبری من از آنچه درباره ام خواسته می شود.»<sup>۳</sup>

ه. غفلت از وعید: «وَعَفْلَةٌ عَنْ وَعِيدِكَ؛ و غفلت و بی خبری از تهدیدت.»

و. غفلت از نعمت ها: «وَلَا تُذْهَبْ عَنِّي شُكْرَكَ، بَلْ الزَّمْنِيهِ فِي أَحْوَالِ السَّهْوِ عِنْدَ غَفَلَاتِ الْجَاهِلِينَ لِأَلَايِكَ...؛ و شکر و سپاس گزاری ات را از من زایل مکن، بلکه در آن هنگام که نادانان نسبت به نعمت هایت در غفلتند، مرا در حال فراموشی، به سپاس خود ملتزم بدار.»<sup>۴</sup>

## ۲,۱,۶. دنیا دوستی

---

۱. علی نقی فیض الاسلام، همان، دعای ۱۶، بند ۲۳.

۲. همان، دعای ۴۴، بند ۱۳.

۳. همان، دعای ۵۳، بند ۶.

۴. همان، دعای ۴۹، بند ۱۴.

۵. همان، دعای ۴۷، بند ۱۱۴.

از دیگر ویژگی های انسان که در صحیفه سجادیه، به عنوان مبانی تربیتی به شمار می رود، «دنیا دوستی» است. انسان به زندگی دنیوی خود علاقه دارد و برای بهبود آن تلاش می کند و یکی از علامت هایی که انسان، زندگی دنیا را دوست دارد، علاقه به جاودانگی و مشهود بودن کارهای دنیا در گستره ی زندگی انسان و برآوردن نیاز های اوست.<sup>۱</sup>

امام سجاد (علیه السلام)، برآورده شدن نیازهای دنیایی را از خدای متعال درخواست می کند و می فرماید:

«أَكْمِلْ لِي بِهَا خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»<sup>۲</sup> و به وسیله محبت، نیکی دنیا و آخرت را برایم کامل گردان.

«وَأَتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً»<sup>۳</sup> و در دنیا نیکی (تندرستی، آسودگی، بی نیازی، فرزند وزن شایسته و چیرگی بردشمنان) و در آخرت، نیکی به ما عطا فرما.

صرف اینکه انسان در این جهان زندگی می کند، نه تنها ضد ارزش یا ارزش منفی نیست که ارزش مثبت هم دارد؛ زیرا بر اساس بینش قرآنی، اگر دنیا نباشد، آخرت هم نیست. زندگی آخرت را با رفتار اختیاری خویش در دنیا می سازیم و به آن شکل می دهیم، همچنان که در روایت ها آمده است: «دنیا مزرعه آخرت است»<sup>۴</sup> در اینجا باید کاشت تا در آنجا بتوان درو کرد.<sup>۵</sup>

---

۱. محمد تقی مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، همان، ج ۲، ص ۱۵۴.

۲. همان، دعای ۲۰، بند ۲۹.

۳. همان، دعای ۲۰، بند ۳۰.

۴. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، چاپ دوم، تهران: المکتبه الاسلامیه، ۱۳۹۴. ه. ق، ج ۷، ص ۳۵۲.

۵. محمد تقی مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، همان، ج ۱، ص ۲۲۱.

## ۲،۱،۷. اختیار

یکی دیگر از مبانی تربیتی صحیفه سجادیه که از ویژگی های انسان به شمار می آید، اختیار و توانایی تصمیم گیری است. در دین اسلام پایه ی وظیفه و تکلیف، ثواب و عقاب، زشتی و زیبایی اخلاق و مسئولیت انسان، به این ویژگی وابسته است،<sup>۱</sup> و مشروعیت این امور نیز برخاسته از این ویژگی همراه با آگاهی و گرایش درونی است.<sup>۲</sup>

واژه ی اختیار، در عرف و نیز در مباحث نظری، به چند صورت به کار می رود که آنچه به اختیار انسان در مسائل تربیتی مربوط می شود، اختیار به معنای «قصد و گزینش» است. در فلسفه، یکی از اقسام فاعل «فاعل بالقصد» نام دارد و او، کسی است که راه های مختلفی پیش روی دارد که همه را می سنجد و یکی را بر می گزیند.<sup>۳</sup>

از دیدگاه اهل بیت (علیهم السلام) انسان در کارهای ارادی خود، نه مجبور است و نه کاملاً به خود واگذاشته شده است، بلکه برابر فرموده ی، مشهور امام صادق (علیه السلام) حقیقتی بین این دو وجود دارد.<sup>۴</sup> بر اساس این دیدگاه، فعال بودن انسان، نه تنها با فعال بودن خدا در کارهای انسان منافات ندارد، بلکه عین واقعیت و مقتضای شناخت صحیح خدا و انسان و درک دقیق ماهیت فعل اختیاری

---

۱. مرتضی مطهری، حکمت ها و اندرزها، تهران: صدرا، ۱۳۶۹، ص ۲۱۷.

۲. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، همان، ج ۱، ص ۴۸۱.

۳. محمد تقی مصباح یزدی، آموزش فلسفه، ج ۲، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ص ۸۷.

۴. «قال امام صادق (علیه السلام) لا جبر ولا تفویض ولكن امر بین الامرین»، محمد بن یعقوب کلینی، اصول

کافی، تصحیح علی اکبر غفاری، ج ۱، تهران: مکتبه الصدوق، ۱۳۸۱ ه. ق، ص ۱۶۰.

است.<sup>۱</sup> گرچه امام سجاد (علیه السلام) در صحیفه سجادیه به طور مستقل به این مبحث نپرداخته است، ولی در موارد زیادی در صحیفه به گونه ای بر مختار بودن انسان اشاره شده است. برخی از آن دعاها عبارتند از:

۱. دعاهایی که در زمینه آزمایش انسان بیان شده است، مانند:

«ثُمَّ أَمَرْنَا لِيُخْتَبَرَ طَاعَتًا، وَ نَهَانَا لِيُبْتَلَى شُكْرًا، فَخَالَفْنَا عَنْ طَرِيقِ أَمْرِهِ، وَ رَكِبْنَا مُتُونَ زَجْرِهِ؛<sup>۲</sup> سپس ما را به رفتار بر اساس احکام خود فرمان داد تا پیروی مان را بیازماید و نهی کرد تا سپاس گزاری مان را آزمایش کند. آنگاه از راه فرمانش سرپیچی کردیم و بر سواره های نهی اش سوار شدیم.»

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ ابْتَلَيْتَنَا فِي أَرْزَاقِنَا بِسُوءِ الظَّنِّ، وَ فِي آجَالِنَا بِطُولِ الْأَمَلِ؛<sup>۳</sup> بارخدایا! تو ما را در روزی هایمان به بدگمانی و در مدت عمرهایمان به آرزوی دراز آزمایش کرده ای.» انسان زمانی آزمایش می شود که موجودی مختار باشد، در غیر این صورت آزمایش و امتحان معنا ندارد.

۲. دعاهایی که در زمینه وعده، وعید، بشارت و انذار الهی آمده است؛ مانند:

«اللَّهُمَّ وَ أَنَا عَبْدُكَ... بَلْ دَعَاهُ هَوَاهُ إِلَى مَا نَهَيْتُهُ زَيْلَتُهُ وَ إِلَى مَا حَذَرْتُهُ... فَأَقْدَمَ عَلَيْهِ خَائِفًا عَارِفًا بِوَعِيدِكَ؛ بارخدایا! من آن بنده تو هستم که هوا و خواهشش، او را به آنچه از آن بر حذر داشته ای، وا داشت. پس با وجود آشنایی به ترسانیدن تو، به نافرمانی ات اقدام کرد.»<sup>۴</sup>

---

۱. محمود رجبی، انسان شناسی، چاپ سوم، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۸، ص ۱۱۲.

۲. علی نقی فیض الاسلام، همان، دعای ۱، بند ۲۱.

۳. همان، دعای ۲۹، بند ۱.

۴. همان، دعای ۴۷، بند ۶۷ و ۶۸.



اصولاً وعد و وعید، بشارت و انداز که در دعا‌های یاد شده آمده است، بدون در نظر گرفتن اراده و اختیار برای انسان معنا ندارد. انسان در صورت مختار بودن مشمول خطاب های وعد و وعید می شود.

۳. امر و نهی، مانند:

« ثُمَّ أَمَرْتُهُ فَلَمْ يَأْتِمِرْ، وَ زَجَرْتُهُ فَلَمْ يَنْزَجِرْ، وَ نَهَيْتُهُ عَنْ مَعْصِيَتِكَ، فَخَالَفَ أَمْرَكَ إِلَى نَهْيِكَ؛<sup>۱</sup> پس او را فرمان دادی، پس فرمان نبرد و بازداشتی؛ پس باز ناپستاد و از معصیت و نافرمانی نهی فرمودی؛ پس خلاف فرمانت کرد و نهی ات را مرتکب شد.»

با در نظر گرفتن مفاد این دعا که بیان امر و نهی های الهی و مخالفت با آنها است، به روشنی معلوم می شود که انسان، دارای اختیارات است و می تواند مخاطب امر و نهی الهی قرار بگیرد.

انسان بایستی در رشد خود احساس آزادی کند و با او آزادانه رفتار شود، با آزادانه فکر کردن، رفتار نمودن، حرف زدن و آزادی های مختلف انس بگیرد و آزاد بزرگ شود تا بتواند مفید باشد ولی از طرف دیگر باید بفهمد که آزادی اش محدودیت هایی دارد و آزادی وی نباید به قیمت ناراحتی و محدودیت آزادی دیگران به دست آید. زندگی اجتماعی دارای محدودیت هایی است و شخص باید بداند که آزادی فردی او محدود به حدود اجتماعی و آزادی های جامعه است.<sup>۲</sup>

## ۲,۲. اصول تربیتی در صحیفه سجادیه

---

۱. همان، دعای ۴۷، بند ۶۸.

۲. ابوالفضل عزتی، آموزش و پرورش اسلامی، تهران: آثاربعثت، ۱۳۵۷، ص ۸۹ و ۹۰.

دریافتیم که مبانی، پایه های نظری یک نظام را تشکیل می دهد که بر اساس آنها، اصول کلی به منظور پایه ریزی روش های کاربردی تنظیم می گردد. اکنون باید دید نظام تربیتی صحیفه سجادیه از چه اصولی تشکیل شده است. نخست به توضیح و تبیین مفهوم «اصل» از نظر تربیتی می پردازیم:

«اصل» واژه عربی است و به معنای بیخ، بنیاد، پایه و بن هر چیزی است!<sup>۱</sup>

در اصطلاح علوم تربیتی، برخی از نویسندگان اصول تربیتی را با مبانی مترادف دانسته اند. وجه تمایزی برای آنها بیان نکرده اند.<sup>۲</sup> برخی اصول را چنین تعریف کرده اند:

به مجموعه قواعدی که با نظر به قانون مندی های مربوط به ویژگی های عمومی انسان (مبانی تربیت)، اعتبار شده، و به عنوان راهنمای عمل، تدابیر تربیتی را هدایت می کنند، اصول گفته می شود.<sup>۳</sup>

برخی نیز اصول را چنین تعریف کرده اند: اصول مجموعه قواعدی است که با توجه به مبانی (ویژگی های عمومی انسان) و اهداف تربیت کشف شده و در جریان تربیت راهنمای عمل قرار می گیرند.<sup>۴</sup>

اصولی که در این گفتار بر آنها تأکید شده بر مبانی ای مبتنی اند که از دعاها، صحیفه استخراج شده اند.

## ۲,۲,۱. هدایت

---

۱. علی اکبر دهخدا، همان، ج ۲، ص ۲۴۰۵، ماده اصل.

۲. احمد احمدی، همان، ص ۹۹.

۳. خسرو باقری، همان، ص ۶۵.

۴. ابراهیم میر شاه جعفری و حمید مقامی، همان، ص ۶۸.

یکی از اصول تربیتی صحیفه سجادیه، اصل «کنترل و هدایت» است. این اصل بر مبانی زیادی از جمله خدا جویی و خود دوستی مبتنی است.

## ۱. هدایت بر مبنای خدا جویی

خدا جویی گرایشی فطری در سرشت همه ی انسان هاست. بنابراین، برابر فطرت خدا جوی انسان، باید همه انسان ها خداجو بوده و به پذیرش توحید گرایش داشته باشند، در حالی که می بینیم این چنین نیست، و این به دو دلیل است:

۱،۱. شناخت فطری انسان صرف استعدادی است که دارنده آن می تواند با تلاش خود، آن را از قوه به فعلیت برساند. که این مرحله به فعلیت رساندن، امری اختیاری است.

۱،۲. ارتباط با دنیای مادی و کشش هایی که برای انسان دارد، موجب فرو رفتن انسان در طبیعت و زندگی مادی می شود. در نتیجه، سرچشمه پاک و زلال معارف الهی که در فطرت و سرشت انسان است به فراموشی سپرده می شود.<sup>۱</sup> حضرت امام سجاد(علیه السلام) در این باره می فرمایند:

«وَاَنْزِعْ مِنْ قَلْبِي حُبَّ دُنْيَا دُنْيَةٍ تَنْهَى عَمَّا عِنْدَكَ، وَ تَصُدُّ عَنِ ابْتِغَاءِ الْوَسِيلَةِ إِلَيْكَ، وَ تُذْهِلُ عَنِ التَّقَرُّبِ مِنْكَ؛ دوستی دنیای پست را که از آنچه نزد تو است، باز می دارد و از طلبیدن وسیله و دستاویز به سوی تو جلوگیری می کند و از نزدیک شدن به تو بی خبر می گرداند، از دلم برکن.»<sup>۲</sup>

حال که گرایش فطری انسان در مواردی پوشیده می ماند یا از مسیر صحیح به انحراف کشیده شده است، باید انسان را راهنمایی کرد. امام در این باره می فرمایند: «اللَّهُمَّ وَ أَنَا عَبْدُكَ الَّذِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ

---

۱. علی اصغر ابراهیمی فر، همان، ص ۷۰ و ۷۱.

۲. علی نقی فیض الاسلام، همان، دعای ۴۷، بند ۱۰۹.

قَبْلَ خَلْقِكَ لَهُ وَ بَعْدَ خَلْقِكَ إِيَّاهُ، فَجَعَلْتَهُ مِمَّنْ هَدَيْتَهُ لِدِينِكَ؛<sup>۱</sup> بارخدایا و من آن بنده تو هستم که او را نعمت دادی. پس او را از کسانی قرار دادی که به دین خود (اسلام) راهنمایی کردی.»

«وَاهْدِنِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ؛<sup>۲</sup> و به راست ترین راه راهنمای ام کن.»

نیز در بخشی از دعای بیستم صحیفه می فرماید:

«اللَّهُمَّ (صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ)، وَ مَتَّعْنِي بِهَدْيِ صَالِحٍ لَا أَسْتَبْدِلُ بِهِ، وَ طَرِيقَهُ حَقٌّ لَا أَزِیْغُ عَنْهَا؛<sup>۳</sup> بارخدایا مرا به هدایت شایسته ای بهره مند کن (به راه راست راهنمایی فرما) که آن را عوض نکنم و به راه حقی که از آن بیرون نشوم.»

## ۲. هدایت بر مبنای خود دوستی

گفته شد که انسان به طور فطری خود رادوست دارد و خواهان کمال و سعادت خویش است. یکی از اصول تربیتی در نظام تربیتی صحیفه سجادیه، آن است که از این نیروی خدا دادی در وجود انسان، برای اصلاح و تربیت وی بهره گرفته شود، یعنی پیش از آنکه این گرایش به انحراف کشیده شود و به خصلت های ناپسندی مانند خود پسندی و خود خواهی، تبدیل شود، باید آن را به سوی خصلت های پسندیده هدایت کرد.<sup>۴</sup>

---

۱. همان، دعای ۴۷، بند ۶۷.

۲. همان، دعای ۱۴، بند ۱۳.

۳. همان، دعای ۲۰، بند ۵.

۴. علی اصغر ابراهیمی فر، همان، ص ۷۵.

امام سجاده (علیه السلام) در دعای بیستم صحیفه سجادیه با آوردن نمونه ای از خود دوستی، درباره ی هدایت آن می فرماید:

«وَلَا تَرْفَعْنِي فِي النَّاسِ دَرَجَةً إِلَّا حَطَطْتُ عِنْدَ نَفْسِي مِثْلَهَا، وَلَا تُحَدِّثْ لِي عِزًّا ظَاهِرًا إِلَّا أَحَدَّثْتُ لِي ذِلَّةً بَاطِنَةً عِنْدَ نَفْسِي بِقَدَرِهَا»<sup>۱</sup> و مرا در میان مردم به درجه و مقامی بالا نبر؛ جز آنکه پیش خودم به همان اندازه پست سازی و ارجمندی ظاهری برایم پدیدمیاور؛ جز آنکه به همان اندازه پیش خودم برای من خواری درونی پدید آوری.»

امام در این فراز به نمونه هایی از خود دوستی و روش هدایت آنها اشاره می کند. اگر مصداق های خود دوستی هدایت نشوند، خصلت های زشت خود خواهی، خود پسندی و خود محوری را در انسان پدید می آورند.

اگر خود دوستی هدایت شود، می تواند در نقس یک عامل درونی نیرومند، انسان را به پی گیری کمال خویش وادارد و فضیلت و شرافت انسانی را در او تعالی بخشد، یکی از فروع حب ذات که گاهی از آن به کرامت خواهی نیز تعبیر می شود، این است که انسان همواره می خواهد انسانیتش حفظ شود و با حیوانات فرق داشته باشد.<sup>۲</sup>

## ۲،۲،۲. تذکر

تذکر یکی دیگر از اصول تربیتی در صحیفه سجادیه است. جایگاه این اصل در اندیشه اسلامی بسی والاست؛ به گونه ای که یکی از وظایف انبیا ذکر و یاد آوری معرفی شده است. قرآن از انبیا با

---

۱. علی نقی فیض الاسلام، همان، دعای ۲۰، بند ۴.

۲. محمدتقی مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، همان، ج ۱، ص ۲۸۴.

عنوان «مذکر» یاد می کند<sup>۱</sup> و خارج کردن مردم از غفلت، یکی از جنبه های گوناگون مذکر بودن انبیاست.<sup>۲</sup>

یکی از راه های نجات انسان، یاد آور شدن او به حقیقتش و رجوع دادن وی به حقیقت هایی است که همگون با سرشت اوست. از این رو کتاب و سنت برای غفلت زدایی از انسان، ذکرهای ادعیه و عبادت را مشخص کرده اند تا انسان در زمان های مختلف، ذکر مناسب بگوید و به فراموشی دچار نشود.<sup>۳</sup>

در این راستا امام سجاد (علیه السلام) در صحیفه سجادیه که سراسر یاد خداست، با دعاهای گوناگونی مانند دعا به هنگام صبح و شام، دعا به هنگام بیماری، دعا به هنگام دفع بلا و سختی و نظیر آن، انسان را همواره متوجه خدا می کند و غفلت را از وی می زداید.

همچنین امام سجاد (علیه السلام) در دعاهای هشتم (پناه بردن به خدا)، دوازدهم (اقرار به گناه) سی و نهم (طلب عفو) و دعاهای دیگر، با اشاره به ویژگی غفلت در انسان، راه غفلت زدایی را یاد خدا بیان می کند<sup>۴</sup> و می فرماید:

«وَنَبِّهْنِي لِذِكْرِكَ فِي أَوْقَاتِ الْغَفْلَةِ»<sup>۵</sup> و مرا در اوقات فراموشی (پیروی از نفس) به یاد خودت آگاه ساز.»

---

۱. «فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ»، سوره غاشیه (۸۸)، آیه ۲۱.

۲. مرتضی مطهری، سیری در سیره ی نبوی، چاپ دوم، تهران: صدرا، ۱۳۶۹، ص ۲۲۳.

۳. عبدالله جوادی آملی، مراحل اخلاق در قرآن، همان، ص ۳۷.

۴. علی اصغر ابراهیمی فر، همان، ص ۷۶.

۵. علی نقی فیض الاسلام، همان، دعای ۲۰، بند ۲۹.

«وَأَشْغَلَ قُلُوبُنَا بِذِكْرِكَ عَنْ كُلِّ ذِكْرٍ؛ وَ دِلْ هَايَ مَا رَا از هر يادى، به ياد خودت وادار.»<sup>۱</sup>

امام در اين فراز، كامل ترين و بالاترين مرتبه ذكر خدا را كه مقام محبت و فناى در خداست، در خواست مى كند.<sup>۲</sup>

«وَنَبِّهْنِي مِنْ رَقْدَةِ الْغَافِلِينَ»<sup>۳</sup> و مرا از خواب بى خبران (آنان كه از راه حق دورى گزيده اند)، بيدار كن.»

### زهد. ۲، ۲، ۳

يکى ديگر از اصول تربيتى صحيفه سجديه «زهد پرورى» است. دورى از مظاهر دنيا يکى از اصول مسلم اخلاق و تعليم و تربيت اسلامى است كه بر هدايت خصلت دنيا دوستى در انسان مبتنى است.

زهد در لغت، برابر رغبت و حرص و آرز دنيا داشتن است.<sup>۴</sup> زهد و رغبت اگر بدون متعلق ذكر شوند، نقطه مقابل يکديگرند. زهد يعنى رويگردانى و بى ميلى در مقابل رغبت به معنای کشش و گرايش است.

---

۱. على نقى فيض الاسلام، همان، دعای ۱۱، بند ۱.

۲. على خان حسینی، رياض السالكين، ج ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعة المدرسين قم، ۱۴۰۹ هـ. ق، ص ۴۵۳.

۳. على نقى فيض الاسلام، همان، دعای ۴۷، بند ۹۱.

۴. محمد بن مكرم ابن منظور، همان، ج ۶، ص ۹۷، ماده زهد.

امام سجاده (علیه السلام) در صحیفه سجادیه، انسان ها را به زهد فرا می خواند و همان را از خدای خود می خواهد: «و آسایش در سایه زهد و دوری از دنیا را روزی ام کن.»<sup>۱</sup>

در دعایی دیگر در مورد نشانه های انسان زاهد می فرماید:

«وَ اجْعَلْ ثَنَائِي عَلَيْكَ، وَ مَدْحِي إِيَّاكَ، وَ حَمْدِي لَكَ فِي كُلِّ حَالَتِي حَتَّى لَا أَفْرَحَ بِمَا آتَيْتَنِي مِنَ الدُّنْيَا، وَلَا أَحْزَنَ عَلَيَّ مَا مَنَعْتَنِي فِيهَا»<sup>۲</sup> ستایش مرا در هر حال که باشم، برای خودت قرار ده تا به آنچه از دنیا به من داده ای، شاد نگردم و به آنچه مرا از آن باز داشته ای، اندوهگین نشوم.»

بر اساس بیان امام سجاده (علیه السلام) زاهد کسی است که این دو نشانه را دارا باشد:

۱. به دنبال آنچه از دنیا به او داده می شود، شاد نگردد.

۲. با آنچه از دنیا از وی باز داشته می شود، ناراحت نشود.

## ۲,۲,۴. تقوا

یکی دیگر از اصول تربیتی در صحیفه سجادیه «تقوا» است که بر اساس مبنای خوف و رجاء نهاده شده است. تقوا در لغت از «وقایه» به معنای «حفظُ الشَّيْءِ مِمَّا يُؤْذِيهِ وَ يَضُرُّهُ» حفظ کردن چیزی از آنچه سبب آزار و زیان رساندن به اوست» گرفته شده است. همچنین به معنای «جَعَلَ النَّفْسَ فِي وَقَايَةٍ

---

۱. علی نقی فیض الاسلام، همان، دعای ۲۰، بند ۲۷.

۲. همان، دعای ۲۱، بند ۹.



مما يخاف؛ خود را از آنچه می ترسد، در محفظه ای قرار دهد<sup>۱</sup>، آمده است. در عرف نیز تقوا به معنای «نگه داری نفس از گناه» است.<sup>۱</sup>

تقوا در اسلام، آن است که انسان از خطری که از فعل اختیاری اش یا ترک آن متوجه سعادت ابدی او می شود، بترسد. در بینش توحیدی، این خطر، از سوی خداوند به خاطر کیفر دادن اعمال به انسان خواهد رسید. بنابراین، انسان باید در برابر این خطر مقاومت کند. کسی را که در برابر چنین خطری می ایستد و خطر را دور می کند، «متقی» و رفتار ویژه او را «تقوا» گویند.<sup>۲</sup>

امام سجاد (علیه السلام) بارها به این اصل اخلاقی اشاره کرده است:

«وَأَلْهَمْنِي التَّقْوَى؛ و پرهیزکاری را به من الهام کن»<sup>۳</sup>

«وَأَشْعِرْ قَلْبِي تَقْوَاكَ؛ و دلم را از پرهیزکاری خودت مالا مال ساز»<sup>۴</sup>

«وَأَجْعَلْ تَقْوَاكَ مِنَ الدُّنْيَا زَادِي؛ و پرهیز از دنیا را توشه آخرتم ساز»<sup>۵</sup>

درخواست های پیاپی امام در این دعاها مبتنی بر توفیق و الهام تقوا، نشان دهنده اهمیت این اصل تربیتی در نظام تربیتی صحیفه سجادیه است.

---

۱. محمدبن حسین راغب اصفهانی، همان، ص ۵۳۰، ماده «وقی».

۲. محمدتقی مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، همان، ج ۱، ص ۷۴.

۳. علی نقی فیض الاسلام، همان، دعای ۴۵، بنده ۳.

۴. همان، دعای ۲۱، بنده ۹.

۵. همان، دعای ۲۱، بنده ۱۱.

## ۲,۲,۵. توکل

«توکل» یکی دیگر از اصول تربیتی و اخلاقی صحیفه سجادیه است. این اصل همچون اصل تقوا بر ویژگی خوف و رجاء مبتنی است. «توکل» در لغت از ماده «وکل» و «وکاله» گرفته شده و به معنای اعتماد کردن به دیگری و او را نایب خود قرار دادن است.<sup>۱</sup>

در فرهنگ اسلامی و در صحیفه سجادیه، توکل آن است که انسان، خداوند را تکیه گاه مطمئنی برای خویشتن قرار دهد و تمام امورش را به او واگذارد.<sup>۲</sup> این معنا در دعاهای فراوانی از صحیفه سجادیه به چشم می خورد. از جمله امام از درگاه الهی می خواهد:

«وَ اقْطَعْ مِنَ الدُّنْيَا حَاجَتِي، وَ اجْعَلْ فِيمَا عِنْدَكَ رَغْبَتِي شَوْقًا إِلَى لِقَائِكَ، وَ هَبْ لِي صِدْقَ التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ.» و حاجت و نیازمندی ام را از دنیا ببر و خواسته ام را در آنچه نزد تو است، به طوری که به دیدار تو اشتیاق داشته باشم، قرار ده و راستی توکل و اعتماد به خودت را به من عطا فرما»<sup>۳</sup>

امام در این فراز، افزودن بر درخواست قطع نیاز از دنیا، صداقت در توکل و اعتماد به خدا را از خدا درخواست

می کند. همچنین در فراز دیگری می فرماید:

«وَ تَلَقَّيْ مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْكَ؛ كَسَى رَاكِبٌ بِحُلِيِّهِ»<sup>۴</sup>

---

۱. محمدبن حسین راغب اصفهانی، همان، ص ۵۳۱، ماده «وکل».

۲. محمدتقی مصباح یزدی، راهیان کوی دوست، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۷۴، ص ۱۴.

۳. علی نقی فیض الاسلام، همان، دعای ۵۴، بند ۴.

۴. همان، دعای ۵۱، بند ۱۲.

امام سجاد (علیه السلام) در فرازهایی از صحیفه سجادیه اشاره می کند انسان نهایت وابستگی و نیازمندی را دارد و برای برآوردن نیازهایش، همواره محتاج کمک دیگران است. دیگران نیز یا او را یاری نمی کنند یا اگر یاری اش کنند، یاری شان کم و بامنت فراوان همراه است. از این رو امام سجاد (علیه السلام) انسان را به توکل بر خدای قادر بی نیاز که فضل و کرمش بی پایان است، فرا می خواند:

«اللَّهُمَّ لَا طَاقَةَ لِي بِالْجَهْدِ، وَلَا صَبْرَ لِي عَلَى الْبَلَاءِ، وَلَا قُوَّةَ لِي عَلَى الْفَقْرِ، فَلَا تَحْظُرْ عَلَيَّ رِزْقِي، وَلَا تَكِلْنِي إِلَى خَلْقِكَ، بَلْ تَفَرِّدْ بِحَاجَتِي، وَتَوَلَّ كِفَايَتِي وَانْظُرْ إِلَيَّ وَانْظُرْ لِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي، فَإِنَّكَ إِنِ وَكَلْتَنِي إِلَى نَفْسِي عَجَزْتُ عَنْهَا وَ لَمْ أَقِمْ مَا فِيهِ مَصْلَحَتُهَا، وَإِنْ وَكَلْتَنِي إِلَى خَلْقِكَ تَجَهَّمُونِي، وَإِنْ أَلْجَأْتَنِي إِلَى قَرَابَتِي حَرَمُونِي، وَإِنْ أَعْطَوْا أَعْطَوْا قَلِيلًا نَكِدًا، وَمَنُوا عَلَيَّ طَوِيلًا، وَ ذَمُّوا كَثِيرًا؛ بارخدايا! مرا بر درویشی و نداری توان نیست، پس روزی ام را از من باز مگیر و مرا به خلق خویش وامگذار، بلکه خواسته ام را تنها خودت بر آور و خود کار سازمن باش؛<sup>۱</sup> زیرا اگر مرا به حال خود واگذاری از آن کارها ناتوان گردم و آنچه مصلحت من در آن است، انجام نمی دهم و اگر مرا به خلق خویش واگذاری با روی در هم به من بنگرند و اگر مرا به پناه بردن به خویشانم مجبور سازی، نومیدم گردانند و اگر ببخشند، کم و ناگوار بخشند و بر من منت فراوان نهند و نکوهش بسیار کنند.»<sup>۲</sup>

با توجه به آنچه گفته شد، برمی آید که در نظام تربیتی صحیفه سجادیه، باید اصل توکل و اعتماد به خدا به عنوان اصل اساسی در نظام برنامه های تربیتی گنجانده شود.

---

۱. همان، دعای ۲۲، بند ۲.

۲. همان، دعای ۲۳، بند ۳.

## ۲,۲,۶. ایجاد انگیزه

«ایجاد انگیزه» یکی از اصول تربیتی در صحیفه سجادیه است، این اصل یکی از اصول مبتنی بر ویژگی اختیار است. انگیزه، فرآیندی است که در بر انگیزختن، جهت دادن و پایایی رفتار، نقش آفرین است.<sup>۱</sup>

انسان برای انجام هر کاری در درجه ی اول نیازمند انگیزه ای است که وی را برای انجام آن کار تجهیز کند. انگیزه عاملی است درونی که رفتار انسان را در جهت رسیدن به هدفی خاص، هدایت می کند. برای هر رفتار انسان، می توان انگیزه یا انگیزه هایی را جست و جو کرد و هر قدر انگیزه ها قوی تر باشند، رفتارهای فرد با شدت و جدیت بیش تری به انجام می رسند.<sup>۲</sup>

امام سجاد(علیه السلام) در صحیفه سجادیه با توجه به ویژگی اختیار در انسان در مواردی برای او داشتن افراد برای حرکت به سوی کاری، توجه آنها را به عملی جلب می کند که سعادتش در آن است.

امام سجاد(علیه السلام) با استفاده از این اصل تربیتی و با انگیزه هایی مانند: برشماری ثواب و عقاب یا لقا و رضای خدا، ما را در مسیر هدایت به انتخاب راه صحیح راهنمایی کرده است. امام در پیشگاه خدا می فرماید:

«و شَوْقَ ثَوَابِ الْمَوْعُودِ حَتَّى أَجِدَ لَذَّةَ مَا أَدْعُوكَ لَهُ؛ و شَوْقَ رَسِيدِنَ بِه پَادَاش وَعْدَه شده را روزی ام گردان تا در این دنیا مزه چیزی را که تو را برای آن می خوانم، دریابم»<sup>۳</sup>

---

۱. محمد پارسا، انگیزش و هیجان، تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۵، ص ۲.

۲. علی اصغر احمدی، اصول تربیت، چاپ چهارم، تهران: انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۸۲، ص ۶۲.

۳. علی نقی فیض الاسلام، همان، دعای ۲۲، بند ۹.

«وَارْزُقْنِي الرِّغْبَةَ فِي الْعَمَلِ لَكَ لِآخِرَتِي حَتَّى أَعْرِفَ صِدْقَ ذَلِكَ مِنْ قَلْبِي، وَ حَتَّى يَكُونَ الْغَالِبُ عَلَى الزُّهْدِ فِي دُنْيَايَ، وَ حَتَّى أَعْمَلَ الْحَسَنَاتِ شَوْقًا؛ وَ لِأَمْرِ آخِرَتِي، رَغْبَتَ وَ شَوْقَ فِي عَمَلِ (بندگی) برای خودت را روزی ام فرما تا از ژرفای وجود، راستی و درستی بندگی را بشناسم و بی رغبتی در دنیا بر من دست یابد و کردارهای نیک را با شوق به جا آورم.»<sup>۱</sup>

«فَإِنَّكَ خَلَقْتَنَا وَ أَمَرْتَنَا وَ نَهَيْتَنَا وَ رَغَبْتَنَا فِي ثَوَابِ مَا أَمَرْتَنَا؛ تُوَمَا رَا آفَرِيدِي وَ (به نیکی ها) امر کردی و (از زشتی ها) نهی فرمودی و در ثواب و پاداش آنچه ما را به آن امر کردی، تشویق فرمودی»<sup>۲</sup>

بنابراین با توجه به ویژگی اختیار در انسان، باید برای جلب انسان به کاری که به آن گرایش ندارد، ولی در سعادتش مؤثر است، انگیزه ایجاد کرد.

به طور کلی می توان نتیجه گرفت که مبانی عبارتست از «مجموعه قانونمندی های مربوط به ویژگی های انسان که دو خصوصیت دارند: اول اینکه درمورد عموم انسان ها صادق هستند؛ دوم اینکه به شکل قضایای در بردارنده است، ذکر می شوند.» همچنین می توان مبانی را اینگونه تعریف کرد:

«مبانی عبارت است از یک سری ویژگی ها و صفات (مثبت و منفی) انسانی که در همه ی انسان ها وجود دارند و اصول تربیتی بر آنها مبتنی می باشند و با مروری بر صحیفه ی سجادیه به نکاتی برمی خوریم که گرچه به شکل دعا از سوی امام بزرگوار به ما رسیده است، ولی به روشنی ویژگی انسان را تبیین نموده و اساس و مبنای اصول تربیتی را ارائه می دهد.»

بنابراین مقصود از مبانی تربیت در این فصل، همان ویژگی های عمومی انسان است که شاخه ای از توصیف انسان باشد و مقصود از اصول مجموعه قواعدی که با نظر به قانون مندی های مربوط به

---

۱. همان، دعای ۲۲، بند ۸.

۲. همان، دعای ۲۵، بند ۶.

ویژگی های عمومی انسان (مبانی تربیت)، اعتبار شده، و به عنوان راهنمای عمل، تدابیر تربیتی را هدایت می کنند. تقوا، توکل، هدایت ایجاد انگیزه از جمله اصولی هستند که در این گفتار بر آنها تأکید شده بر مبانی ای مبتنی اند که از دعا‌های صحیفه استخراج شده اند.

## **فصل سوم: اهداف تربیتی در صحیفه ی**

### **سجادیه**

در ابتدا واژه «روش» را مفهوم شناسی می کنیم و سپس به تقسیم روشهای تربیتی در صحیفه سجادیه می پردازیم. آن گاه با استفاده از دعا‌های این صحیفه نورانی روش های تربیتی امام سجاده (علیه السلام) را بررسی می کنیم.

### **۳. روش های تربیتی در صحیفه سجادیه**

### ۳,۱. مفهوم واژه «روش»

روش در اصطلاح به معنای شیوه ی انجام یک فعالیت آمده است.<sup>۱</sup> روش تربیت، به معنای راه یا شیوه ی انجام عمل تربیت است.<sup>۲</sup> به عبارت دیگر به معنای راه یا شیوه ای است که میان اصل و هدف امتداد دارد، عمل تربیتی را منظم می کند و به هدف می رساند.<sup>۳</sup> در تعریفی دیگر آمده است: روش های تربیتی، دستورهای جزئی است که مبتنی بر اصولند و در واقع، شیوه های عملی انجام عمل تربیتی به شمار می آیند.<sup>۴</sup> در مکتب تشیع، کامل ترین سیره و روش تربیتی، روش ائمه معصومین (علیهم السلام) است؛ سیره ای که از یک سو به منبع وحی الهی متصل است و از هرگونه انحراف و اشتباهی به دور است و از سوی دیگر، در مقام عمل نیز آثار خود را نشان داده است. تربیت شدگان در این مکتب، انسان هایی کامل و دارای مقام های عالی و معنوی اند که به برکت راهنمایی های امامان معصوم (علیهم السلام) به این مراتب عالی دست یافته اند. اکنون با تحلیل دعاها و صحیفه به، روش های تربیتی آن می پردازیم:

برخی روش های تربیتی صحیفه سجادیه را با جنبه شناخت و بینش در انسان می توان در ارتباط دانست. در این صورت، نقش روش های تربیتی، دادن بینش و شناخت صحیح به انسان است تا او را از خطاها و اشتباهات باز دارند. برخی روش های تربیتی نیز به جنبه گرایشی در انسان مربوط است که در این صورت، روش های تربیتی با هدایت گرایش ها از انحراف آنها جلوگیری می کند. بعضی دیگر هم

---

۱. داوودحسینی نسب، فرهنگ واژه ها و تعاریف تعلیم و تربیت، تبریز: احرار، ۱۳۷۵، ص ۶۲.

۲. امان الله صفوی، کلیات روش ها و فنون تدریس، چاپ پنجم، تهران: معاصر، ۱۳۷۴، ص ۲۳۸.

۳. محمدباقر هوشیار، اصول آموزش و پرورش، ج ۱، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۲۷، ص ۶۸.

۴. خسروباقری، همان، ص ۶۴.



به بعد رفتاری مربوط می شود که در این صورت، نقش روش های تربیتی معرفی الگوهای رفتاری مناسب است تا انسان با عمل به این روش های رفتاری به هدف های مورد نظر امام دست یابد.<sup>۱</sup>

## **۳,۲. انواع روش های تربیتی**

روش های تربیتی در صحیفه سجادیه به سه قسم تقسیم می شوند.

### **۳,۲,۱. روش های شناختی**

روش های شناختی از روش ها مرتبط به بعد شناختی انسان می شود. نقش این دسته از روش های تربیتی ارائه بینش و شناخت صحیح به انسان است تا از خطاها و اشتباهات وی جلوگیری کند. روش های تربیتی، که در این دسته مورد بررسی قرار می گیرند<sup>۲</sup> عبارتند از:

۱. روش اعطای بینش که خود سه قسم می باشد:

بینش در مورد دنیا، بینش در مورد حقیقت انسان، بینش در مورد مرگ و معاد

۲. روش یاد خدا،

### **۱. روش اعطای بینش**

یکی از روش های تربیتی در صحیفه سجادیه «اعطای بینش» است. هر رفتاری که از انسان سر می زند بر اساس بینشی است که از آنها دارد. هر چه بینش انسان به رفتارش کامل تر باشد، رفتارهای او نیز صحیح تر خواهد بود.

---

۱. علی اصغر ابراهیمی فر، همان، ص ۹۲.

۲. مصطفی سلیمانی، همان، ص ۸۹.

نیاز و کنجکاوی، انسان را به شناسایی از خویش و از هستی دعوت می کند. انسان در فاصله ی تولد و مرگ، ناچار گام هایی بر می دارد و کارهایی انجام می دهد و این کارها می توانند انتخاب انسان باشد و می توانند تلقین و تقلید و تحمیل و ... انسان هنگامی انسان است که با تمام وجودش حرکت کند و با انتخاب خویش گام بر دارد. برای این انتخاب ناچار است شناخت هایی به دست آورد. انتخاب بدون ارزیابی و سنجش امکان ندارد. همین نیاز است که انسان را به شناسایی خویش و هستی می خواند. انسان برای رسیدن به این شناخت ها، گام هایی برداشته و روش هایی را دنبال کرده است.<sup>۱</sup>

امام سجاد(علیه السلام) در صحیفه سجادیه با بهره گیری از این روش، به بیان بینش هایی پرداخته است که سبب تغییر نگرش انسان درباره ی نظام جهان و انسان می شود. به طور خلاصه موارد مطرح شده در این زمینه را در سه موضوع دنیا، حقیقت انسان و مرگ و معاد است.

## ۱.۱. بینش در مورد دنیا

برخی افراد با بینش مادی به دنیا می نگرند و گمان می کنند زندگی دیگری جز زندگی دنیا وجود ندارد. چنین دیدی از دیدگاه اسلام، خطایی است که خطاهای فراوان دیگری را در رفتارهای انسان در پی خواهد داشت.

امام سجاد(علیه السلام) برای جلوگیری از پیدایش چنین بینش نادرستی، بینش صحیحی در راستای اصلاح رفتارهای انسان ترسیم کرده است. از نظر امام، زندگی انسان به دنیا منحصر نمی شود، بلکه در ورای آن زندگی جاودانه ای برای انسان وجود دارد که رابطه آن دو، رابطه راه و مقصد است یا رابطه وسیله و هدف. با چنین بینشی، زندگی دنیا هدف دار می شود و از یک نواختی در می آید. از همین رو

---

۱. علی صفایی حائری، مسئولیت و سازندگی، ج ۱، چاپ ششم، قم: لیلة القدر، ۱۳۸۸، ص ۱۳۱.

در روایات سفارش شده است که هر کس دو روزش با هم برابر باشد، زیان دیده است.<sup>۱</sup> بنابراین انسان باید با تلاش روز افزون در دنیا، آخرت خویش را آباد سازد.

امام سجاد (علیه السلام) در صحیفه سجادیه می فرماید:

« وَ ارْزُقْنِي الرِّغْبَةَ فِي الْعَمَلِ لَكَ لِآخِرَتِي حَتَّى أَعْرِفَ صِدْقَ ذَلِكَ مِنْ قَلْبِي، وَ حَتَّى يَكُونَ الْغَالِبُ عَلَى الزُّهْدِ فِي دُنْيَايَ، وَ حَتَّى أَعْمَلَ الْحَسَنَاتِ شَوْقًا؛ وَ بَرَى آخِرَتِي، رَغْبَتَ وَ شَوْقَ فِي عَمَلِ (بندگی) برای خودت را روزی ام فرما تا از ژرفای وجود، راستی و درستی بندگی را بشناسم و بی رغبتی در دنیا بر من دست یابد و کردارهای نیک را باشوق به جا آورم.»<sup>۲</sup>

« وَ مَا زَوَيْتَ عَنِّي مِنْ مَتَاعِ الدُّنْيَا الْفَانِيَةِ فَادْخِرْهُ لِي فِي خَزَائِنِكَ الْبَاقِيَةِ وَ اجْعَلْ مَا خَوَّلْتَنِي مِنْ حُطَامِهَا، وَ عَجَّلْتَ لِي مِنْ مَتَاعِهَا بُلْغَةً إِلَى جِوَارِكَ وَ وُصْلَةً إِلَى قُرْبِكَ؛ أَنْجِهِ مِنْ كَالَايِ دُنْيَا نَابُودِ شَدْنِي بود؛ از من گرفتی، پس (عوض) آن را در گنجینه های خود (در آخرت) که همیشگی است، برایم اندوخته کن،<sup>۳</sup> و آنچه از کالای آنکه برای من پیش انداخته ای، وسیله رسیدن به جوار (رحمت) خود و پیوستن به قرب خویش گردان.»<sup>۴</sup>

حضرت امام سجاد (علیه السلام) در این دعاها، با بیان فانی بودن زندگی دنیا، یادآور می شود که مقصود اصلی آفرینش، زندگی در جهان آخرت است. در نظام تربیتی صحیفه سجادیه، دنیا گذرگاهی برای رسیدن به مقصد است.

---

۱. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۷۱، ص ۱۷۳.

۲. علی نقی فیض الاسلام، همان، دعای ۲۲، بنده.

۳. همان، دعای ۳۰، بنده.

۴. همان، دعای ۳۰، بنده.

## ۱,۲. بینش در مورد حقیقت انسان

یکی دیگر از روش های تربیتی در صحیفه که با جنبه شناختی انسان ارتباط مستقیم دارد، روش ترسیم بینش صحیح در مورد حقیقت انسان است. با نظر به جوشش نا آگاهانه ی غریزه ها و بی اعتنایی به اصل ها از ناحیه غریزه های طبیعی، قطعی است این غریزه ها نمی توانند پذیرنده ی تربیت باشند. باید در نظر گرفت که موضوع تربیت باید حقیقت ثابتی باشد که مواد تعلیم و تربیت را بپذیرد و با داشتن آن مواد، به فعالیت پردازد. این موضوع ثابت در درون آدمی، «من» یا «شخصیت» اوست که می تواند مدیریت موجودیت انسانی را بر عهده بگیرد.<sup>۱</sup> چون انسان موضوع تربیت است. باید انسان را شناخت و از ویژگی ها، قابلیت ها، استعدادها محدودیت های او آگاه شد تا بتوان سیر تربیتی او را مشخص کرد.

با بررسی ویژگی هایی که امام برای انسان بر شمرده است، نمایی عالی از حقیقت انسان به دست می آید. به طور کلی، این ویژگی ها را می توان به دو دسته تقسیم کرد:

### اول. ویژگی های مثبت که عبارتند از:

خدا جویی و خدا خواهی؛ اراده و اختیار؛ کرامت خواهی؛ خود دوستی؛ وابستگی به خداوند؛ کمال خواهی؛ دوست داشتن هم نوعان؛ شوق به جلب رضایت الهی.

### دوم. ویژگی های منفی که عبارتند از:

خدا فراموشی؛ فخر فروشی؛ آزمندی؛ دنیا گرایی و ... .

پس، هرگاه انسان، تنها جلوه خاصی از وجود خویش را حقیقت خود پندارد، این گمان، رفتارهای معینی را در او ایجاد می کند. از این رو، از نگاه تربیتی، تصحیح بینش انسان درباره ی خود، نوعی

---

۱. محمدتقی جعفری، ارکان تعلیم و تربیت، تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، ۱۳۸۸، ص ۵۸.

روش تربیتی است؛ زیرا داشتن گمان درست درباره ی خویش، با رفتارها پیوند می خورد و زمینه مؤثری برای ظهور آنها پدید می آورد.<sup>۱</sup>

امام سجاد (علیه السلام) حقیقت وجود انسان را عین فقر و نیاز و ضعف معرفی می کند و می فرماید:

«اللَّهُمَّ وَإِنَّكَ مِنَ الضَّعْفِ خَلَقْتَنَا، وَعَلَى الْوَهْنِ بَنَيْتَنَا، وَمِنْ مَاءٍ مَهِينٍ ابْتَدَأْتَنَا، فَلَا حَوْلَ لَنَا إِلَّا بِقُوَّتِكَ، وَلَا قُوَّةَ لَنَا إِلَّا بِعَوْنِكَ؛<sup>۲</sup> بار خدایا! تو ما را از ناتوانی آفریدی و ما را بر سستی بنا نهادی، و ما را از آب بی ارزش ایجاد کردی. پس ما را جز به توانایی و پیروی تو جنبشی و جز به یاری تو توانایی نیست.»

«يَا غَنِيَّ الْأَغْنِيَاءِ، هَا، نَحْنُ عِبَادُكَ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَأَنَا أَفْقَرُ الْفُقَرَاءِ إِلَيْكَ؛<sup>۳</sup> ای بی نیاز بی نیازان! اینک ما بندگان تو در اختیار تویم و ما نیازمندترین نیازمندان به تو هستیم.»

امام با یاد آوری ناتوانی انسان و وابسته بودن او به خدای متعال، حقیقت وجود انسان را فقر و نیازمندی به خدا می داند و خداوند متعال را بی نیاز و غنی بالذلات معرفی می کند.

### ۱,۳. بیش در مورد مرگ و معاد

---

۱. خسرو باقری، همان، ص ۸۱.

۲. علی نقی فیض الاسلام، همان، دعای ۹، بنده.

۳. همان، دعای ۱۰، بنده.

ترسیم بینش صحیح در مورد مرگ و معاد، یکی دیگر از روش های تربیتی صحیفه سجادیه است. انسان به سبب درک نادرست مرگ و زندگی و افتادن در دام دنیا و اوهام، از یاد مرگ گریزان می شود و خود را از نیکوترین وسیله رهایی از دنیا و کسب وارستگی محروم می سازد.

امام سجاد (علیه السلام) در صحیفه سجادیه، برای مقابله با این گونه نگرش های غلط، همواره یادآوری مرگ را سفارش می کند و به انسان یادآور می شود که مرگ پایان زندگی نیست، بلکه تولد ابدی در جهان سرمدی است. ایشان درباره فراموش نشدن یاد مرگ می فرماید: «وَ أَكْفِنَا طُولَ الْأَمَلِ، وَ قَصْرَهُ عَنَّا بِصِدْقِ الْعَمَلِ حَتَّى لَا نُؤَمِّلَ اسْتِمَامَ سَاعَةٍ بَعْدَ سَاعَةٍ، وَ لَا اسْتِيفَاءَ يَوْمٍ بَعْدَ يَوْمٍ، وَ لَا اتِّصَالَ نَفْسٍ بِنَفْسٍ»<sup>۱</sup> ما را از آرزوی دراز باز دار و با کردار راست و درست، آرزو را از ما کوتاه گردان تا اینکه تمام کردن ساعتی را پس از ساعتی و دریافتن روزی را پس از روزی و پیوستگی نفسی را به نفسی و در پی آمدن گامی را در پی گامی آرزو نکنیم.

به همین دلیل، حضرت امام سجاد (علیه السلام) در آغاز دعایی که درباره «یاد مرگ» است، از خدا می خواهد وی را از آرزوی دراز باز دارد؛ زیرا آرزوی دراز، آخرت را از یاد می برد و بر اثر آن انسان بدبخت می گردد. همچنین امام در فراز دیگری می فرماید: «يَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ»<sup>۲</sup> روزی (قیامت) که هرکس در برابر کردار خویش کیفر یا پاداش داده می شود، در حالی که به آن ها ستم نمی شود.

---

۱. همان، دعای ۴۰، بند ۱.

۲. علی نقی فیض الاسلام، همان، دعای ۲۴، بند ۱۱.

به طور کلی امام در پی آن است که با این نوع بینش به انسان ها بگوید که دنیا گذرگاهی است که انسان ها به ناچار از آن خواهند گذشت و به سوی سرنوشتی محتوم پیش خواهند رفت. این بینش انسان را به آینده امیدوار و کردارش را اصلاح می کند.<sup>۱</sup>

## ۲. ذکر خدا

یکی دیگر از ویژگی های تربیتی در صحیفه سجادیه در زمینه جنبه شناختی انسان، سفارش به «ذکر و یاد خدا» است این روش تربیتی مبتنی بر اصل «تذکر» است؛ زیرا گاه توجه انسان به خداوند به سبب درگیری اش در فراز و نشیب های زندگی و غفلت و فراموشی کم می شود. از این رو، با یاد آوری می توان توجه به خدا را در دل او زنده کرد.

حقیقت ذکر، همان «توجه قلبی» است. به بیان دیگر، حقیقت ذکر، چیزی جز «همواره به یاد خدا بودن نیست. همواره متوجه مسئولیت و تعهد بودن؛ در همه جا خدا را حاضر و ناظر دانستن؛ در کنار همه چیز، خدا را دیدن؛ نسبت به تمام اعمالمان، خدا را «بصیر» دانستن؛ نسبت به همه حرف هایمان، او را «شنوا» دانستن؛ خود را در همه حال در محضر «الله» دیدن و...»، معنای واقعی ذکر، خداست که سازنده انسان است.<sup>۲</sup> آثار مهم تربیتی که این روش در پی دارد، عبارتند از:

### ۲،۱. آرامش قلب

حضرت امام سجاد (علیه السلام) نیز برای اصلاح و تربیت از این روش تربیتی بهره می گیرد و ذکر خدا را مایه شرافت و بزرگی می داند. همچنین از خداوند متعال می خواهد که دل ها را به یاد خود سرگرم سازد.

---

۱. علی اصغر ابراهیمی فر، همان، ص ۱۰۰.

۲. جواد محدثی، سینای نیاز، چاپ دوم، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲، ص ۶۷.

«يَا مَنْ ذِكْرُهُ شَرَفٌ لِلذَّاكِرِينَ... وَ اشْغَلْ قُلُوبَنَا بِذِكْرِكَ عَنْ كُلِّ ذِكْرٍ؛ اَي آن که یاد او برای

یادکنندگان، شرافت و ارزش است، دل های ما را از هر یادی به یاد خودت وادار.»

## ۲,۲. غفلت زدایی

همه گرفتاری ها و لغزش ها در پی غفلت از یاد حق و عذاب و عقاب اوست. افزون بر این،

غفلت از خدا، قلب را تیره می سازد و در نتیجه، شیطان و هوای نفس بر انسان چیره می شوند. امام

سجاد(علیه السلام) ، یاد خدا را درمان چنین حالتی می داند و می فرماید: «وَنَبْهَنِي لِذِكْرِكَ فِي أَوْقَاتِ

الْغَفْلَةِ؛<sup>۲</sup> و مرا در اوقات فراموشی (پیروی از نفس) به یاد خود آگاه ساز.»

## ۳,۲,۲. روش های گرایشی

این دسته از روش ها مرتبط به بعد گرایشی انسان می شود و نقش این دسته از روش های تربیتی

هدایت و کنترل گرایش ها از انحراف است. روش های تربیتی که در صحیفه سجادیه در این زمینه

مورد بررسی قرار می گیرد، عبارتند از: روش توبه، روش کم شمردن خوبی ها و زیاد شمردن بدی ها،

روش یادآوری نعمت ها.<sup>۳</sup>

---

۱. علی نقی فیض الاسلام، همان، دعای ۱۱ بند ۱.

۲. علی نقی فیض الاسلام، همان، دعای ۲۰، بند ۲۹.

۳. مصطفی سلیمانی، همان، ص ۸۹.



## ۱. توبه

یکی دیگر از ویژگی های تربیتی در صحیفه سجادیه، روش «توبه» است. توبه در لغت به معنای رجوع و بازگشت است<sup>۱</sup> و در صحیفه به معنای «پشیمانی از گناه» و «وسیله ای برای تغییر رفتار یا باعث اصلاح انسان و رفع فساد» آمده است: «اللَّهُمَّ إِن يَكُنِ النَّدَمُ تَوْبَةً إِلَيْكَ فَأَنَا أُنَدِمُ النَّادِمِينَ؛<sup>۲</sup> خدایا اگر پشیمانی، توبه و بازگشت به سوی توست پس من پشیمان ترین پشیمانانم.» و نیز می فرماید: «يَا مَنْ اسْتَصْلَحَ فَاسِدَهُمْ بِالتَّوْبَةِ؛<sup>۳</sup> ای آنکه اصلاح تباهی های ایشان (بندگان خدا) را به وسیله ی توبه خواسته ای» امام در این مورد توبه را مایه ی اصلاح و رفع فساد در انسان ها معرفی می کند.

وظیفه هر انسانی در هنگام دور شدن از فطرت خداجویی خود این است که به سوی حقیقت فطری خویش باز گردد. توبه در معنای واقعی خویش، تنها در مورد گناه و عصیان به کار نمی رود، بلکه هر گونه دوری از اصل انسانی و توجه به عالم ماده همراه با غفلت از فرا ماده به بازگشتی راستین نیاز دارد.<sup>۴</sup>

امام سجاد (علیه السلام) با بیان این که اگر کسی ببیند در ورطه ی گناه قرار دارد، قهراً در نجات خود تلاش می کند و تلاش او عبارت از پناه بردن به خداوند متعال است به ما می فهماند که شرط توبه آن است که انقلابی در باطن انسان صورت گیرد که یک باره او را بشوراند و سوز او از جان برخیزد تا از همه جا بریده و به خدا توجه کند در این زمینه شرمندگی از خداوند متعال مسلم است زیرا

---

۱. احمد بن فارس، معجم المقاییس اللغة، ج ۱، بیروت: دارالجلیل، ۱۴۱۱ق، ص ۳۵۷.

۲. علی نقی فیض الاسلام، همان، دعای ۳۱ بند ۲۸.

۳. همان، دعای ۱۲ بند ۱۰.

۴. ابراهیم شاه جعفری و حمید مقامی، همان، ص ۷۵.

توبه به معنای انقلاب باطنی است به گونه ای که انسان بر علیه نفس اماره شیطان کودتا کند و دشمن داخلی خود را سرکوب و از صحنه جان خود بیرون کند و دل و جان را از آلودگی ها و زنگار ها پاکیزه سازد تا قلب آماده ورود فرشتگان گردد.<sup>۱</sup>

«فَمَثَلَ بَيْنَ يَدَيْكَ مُتَضَرِّعًا، وَ غَمَضَ بَصَرَهُ إِلَى الْأَرْضِ مُتَخَشِّعًا، وَ طَاطَأَ رَأْسَهُ لِعِزَّتِكَ مُتَذَلِّلًا، وَ أَبْثَكَ مِنْ سِرِّهِ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنْهُ خُضُوعًا، وَ عَدَدَ مِنْ ذُنُوبِهِ مَا أَنْتَ أَحْصَى لَهَا خُشُوعًا، وَ اسْتَغَاثَ بِكَ مِنْ عَظِيمٍ مَا وَقَعَ بِهِ فِي عِلْمِكَ وَ قَبِيحٍ مَا فَضَحَهُ فِي حُكْمِكَ: مِنْ ذُنُوبٍ أَدْبَرَتْ لَذَاتِهَا فَذَهَبَتْ، وَ أَقَامَتْ تَبِعَاتِهَا فَلَزِمَتْ»<sup>۲</sup> چنین توبه کننده ای در مقابل درگاه تو به زاری ایستاده و از خشوع تو چشم به زمین دوخته و با کمال ذلت سر به زیر افکنده و سرّ خود را با تو خاضعانه در میان می گذارد، اگر چه می داند تو از او آگاهی، و تمام گناهان را با خشوع نزد تو به شمارش در می آورد و می داند که تو عدد آنها را بهتر از او می دانی و از گناهان بزرگی که تو را به آنها آگاه می داند و از اعمال زشتی که در اثر بردباری تو او را رسوا گردانده است به درگاه تو پنهانده شده است گناهانی که لذات آنها از دست رفته و نتایج شوم آنها هم چنان ثابت مانده است.»

## ۲. یادآوری نعمت ها

یکی دیگر از روش های تربیتی در صحیفه سجادیه، «یادآوری نعمت» است. امام سجاد(علیه السلام) روش یادآوری نعمت ها را در نظام تربیتی صحیفه در پیش گرفته است تا آدمی به خود بیاید. آنگاه گذشته خویش را به یاد آورد و شیرینی نعمت هایی را که به او ارزانی شده است، بجشد و

---

۱. حسن ممدوحی کرمانشاهی، همان، ج ۳، ص ۴۰.

۲. علی نقی فیض الاسلام، همان، دعای ۳۱، بند ۳.

در مقام شکر برآید و نشاط و رغبت به عمل در او برانگیخته شود. امام با بهره گیری از این روش تربیتی، انسان های غفلت زده را آگاه می سازد و غفلتشان را در پرتو یادآوری نعمت های بی شماری که در گذشته و حال به آنها عطا شده است، می زداید. امام زین العابدین (علیه السلام) در موارد بسیاری از جمله در نخستین دعای صحیفه سجادیه که در «حمد و ستایش خداوند» است و همچنین در دعای سی و هفتم که در «شکر گذاری از خداوند» است با برشمردن نعمت های الهی از جمله خلقت زیبا و روزی های پاکیزه و حلال و سلامتی، خدای را سپاس می گوید<sup>۱</sup> و می فرماید: «وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اخْتَارَ لَنَا مَحَاسِنَ الْخَلْقِ، وَ اَجْرَى عَلَيْنَا طَيِّبَاتِ الرِّزْقِ؛<sup>۲</sup> و سپاس خدای را که زیبایی های آفرینش را برای ما برگزید و روزهای پاکیزه را برای ما روان گردانید.»

### ۳،۲،۳. روش های رفتاری

این دسته از روش ها نیز به بعد رفتاری انسان مرتبط می شود و نقش این روش ها ارائه الگوهای صحیح رفتاری مناسب است، تا انسان با عمل به این روش های رفتاری به اهداف مورد نظر برسد. این دسته از روش ها عبارتند از: روش تکریم و احترام، روش رفق و مدارا و روش احسان در برابر بدی.<sup>۳</sup>

#### ۱. تکریم و احترام

---

۱. علی اصغر ابراهیمی فر، همان، ص ۱۱۰ ۱۰۹.

۲. علی نقی فیض الاسلام، همان، دعای ۱، بند ۱۸.

۳. مصطفی سلیمانی، همان، ص ۹۰.

یکی دیگر از ویژگی های تربیتی در صحیفه سجادیه، روش «تکریم و احترام» است. این روش چون بیشتر جنبه رفتاری دارد، یک روش تربیت رفتاری به شمار می آید و مبتنی بر حب ذات است.

دامنه این روش تربیتی همه انسان ها را شامل می شود؛ به جهت این که در همه انسان ها غریزه حب ذات وجود دارد و هرکس دوست دارد که دیگران به او احترام بگذارند. حضرت امام سجاد (علیه السلام) در صحیفه ی سجادیه، این روش تربیتی را در موارد زیادی از جمله در مورد فرزندان به کار گرفته است.

یکی از نیاز های طبیعی کودک، احترام گذاشتن به شخصیت اوست. به دلیل غریزه حب ذات که در طبیعت کودک نهاده شده است وی دوست دارد دیگران شخصیت او را عزیز بدانند.

برآورده شدن این نیاز طبیعی کودک در خانواده سبب ایجاد آرامش، اعتماد به نفس در وی می شود و با استفاده از استعداد های نهفته اش می تواند با دلگرمی و امید به موفقیت، در مسیر زندگی گام بردارد. در نتیجه، به خانواده و دیگران خوش بین می شود و آنان را قدرشناس و قابل اعتماد می یابد و از همکاری با افرادی که قدر او را می شناسند و شخصیتش را گرامی می دارند، هراسی ندارد.<sup>۱</sup>

افزون بر این، کودکی که مورد تکریم و احترام خانواده قرار گرفته، احترام به دیگران را که یک خصلت پسندیده است، از آنان یاد می گیرد. بنابراین، تکریم کودک برای تربیت صحیح او ضرورت دارد.<sup>۲</sup> می فرماید: «وَ أَعِنِّي عَلَى تَرْبِيَتِهِمْ وَ تَأْدِيبِهِمْ وَ بَرِّهِمْ؛ و مرا برای پرورش آنها و بافرهنگ کردنشان برای نیکی کردن به ایشان یاری فرما.»<sup>۳</sup>

---

۱. ابراهیم امینی، اسلام و تعلیم و تربیت، همان، ج ۲، ص ۱۷۸.

۲. همان، ج ۲، ۱۷۸.

۳. علی نقی فیض الاسلام، همان، دعای ۲۵، بند ۵.

در این فراز، امام سجاد (علیه السلام) به برخی وظایف والدین در برابر فرزندان از جمله تامین نیازهای فرزند، محبت، و تربیت فرزندان اشاره می کند، که رعایت این وظایف، سبب احترام و تکریم به شخصیت فرزند نیز می شود. بنابراین، تلاش والدین در تأمین نیازهای فرزندان، تربیت آنان و محبت ورزیدن به ایشان، نوعی احترام گذاشتن و شخصیت دادن به فرزند تلقی می شود. پس تربیت فرزند فراهم کردن زمینه مناسب برای شکوفایی استعدادهای او است؛ کودک همانند نوار خالی نیست که آن را پر کنند و موجود غیر جانبداری نیست که آن را بسازند، بلکه تربیت کودک، به فعلیت درآوردن استعدادهای درونی اوست. از همین رو تربیت باید مطابق با نهاد و فطرت انسانی او باشد، و از آنجا که تربیت انسانی کاری بس دشوار است، امام (علیه السلام) از خداوند یاری خواسته؛ که فرزندان او طبیعت شان نسبت به تربیت رام باشد؛ به طوری که پرورش آنان آسان و راه رشد آنان هموار باشد.<sup>۱</sup>

## ۲. رفق و مدارا

رفق و مدارا به معنی نرمش و سازش است.<sup>۲</sup> به بیان دیگر مهربانی نسبت به دیگران است. رأفت و رحمت از اخلاق کریمه انسان است که از قلب پر عاطفه سرچشمه می گیرد. روش مدارا روش رفتاری است و انسان باید در مقام عمل، بدان توجه داشته باشد. این روش نیز مبتنی بر حب ذات است.<sup>۳</sup> برخی موارد رفق و مدارا به قرار زیر است:

---

۱. حسن ممدوحی کرمانشاهی، همان، ج ۲، ص ۴۲۵.

۲. علی اکبر دهخدا، همان، ج ۷، ماده رفق، ص ۱۰۷۲۷.

۳. محمد احسانی، تربیت اسلامی، تهران: تربیت اسلامی، ۱۳۷۹، ص ۲۹۲.

## ۲,۱. رفق و مدارا با پدر و مادر

در اسلام پدر و مادر مقام والایی دارند. با توجه به منزلت والای پدر و مادر، در رفتار با آن‌ها باید توجه داشت و چنان رفتار نکنیم که سبب آزرده‌گی آنها شود. باید با رفتارهای شایسته و رفق و مدارا سبب خوشحالی آنها شویم.<sup>۱</sup>

امام سجاد (علیه السلام) در دعای بیست و چهارم صحیفه به بیان مقام والای پدر و مادر درباره روش رفق و مدارا با والدین می‌فرماید:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَهَابُهُمَا هَيْبَةَ السُّلْطَانِ الْعُسُوفِ، وَأَبْرُهُمَا بِرَّ الْأُمِّ الرَّءُوفِ، وَاجْعَلْ طَاعَتِي لَوَالِدَيَّْ وَبِرِّي بِهِمَا أَقْرَ لِعَيْنِي مِنْ رَقْدَةِ الْوَسْنَانِ، وَأَثْلَجَ لِبَصْدَرِي مِنْ شَرْبَةِ الظَّمْآنِ حَتَّى أُؤْثِرَ عَلَى هَوَايَ هَوَاهُمَا، وَأُقَدِّمَ عَلَى رِضَايَ رِضَاهُمَا وَاسْتَكْثَرَ بِرَّهُمَا بِي وَإِنْ قَلَّ، وَاسْتَقِلَّ بِرِّي بِهِمَا وَإِنْ كَثُرَ؛<sup>۲</sup> بار خدایا مرا چنان گردان که از پدر و مادرم بترسم؛ مانند ترسیدن از پادشاه ستمکار، و با ایشان خوش رفتاری کنم همچون خوش رفتاری مادر مهربان. و فرمانبری و نیکو کاریم را به آن‌ها در نظرشان از خواب آلوده خوش تر و در دلم از آشامیدن تشنه گواراتر گردان تا خواسته‌ی آنها را بر خواسته خود برگزینم، و خوشنودی ایشان را بر خوشنودی خویش جلو اندازم، و نیکی‌شان را در باره خود هر چند اندک باشد، بسیار شمارم، و نیکی خویش را در باره آنها هر چند بسیار باشد کم بدانم»

---

۱. همان، ص ۲۹۲.

۲. علی نقی فیض الاسلام، همان، دعای ۲۴، بند ۵.

«اللَّهُمَّ خَفِّضْ لَهُمَا صَوْتِي، وَ أَطْبِ لَهُمَا كَلَامِي، وَ أَلِنْ لَهُمَا عَرِيكَتِي، وَ اعْطِفْ عَلَيْهِمَا قَلْبِي، وَ صَيِّرْنِي بِهِمَا رَفِيقًا، وَ عَلَيْهِمَا شَفِيقًا؛<sup>۱</sup> بار خدایا صدایم را در برابر ایشان آهسته و سخم را خوشایند و خویم را نرم نما، و دلم را بر آنها مهربان کن، و مرا به ایشان سازگار و بر آنان رحیم گردان.»

امام در این فرازها، روش رفتار با والدین را این گونه بیان می کنند:

۱. حفظ شخصیت والدین؛ ۲. خوش رفتاری؛ ۳. اطاعت کردن؛ ۴. مقدم داشتن خواست و رضایت ایشان بر خواست و رضایت خود؛ ۵. نیکوکاری ایشان هرچند کم باشد، زیاد دانستن و نیکوکاری نسبت به ایشان را هرچند زیاد باشد، کم دانستن؛ ۶. آهسته و زیبا سخن گفتن؛ ۷. نرم خویی و مهربان بودن؛ ۸. رفیق و شفیق بودن.

## ۲.۲. رفق و مدارا با همسایگان

یکی دیگر از ویژگی های تربیتی در صحیفه سجاده، «رفق و مدارا با همسایگان و دوستان» است چون انسان به تنهایی نمی تواند نیازهای خود را بر آورد، با دیگران رابطه برقرار می کند. از جمله کسانی که انسان با آنها رابطه دارد، همسایگان هستند. ارتباط با همسایگان باید بر اساس کرامت انسانی استوار باشد. از این رو، امام سجاد (علیه السلام) در دعای بیست و شش صحیفه سجاده که دعا برای همسایگان است، درباره روش رفتار با همسایگان می فرماید:

«وَوَفَّقَهُمْ لِإِقَامَةِ سُنَّتِكَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِكَ فِي إِرْفَاقِ ضَعْفِهِمْ، وَ سَدِّ خَلَّتِهِمْ، وَ عِيَادَةِ مَرِيضِهِمْ، وَ هِدَايَةِ مُسْتَرْشِدِهِمْ، وَ مُنَاصَحَةِ مُسْتَشِيرِهِمْ، وَ تَعَهُّدِ قَادِمِهِمْ، وَ كِتْمَانِ أَسْرَارِهِمْ، وَ سَتْرِ عَوْرَاتِهِمْ، وَ نُصْرَةِ مَظْلُومِهِمْ، وَ حُسْنِ مُوَاسَاتِهِمْ بِالْمَاعُونِ، وَ الْعَوْدِ عَلَيْهِمْ بِالْجِدَّةِ وَ الْإِفْضَالِ، وَ إِعْطَاءِ مَا

---

۱. همان، دعای ۲۴، بند ۶.

يَجِبُ لَهُمْ قَبْلَ السُّؤَالِ؛<sup>۱</sup> و آنان را توفیق ده برای فرا گرفتن اخلاق نیک خودت در مهرورزی و کمک به ناتوانان و بستن شکاف فقر و نیازمندی شان و رفتن نزد بیمارشان و راهنمایی کردن راه جویشان و اندرز دادن به مشورت کننده شان و دیدار از سفرآمده شان و پنهان کردن رازهایشان و پوشاندن عیب هاشان و یاری کردن ستم دیده شان و خوب کمک کردنشان در ابزار خانه و لوازم خانگی و سود رساندنشان به بخشش فراوان و دادن آنچه ایشان را واجب و لازم است پیش از درخواست.»

امام در این فرازها، با توجه به روش رفق و مدارا، رفتار با همسایگان را چنین بیان می کند: ۱. کمک به ناتوانان؛ ۲. عیادت از بیماران؛ ۳. راهنمایی کردن راه جویان؛ ۴. اندرز دادن به مشورت کنندگان؛ ۵. دیدار از سفر برگشته؛ ۶. پنهان کردن اسرار؛ ۷. پوشاندن عیب ها؛ ۸. یاری کردن ستم دیده؛ ۹. کمک کردن با ابزار خانه.

### ۳. نیکی کردن در مقابل بدی

تنبیه و تشویق، دو روش برای تربیت و اصلاح رفتارهای انسان است. بدین صورت که خطاکاران را تنبیه و نیکوکاران را تشویق کنند. اسلام نیز این دو روش را بجا می داند و هر یک را در جای خودش مفید و لازم می شمارد. البته همیشه تشویق بر تنبیه، مقدم است و تا آنجا که بتوان از تشویق بهره جست، نباید به تهدید و تنبیه دست زد. امام سجاد (علیه السلام) در صحیفه سجادیه، راه دیگری نیز برای اصلاح بدی ها معرفی می کند و آن «احسان در برابر بدی» است. ایشان در کنار توجه به اصل تکریم و احترام به شخصیت انسان ها سفارش می کند با افراد خطاکار، به نیکی رفتار شود؛ زیرا انسان در خور تکریم و احترام است و جایگاهی والا در میان دیگر آفریده ها دارد. بنابراین، برخورد با آنها

---

۱. همان، دعای ۲۶، بند ۲.



باید بر اساس احترام و تساهل و تسامح باشد.<sup>۱</sup> چنانچه پیامبر اسلام (صی الله علیه و آله و سلم) هیچ گاه بدی را با بدی پاسخ نمی داد. سختی مردم را بر او دشوار می نمود و در رفع آن می کوشید و برای ارشاد آنان تلاش فراوانی می کرد.<sup>۲</sup> امام سجاد (علیه السلام) در این زمینه می فرمایند: «وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ أَجْزَى بِالْإِحْسَانِ مُسِيئَتِهِمْ، وَاعْرِضْ بِالتَّجَاوُزِ عَنْ ظَالِمِهِمْ، وَاسْتَعْمِلْ حُسْنَ الظَّنِّ فِي كَافَّةِهِمْ، وَاتَوَكَّلْ بِالْبِرِّ عَامَّتِهِمْ، وَاغْضُ بَصْرِي عَنْهُمْ عِفَّةً، وَأَلِنْ جَانِبِي لَهُمْ تَوَاضُعًا، وَأَرِقْ عَلَى أَهْلِ الْبَلَاءِ مِنْهُمْ رَحْمَةً، وَأَسِرْ لَهُمْ بِالْغَيْبِ مَوَدَّةً، وَأَحِبُّ بَقَاءَ النِّعْمَةِ عِنْدَهُمْ نَصْحًا، وَأُوجِبْ لَهُمْ مَا أُوجِبُ لِحَامَتِي، وَارْعَى لَهُمْ مَا أَرْعَى لِحَاصَتِي؛<sup>۳</sup> بار خدایا! مرا بر آن دار که کردارهای بدشان را به نیکی پاداش دهم و از ستم کارشان به بخشش درگذرم و درباره همه ایشان خوش گمان باشم و با احسان و خوبی، همه آن ها را سرپرستی کنم و با پاکدامنی، چشمم را از آنان بپوشانم و با فروتنی با آنها نرم باشم. با مهربانی بر گرفتارانشان رقت و رزم و دل جویی کنم و در پنهانی و پشت سر، دوستی را برای آنان آشکار سازم و از سر خیرخواهی، نعمت همیشگی را نزد ایشان دوست بدارم و آنچه برای خویشان خود واجب و لازم می دانم، درباره ی ایشان لازم بدانم و آنچه برای نزدیکان رعایت داشته ام، برای ایشان رعایت کنم.»

از این دعاها برمی آید که روش تربیت و اصلاح بدی ها، منحصر به تنبیه و کیفر نیست، بلکه با بخشش و احسان می توان به اصلاح بدی ها پرداخت. چنان که انسان خطاکار از کیفر عبرت می گیرد و خطاهایش را ترک می کند، گاه بر اثر احسان دیگران نیز از کردار بد خود پشیمان می گردد و به راه حق می گراید. انسانی که به شخص خطاکار احسان می کند، برایش الگو می شود و به او درس نیکوکاری می آموزد. بدین وسیله، وجدان او را بیدار و متأثر می سازد؛ به گونه ای که اظهار

---

۱. علی اصغر ابراهیمی فر، همان، ص ۱۱۷.

۲. احمد احمدی، همان، ص ۱۷۱.

۳. علی نقی فیض الاسلام، همان، دعای ۲۶، بند ۳.

شرمساری می کند. بنابراین، خود این احسان، نوعی تنبیه به شمار می آید و طرف را به اظهار ندامت وادار می کند.<sup>۱</sup>

از آنچه گذشت این چنین می توان برداشت کرد که روش های تربیتی در صحیفه سجادیه به سه قسم شناختی، گرایشی و رفتاری تقسیم می شوند که روش های شناختی به اعطای بینش و ذکر خدا تقسیم می شود. روش گرایشی به روش توبه و روش یادآوری نعمت ها قابل تقسیم است و روش رفتاری خود به سه قسم تقسیم می شود: تکریم و احترام، رفق و مدارا و نیکی کردن در مقابل بدی.

---

۱. مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، چاپ بیست ششم، تهران: صدرا، ۱۳۷۴، ص ۳۶۵.

**فصل چهارم : هدف های تربیتی**

**در صحیفه سجادیه**

در فصل های گذشته مبانی، اصول و روش های تربیتی از منظر صحیفه سجادیه بررسی شد در این فصل به اهداف تربیتی مورد نظر امام (علیه السلام) اشاره می شود.

#### ۴. اهداف تربیتی در صحیفه سجادیه

هدف در لغت به معنای نشانه تیر، هر شیء بلند و برافراشته است. هدف در تعلیم و تربیت به معنای وضع مطلوبی است که آگاهانه، سودمند تشخیص داده شده است و برای تحقق آن، فعالیت های مناسب تربیتی انجام می گیرد، ویژگی مشترک تمام هدف های تربیتی آن است که این هدف ها، نتیجه یک یا چند فعالیت تربیتی اند.<sup>۱</sup>

بر اساس معیار های گوناگون، برای اهداف تعلیم و تربیت اسلامی، تقسیم های گوناگونی برشمرده اند که در هریک از آنها از دیدگاه خاصی به اقسام هدف نگریسته می شود. برای مثال، در یک تقسیم

---

۱. غلام حسین شکوهی، مبانی و اصول آموزش و پرورش، مشهد: آستان قدس رضوی، چاپ هفتم، ۱۳۷۴،

ص ۱۱۵؛ فیلیپ جی اسمیت، فلسفه آموزش و پرورش، ترجمه سعید بهشتی، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰،

بندی بر مبنا ی انواع روابط انسانی اهداف مربوط به روابط انسان با خود، خداوند و هم نوعانش و نیز روابط انسان با جهان پیرامون خود، مورد توجه قرار می گیرد.<sup>۱</sup>

اگر بخواهیم هدف های تربیتی را در صحیفه تقسیم بندی کنیم، باید ملاک این تقسیم بندی را نیز از خود صحیفه بگیریم؛ زیرا بینشی که در مکتب اهل بیت (علیهم السلام) برای نظام تربیتی در زندگی انسان معیار قرار گیرد، بی شک همیشگی است و به تمام جنبه های وجودی و نیاز و استعداد های او ناظر است. این نظام تربیتی، انسان را جانشین خدا در زمین می داند و در پی آن است که نظامی بیافریند که با در بر گرفتن تمام جنبه های وجودی انسان، فردی صالح و شایسته تربیت کند.<sup>۲</sup>

به طور کلی می توان هدف های تربیتی را در نظام صحیفه ی سجاده به را به دو دسته: اهداف غایی (نهایی) و اهداف واسطه ای تقسیم کرد که به اعتبار قرب و بعد آنها، اهداف بعید و متوسط نامیده می شوند.<sup>۳</sup>

#### ۴,۱. هدف غایی تربیتی در صحیفه سجاده

هدف تربیت در مکتب آسمانی رسانیدن انسان به کمال و نیل به مقام ربوبی است. به عبارت دیگر، انسان باید چنان ساخته شود که به علت دوری از رذایل و آلودگی ها، استعداد های عالی ی روحی و

---

۱. علی قائمی، زمینه تعلیم و تربیت، تهران: امیری، ۱۳۶۸، ص ۱۵۶.

۲. علی اصغر ابراهیمی فر، همان، ص ۱۲۳.

۳. محمد علی حاجی ده آبادی، درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۷۷، ص ۹۵.

ملکوتی اش شکوفا شده و چنان به کمالات علوی و فضایل ملکوتی آراسته گردد که استعداد و لیاقت قدم نهادن در آستان قرب ربوی را کسب و با وصال به حق، به سعادت جاویدان برسد.<sup>۱</sup>

امام (علیه السلام) در دعاهای مختلف از خداوند درخواست نزدیکی به او را دارد و کسانی را که به تقرب او دست می یابند، برنده ی میدان می داند: «وَايَا مَنْ تَنْقَطِعُ دُونَ رُؤْيَيْهِ الْأَبْصَارُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَادْنِنَا إِلَى قُرْبِكَ»<sup>۲</sup> ای آن که چشم ها از دیدن او باز می مانند، بر محمد و آل محمد درود فرست و ما را به قرب خود نزدیک فرما» «وَمَنْ تُقَرِّبُهُ إِلَيْكَ يَغْنَمُ»<sup>۳</sup> هر که را به سوی خود نزدیک گردانی، غنیمت و سود می برد. و به راستی که این غنیمت و سود چیزی جز سعادت، نیک بختی و هدف نهایی تربیت انسانی نیست. و این هدف دست یافتنی است زیرا هر کس به قصد نزدیکی به خداوند به ریسمان او در آویزد، به او نزدیک می گردد: «الْقَرِيبُ إِلَى مَنْ حَاوَلَ قُرْبَكَ»<sup>۴</sup> تو به کسی که قصد تقرب کند، نزدیکی. اساساً نقش هدف نهایی در مسیر زندگی، چیزی جز استمرار حضور خدا و احساس آن نیست. بنابراین شایسته است خود «خداوند» که هدف نهایی است، محور قرار گیرد، نه اموری که رابط میان ما و خداوند هستند؛ زیرا امور واسطه ای، زمینه ساز رسیدن به آن مقام هستند.<sup>۵</sup>

---

۱. محمد علی سادات، مبانی اخلاق و تربیت اسلامی، تهران: هدی، بی تا، ص ۲۶.

۲. ترجمه علی نقی فیض الاسلام، همان، دعای ۵، بند ۴.

۳. همان، دعای ۵، بند ۹.

۴. همان، دعای ۴۵، بند ۲۱.

۵. ابراهیم شاه جعفری و حمید مقامی، همان، ص ۸۰.

## ۴,۲. اهداف واسطه ای تربیت

هدف های واسطه ای، حلقه های میانی برای دست یابی به هدف غایی است که ارزش خود را از هدف نهایی به دست می آورند و در طول آن قرار می گیرند و در حقیقت نسبت به هدف آرمانی، نقش واسطه دارند. هدف های واسطه ای، مسیر حرکت انسان را تا حدی مشخص می کنند و مجموعه ای را تشکیل می دهند که از به هم پیوستن آنها پیکره هدف غایی ساخته شود. از سوی دیگر هر هدف کلی، در نتیجه رفتارهای مشخصی است که در طول زمان بر اساس برنامه ای مشخص از انسان سر می زند.

اهداف واسطه ای تربیتی در صحیفه سجادیه را می توان به سه دسته کلی خلاصه کرد:

۴,۲,۱. هدف های تربیتی خدا محور در رابطه انسان با خدا؛

۴,۲,۲. هدف های تربیتی فرد محور در رابطه انسان با خود؛

۴,۲,۳. هدف های تربیتی در رابطه انسان با دیگران.<sup>۱</sup>

### ۴,۲,۱. اهداف تربیتی در رابطه انسان با خدا

این هدف ها، بیانگر انواع ارتباط نظری و عملی انسان با خداوند است. پیوند انسان با خدا در صحیفه سجادیه از معرفت خدا آغاز می شود و با گرایش عملی در قالب عبادت، توکل و شکرگذاری

---

۱. علی اصغر ابراهیمی فر، همان، ص ۱۲۷.

گسترش می یابد. محورهای کلی اهداف تربیتی در رابطه با خداوند در شناخت خدا، ایمان به او، تقوای الهی، بندگی و شکر گذاری خلاصه می شود.<sup>۱</sup>

## ۱. معرفت خدا

«شناخت خدا» یکی از هدف های واسطه ای تربیت در صحیفه سجادیه است. این هدف، کلید رسیدن به هدف نهایی است. شناخت هرچه بیشتر خدا، نقش مهمی در نزدیکی به او دارد، بدون شناخت خداوند، نزدیک شدن به او امکان پذیر نیست. آراستگی به اخلاق الهی، داشتن ایمان و تقوا و توکل به خدا در گرو شناخت هر چه کامل تر اوست.<sup>۲</sup>

حضرت امام سجاد (علیه السلام) در نخستین دعا پس از سپاس خداوند، به شناساندن خدا می پردازد:

«الَّذِي قَصُرَتْ عَنْ رُؤْيَيْهِ أَبْصَارُ النَّاطِرِينَ، وَ عَجَزَتْ عَنْ نَعْتِهِ أَوْهَامُ الْوَاصِفِينَ ابْتَدَعَ بِقُدْرَتِهِ الْخَلْقَ ابْتِدَاعًا، وَ اخْتَرَعَهُمْ عَلَى مَشِيَّتِهِ اخْتِرَاعًا؛<sup>۳</sup> سپاس و ستایش خدایی را سزااست که دیده های بینندگان از دیدنش ناتوانند و اندیشه های وصف کنندگان از عهده ی وصفش برنایند. به قدرت و توانایی خود آفریدگان را آفرید و آنان را به اراده و خواست خویش پدید آورد، بی این که از روی نمونه ای باشد.»

امام در این دعا با اشاره به ذات خداوند و قابل رؤیت نبودن او و نیز با اشاره به صفت خالق بودن خداوند، ما را به شناخت بیشتر او هدایت می کند.

---

۱. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ زیر نظر علی رضا اعرافی، اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، چاپ نهم، تهران:

سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، ۱۳۸۶، ص ۴۱.

۲. عبدالله جوادی آملی، همان، ص ۳۴۱.

۳. ترجمه علی نقی فیض الاسلام، همان، دعای ۱، بند ۲ و ۳.



## ۲. دستیابی به ایمان کامل

یکی دیگر از اهداف واسطه ای تربیت در مورد رابطه ی انسان با خدا که در صحیفه ی سجادیه مطرح می شود، «ایمان» است. ایمان در لغت به معنای تصدیق است<sup>۱</sup> و در متون اسلامی، ازون بر معنای لغوی، به معنای باور و التزام عملی نیز آمده است. پس ایمان دارای دو رکن اساسی، یعنی باور قلبی و ظهور عملی است.<sup>۲</sup>

امام سجاد (علیه السلام) در دعای شریف مکارم الاخلاق، دعا را با درخواست ایمان کامل آغاز می کند. از این دعا بر می آید که هدف دعا، تنها درخواست بخشش گناه و دریافت اجازه ورود به بهشت نیست، بلکه بخش های فراوانی از آن درخواست، فراهم شدن پایگاه های عمیق علمی و عملی است. در دعای یاد شده، امام سجاد (علیه السلام) از خدا می خواهد تا او را آگاه، عارف، اهل تشخیص و تحقیق کند تا از تقلید صرف، تحجر و جمود رهایی یابد.<sup>۳</sup> «اللَّهُمَّ.. وَ بَلِّغْ بِإِيمَانِي أَكْمَلَ الْإِيمَانِ، وَ اجْعَلْ يَقِينِي أَفْضَلَ الْيَقِينِ، وَ اَنْتَ بَنَيْتَ إِلَيَّ أَحْسَنَ النَّيَّاتِ، وَ بَعَمَلِي إِلَى أَحْسَنِ الْأَعْمَالِ اللَّهُمَّ وَفِّرْ بِلُطْفِكَ نَيْتِي، وَ صَحِّحْ بِمَا عِنْدَكَ يَقِينِي، وَ اسْتَصْلِحْ بِقُدْرَتِكَ مَا فَسَدَ مِنِّي؛ يَا خَدَايَا وَ إِيْمَانِم (اعتقاد به دل و اقرار به زبان و عمل به اندام که کاشف از آنها است) را به پایه کاملترین ایمان برسان، و باورم را بهترین یقین ها قرار بده و نیت مرا به نیکوترین نیتها و کردارم را به بهترین کردارها برسان.»

---

۱. محمدبن مكرم ابن منظور، همان، ج ۱، ص ۲۲۴.

۲. قال الباقر (عليه السلام): «الْإِيمَانُ إِقْرَارٌ وَ عَمَلٌ؛ إِيْمَانُ اقْرَار و عمل است» حسن بن علی ابن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم)، ترجمه ی کمره ای، تهران: اسلامیه، ۱۳۶۹، ص ۲۱۷.

۳. عبدالله جوادی آملی، همان، ص ۳۴۸.

۴. ترجمه علی نقی فیض الاسلام، همان، دعای ۲۰، بند ۱.

ایمانی که در آغاز این دعا آمده، ایمان برآمده از علم و عمل است؛ زیرا امام سجاد (علیه السلام) در این دعا پس از درخواست ایمان کامل، درخواست های دیگری دارد که مترتب بر این دو است؛ مانند خلوص نیت و چگونگی گفتار و رفتار با مومنان به طور کلی، اخلاق نیکو و پسندیده که تمامیت ایمان هر فرد بسته به انجام آن رفتار ها و رعایت آن وظایف مهم است.

### ۳. تقوا

یکی دیگر از اهداف واسطه ای تربیت که در راستای ارتباط انسان با خدا در صحیفه ی سجادیه مطرح می شود «تقوا» است. تقوی از ریشه «وقی» به معنای حفظ و صیانت و نگه داری است. تقوا؛ یعنی خود را نگه داشتن و نگه داری نفس از گناه.<sup>۱</sup>

مقصود از هدف واسطه ای بودن تقوا این است که تقوا، مرحله ای از رشد دینی و الهی است که دست یابی به آن در بسیاری از گزاره های دینی مفید دانسته شده است.<sup>۲</sup> از این رو امام سجاد (علیه السلام) تقوا را مطلوب و مقصود دانسته و بارها آن را از خداوند خواسته است: «وَأَلْهَمْنِي التَّقْوَى؛<sup>۳</sup> و پرهیزکاری را به من الهام فرما»، «وَأَشْعِرْ قَلْبِي تَقْوَاكَ؛<sup>۴</sup> و دلم را از پرهیزکاری خودت مالا مال کن»، «اللَّهُمَّ زَوِّدْنَا مِنَ التَّقْوَى؛<sup>۵</sup> بار خدایا! ما را توشه ای از پرهیزکاری قرار ده»

---

۱. محمدبن حسین راغب اصفهانی، همان، ص ۵۳۰، ماده «وقی».

۲. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، همان، ص ۴۸.

۳. ترجمه علی نقی فیض الاسلام، همان، دعای ۲۰، بند ۱۶.

۴. همان، دعای ۲۱، بند ۹.

۵. همان، دعای ۱۷، بند ۵.

امام سجاد (علیه السلام) مهمترین اثر تقوا را «جلوگیری از گناه» می داند: «وَجَعَلْنِي... مِنَ الْمُعْصُومِينَ مِنَ الذُّنُوبِ وَالزَّلَلِ وَالْخَطَا بِتَقْوَاكَ»<sup>۱</sup> و مرا از کسانی قرار بده که با بازداری و نگه داری تو، از گناهان و لغزش ها بسته و محفوظ مانده اند»

#### ۴. پرورش روح عبادت

«عبادت» یکی دیگر از اهداف واسطه ای در صحیفه سجادیه است. البته عبادت به معنای عام، هر آنچه در ارتباط با خداست، دربرمی گیرد؛ زیرا روح عبادت - که گرایش سپاس گزارانه و ستایش گرانه به خداست - در تمام مراحل قرب به خدا همانند ایمان، تقوا و شکرگزاری وجود دارد، ولی آنچه به ویژه در قالب این هدف واسطه ای مورد نظر است، معنای خاص عبادت است که به برقراری نوعی ارتباط مستقیم با خدا گفته می شود. منظور از عبادت، برقراری نوعی ارتباط خاضعانه و ستایش گرانه و سپاس گزارانه است که انسان با خدا برقرار می کند. مقصود از هدف بودن عبادت، پرورش روحیه بندگی است؛ به گونه ای که انسان همواره نسبت به خدا حالتی فروتنانه و خاشعانه داشته باشد و احاطه او را بر رفتار و نیت هایش بپذیرد. این روحیه، وقتی به دست می آید که عبادت های انسان با توجه قلبی و اخلاص درونی همراه باشد.<sup>۲</sup>

امام سجاد (علیه السلام) در فراز هایی از صحیفه در مورد توفیق بندگی می فرماید: «وَاعْمُرْ لَيْلِي بِإِقْظَا فِيهِ لِعِبَادَتِكَ، وَتَفَرَّدِي بِالتَّهَجُّدِ لَكَ»<sup>۳</sup> و شبم را آباد و با برکت گردان به بیدار کردنم و در

---

۱. همان، دعای ۲۵، بند ۱۱ - ۱۶.

۲. علی اصغر ابراهیمی فر، همان، ص ۱۳۵.

۳. ترجمه علی نقی فیض الاسلام، همان، دعای ۴۵، بند ۱۲۳.

آن برای بندگی ات و تنها نبودنم به شب خیزی برای مناجات با تو» «وَزَيْنٌ لِّيَ التَّفَرُّدُ بِمُنَاجَاتِكَ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ»<sup>۱</sup> و مناجات و راز و نیاز با خودت را در تنهایی و در شب و روز برایم آراسته و خوشایند گردان»

بارزترین اثر تربیتی عبادت و بندگی خدا، رهایی از «خودخواهی» است، که کلید دست یابی به ارزش های والای انسانی است. به طور مشخص می توان اثر تربیتی عبادت را به دست آوردن روحیه فروتنی در برابر اوامر الهی دانست. امام سجاد (علیه السلام) می فرماید: «وَقُلْتُ: ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ، إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ، فَسَمِيتَ دُعَاكَ عِبَادَةً، وَ تَرَكَهُ اسْتِكْبَارًا، وَ تَوَعَّدْتَ عَلَى تَرَكِهِ دُخُولَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ»<sup>۲</sup> مرا بخوانید تا (دعا و درخواست را) برای شما روا سازم، به یقین، کسانی که از بندگی من سرکشی می کنند، زود است که با خواری به دوزخ در آیند. پس دعای خود را بندگی و به جا نیاوردن آن را سرکشی نامیده، و بر ترک آن به در آمدن در دوزخ با ذلت و خواری تهدید کرده و ترسانده ای»

از این دعا بر می آید که اگر انسانی بندگی خدا را به جا نیاورد، این سرپیچی از عبادت خداست و نوعی تکبر و ورزیدن به شمار می آید و اثر اخروی این خود بزرگ بینی و غرور، دوری از خدا و سقوط در دوزخی است که از کردارهای ناشایست خود شخص ساخته شده است.<sup>۳</sup>

## ۵. شکرگذاری

---

۱. همان، دعای ۴۷، بند ۱۱۰.

۲. همان، دعای ۴۵، بند ۱۵.

۳. علی اصغر ابراهیمی فر، همان، ص ۱۳۹.

یکی دیگر از اهداف واسطه ای در صحیفه سجادیه «شکرگذاری» و به عبارت دیگر، شاکر بودن است. و به فرموده امام سجاد (علیه السلام) مقام شکر گذاری به درگاه الهی مقامی بس والاست که کسی به حقیقت آن نمی رسد، مگر با ترک دنیا و پشت سر نهادن آن و چنین کسانی کم هستند، خداوند متعال در این باره می فرماید: «وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ»<sup>۱</sup> برخی از بندگان من شکر گزارند. و امام سجاد (علیه السلام) می فرماید: «فَأَشْكُرْ عِبَادَكَ عَاجِزٌ عَنْ شُكْرِكَ»<sup>۲</sup> پس سپاس گزارنده ترین بندگان از سپاس تو ناتوان است.»

چون منعم اصلی انسان، خداوند است و همه نعمت ها را از ریز و درشت و پنهان و آشکار، با واسطه و بی واسطه، او به مخلوقاتش می دهد، به طور طبیعی این احساس به خدای متعال باید در دل انسان، به صورت کاملتر وجود داشته باشد؛ زیرا توجه به این همه نعمت، کافی است که حالت شکر گذاری را در دل و عبادت و خداپرستی را در رفتار وی ظاهر بسازد.<sup>۳</sup>

حضرت امام سجاد (علیه السلام) در این زمینه می فرماید: «يَا مَنْ شُكْرُهُ فَوْزٌ لِلشَّاكِرِينَ»<sup>۴</sup> ای آن که سپاس گزاری از او رسیدن به خیر برای سپاس گزاران است.»

اثر تربیتی شکر گذاری رسیدن به مقام رضا است. امام سجاد (علیه السلام) به بالاترین مراحل رضا که رضایت انسان به قضا و قدر الهی است اشاره می کند؛ یعنی هر چه خدا انجام می دهد، او بپسندد و به آن خشنود باشد.<sup>۱</sup>

---

۱. سبا (۳۴)، آیه ۱۳.

۲. ترجمه علی نقی فیض الاسلام، همان، دعای ۳۷، بند ۳.

۳. محمد تقی مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، همان، ج ۱، ص ۳۸۲.

۴. علی نقی فیض الاسلام، همان، دعای ۱۱، بند ۱.

«فَمَا أَدْرِى، يَا إِلَهَى، أَيْ الْحَالَيْنِ أَحَقُّ بِالشُّكْرِ لَكَ، وَ أَيْ الْوَقْتَيْنِ أَوْلَى بِالْحَمْدِ لَكَ أَوْ قَتُ الصِّحَّةِ...  
أَمْ وَقَتُ الْعِلَّةِ... اَللّهُمَّ فَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ حَبِّبْ إِلَيَّ مَا رَضِيتَ لِي؛<sup>۲</sup> پس نمی دانم، ای خدای من!  
کدام یک از این دو حالت (تن درستی و بیماری) به سپاسگزاری تو واجب تر و کدام یک از این دو  
هنگام، برای ستایش تو سزاوارتر است: هنگام تن درستی یا بیماری؟ بار خدایا! بر محمد و آل او درود  
فرست و آنچه را برایم پسندیده ای، محبوب من گردان»

### ۳,۲,۲. اهداف تربیتی در رابطه انسان با خود

هدف واسطه ای دیگر از سلسله اهداف تربیتی صحیفه سجادیه، در محدوده ارتباط انسان با خود  
مطرح می گردد. انسان، همان طور که با خدای خود ارتباط برقرار می کند و از مراحل تربیتی حاکم  
بر این ارتباط، اهدافی خاص برداشت می شود، همچنین دارای کنش ها و واکنش هایی با خود است  
که بر مراحل تربیتی آن نیز اهداف خاصی حاکم است.

این اهداف، اهداف گرایشی هستند که از دو بعد گرایشهای مختص انسان از قبیل خداجویی و  
فضیلت خواهی و گرایشهای مشترک بین انسان و حیوان از قبیل: خوردن و آشامیدن و غرایز جنسی،  
تشکیل شده است.<sup>۳</sup> که در این جا، اهداف گرایشی از بعد گرایش های مختص به انسان مورد بررسی  
قرار گرفته است.

---

۱. عبدالله جوادی آملی، همان، ص ۳۰۷.

۲. علی نقی فیض الاسلام، همان، دعای ۱۵ بند ۲، ۳، ۴ و ۶.

۳. مصطفی سلیمانی، همان، ص ۸۳.

## ۲. پرورش حس خداجویی

یکی از اهداف گرایشی تربیت در صحیفه سجادیه «پرورش حس خداجویی» است. گرایش به خدا به عنوان خالق انسان و رفع کننده نیازها و مشکلات او، در همه وجود دارد. و تغییر و تبدیل نیز در آن ممکن نیست.<sup>۱</sup>

امام سجاد (علیه السلام) در دعایی با اشاره به فطرت خداجوی انسان می گوید:

«أَبْتَدَعَ بِقُدْرَتِهِ الْخَلْقَ ابْتِدَاعًا، وَ اخْتَرَعَهُمْ عَلَى مَشِيَّتِهِ اخْتِرَاعًا ثُمَّ سَلَكَ بِهِمْ طَرِيقَ إِرَادَتِهِ، وَ يَعْثَهُمْ فِي سَبِيلِ مَحَبَّتِهِ؛<sup>۲</sup> به قدرت و توانایی خود آفریدگان را آفرید، و آنان را به اراده و خواست خویش به وجود آورد بی این که از روی مثال و نمونه ای باشد، سپس آنان را در راه اراده و خواست خویشتن روان گردانید، و در راه محبت و دوستی به خود برانگیخت»

برای پرورش این گرایش، ابتدا باید به تقویت آن و برطرف کردن موانعی همچون گرایشهای پست غرایز حیوانی و گرفتاری های روزانه می پردازیم، که انسان را از شناخت خدای متعال باز می دارد، «أَنَا عَبْدُكَ الَّذِي... بَلْ دَعَاهُ هَوَاهُ إِلَى مَا زَيَّلْتَهُ؛<sup>۳</sup> من آن بنده تو هستم که هوا و خواهش ها او را به آن چه جدا ساخته ای و به آن چه ترسانده ای، خواند.» امام (علیه السلام) در این فرازها، هوای نفس و

---

۱. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، همان، ص ۱۱۹.

۲. علی نقی فیض الاسلام، همان، دعای ۱، بند ۴.

۳. همان، دعای ۴۷، بند ۶۸.

شهوات و رفتارهایی را که از این دو ناشی می شود، به عنوان عوامل اصلی بازدارنده انسان از فطرت خداجویش و مسیر هدایت و سعادت، معرفی می کند.<sup>۱</sup>

در مرحله بعد، باید گرایش فوق، هدایت و راهنمایی شود تا به پرستش معبودهای دیگری از قبیل بت، ماه، ستاره و حتی دلبستگی مفرط به مقام، ثروت و ... منجر نشود. به همین دلیل خدای متعال خداجویی را در فطرت انسان قرار داده است تا آدمی خودش را به یک حقیقتی وابسته و پیوسته بداند و خود را به آن حقیقت نزدیک و خداوند را تسبیح و تقدیس کند.<sup>۲</sup>

## ۲. پرورش حس فضیلت جویی

یکی دیگر از اهداف تربیتی صحیفه سجادیه در زمینه پرورش گرایش های ویژه انسان، «پرورش حس فضیلت جویی» است. مقصود از فضیلت، همان ارزش اخلاقی تثبیت شده در وجود انسان است. اصل گرایش به ارزش ها و فضایل اخلاقی، مانند: عدالت، صداقت، امانت داری، وفای به عهد و ... امری مسلم است. امام سجاد (علیه السلام) در مقام یکی از همان راهنمایان، در دعاهای فراوانی به ویژه در دعای مکارم اخلاق، با بیان فضایل و رذایل اخلاقی به پرورش گرایش فضیلت جویی پرداخته است. امام برای پرورش گرایش فضیلت جویی، در دعای مکارم اخلاق به دو مرحله اشاره می کند:<sup>۳</sup>

### ۲،۱. تقویت گرایش فطری فضیلت جویی با زدودن موانع رشد آن

---

۱. مصطفی سلیمانی، همان، ص ۸۴.

۲. محمود رجبی، همان، ص ۷۱.

۳. علی اصغر ابراهیمی فر، همان، ص ۱۳۹.



«وَأَعِزَّنِي وَلَا تَبْتَلِنِي بِالْكَبِيرِ، وَعَبَّدْنِي لَكَ وَلَا تُفْسِدْ عِبَادَتِي بِالْعُجْبِ، وَأَجْرِ لِلنَّاسِ عَلَى يَدَيِ الْخَيْرِ  
وَلَا تَمَحِّقْهُ بِالْمَنْ، وَهَبْ لِي مَعَالِيَ الْأَخْلَاقِ، وَاعْصِمْنِي مِنَ الْفَخْرِ؛ عَزِيزٌ وَغَرَامِي أَم دَارٌ وَبِهِ كِبَرٌ وَ  
خودپسندی و خودبینی دچارم مکن و مرا به (بندگی) خودت توفیق ده و عبادتم را به خودپسندی تباه  
مگردان و خیر و نیکی برای مردم را به دست من روان ساز و آن را به منت نهادن باطل مفرما و خواهی  
پسندیده را به من ببخش و مرا از به خود نازیدن نگاه دار.»

امام در این فرازها موانع فضائل را برمی شمارد تا شناخت لازم برای تلاش های فردی در جهت  
تقویت گرایش های مثبت فراهم آید.<sup>۲</sup>

## ۲.۲. کمک به انسان دریافتن مصداق فضائل و رذایل

امام سجاد (علیه السلام) به دلیل ارتباط با وحی و احاطه ای که از این طریق بر انسان و گرایش ها و  
بینش های او داشت و نیز به دلیل شناخت خیر و صلاح واقعی آدمی، در دعای «مکارم الاخلاق»، ما  
را به فضایل اخلاقی فرا خوانده است تا ما را در رهنمون شدن به هدف نهایی، یعنی خدای متعال یاری  
دهد.

امام در این دعا با برشمردن مصداق های فضایل و رذایل، ما را در شناخت آنها یاری می کند و از  
خطا و اشتباه در یافتن مصداق در امان می دارد.<sup>۳</sup>

---

۱. علی نقی فیض الاسلام، همان، دعای ۲۰، بند ۳.

۲. علی اصغر ابراهیمی فر، همان، ص ۱۳۹.

۳. همان، ص ۱۵۰.

«وَحَلَنِي بِحِلْيَةِ الصَّالِحِينَ، وَالْبِسْنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ، فِي بَسْطِ الْعَدْلِ، وَكَظْمِ الْغَيْظِ، وَإِطْفَاءِ النَّائِرَةِ، وَضَمِّ أَهْلِ الْفُرْقَةِ، وَإِصْلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ، وَإِفْشَاءِ الْعَارِفَةِ، وَسِتْرِ الْعَائِبَةِ، وَلِينِ الْعَرِيكَةِ، وَخَفْضِ الْجَنَاحِ، وَحُسْنِ السَّيْرِ، وَسُكُونِ الرِّيحِ، وَطَيْبِ الْمُخَالَقَةِ، وَالسَّبْقِ إِلَى الْفَضِيلَةِ، وَإِثَارِ التَّفَضُّلِ، وَتَرْكِ التَّعْيِيرِ، وَالْإِفْضَالِ عَلَى غَيْرِ الْمُسْتَحَقِّ، وَالْقَوْلِ بِالْحَقِّ وَإِنْ عَزَّ، وَاسْتِقْلَالِ الْخَيْرِ وَإِنْ كَثُرَ مِنْ قَوْلِي وَفِعْلِي؛<sup>۱</sup> و مرا به زینت صالحان و شایستگان آراسته فرما و زیور پرهیزکاران را به من بپوشان. با گستردن عدل و داد و فرو نشاندن خشم و خاموش کردن آتش دشمنی و گرد آوردن پراکندگان و اصلاح فساد بین مردم و آشکار کردن خیر و نیکی و پنهان کردن عیب و زشتی و نرم خوئی و فروتنی و خوش رفتاری و سنگینی و خوش خوئی و پیشی گرفتن نیکی و برگزیدن احسان بی آنکه جزای احسانی باشد و سرزنش نکردن و نیکی نکردن به غیرمستحق و حق گویی اگرچه سخت و سنگین باشد و کم شمردن نیکی در گفتار و کردارم اگرچه بسیار باشد»

همچنین امام در بیان مصداق های رذایل می فرماید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَيْجَانِ الْحِرْصِ، وَ سَوْرَةِ الْغَضَبِ، وَ غَلَبَةِ الْحَسَدِ، وَ ضَعْفِ الصَّبْرِ، وَ قَلَّةِ الْقَنَاعَةِ، وَ شَكَاةِ الْخُلُقِ، وَ إِلْحَاحِ الشَّهْوَةِ، وَ مَلَكَةِ الْحَمِيَّةِ؛<sup>۲</sup> بار خدایا! به تو پناه می برم از سرکشی حرص و آز و تندگی غضب و خشم و تسلط حسد و رشک و سستی صبر و شکیبایی و کمی قناعت و خرسندی به کمی بهره خود و بدخویی و اصرار خواهش نفس و غلبه بر حمیت و حکمرانی نژادپرستی و تعصب.» بنابراین، پرورش حسّ فضیلت جویی، به عنوان یکی از اهداف تعلیم و تربیت در صحیفه سجادیه به معنی هدایت انسان در شناخت مفهوم و مصداق فضیلت ها و رذیلت ها و تقویت گرایش به فضایل و زدودن موانع فرا روی این گرایش است.

---

۱. علی نقی فیض الاسلام، همان، دعای ۲۰، بند ۱۰.

۲. همان، دعای ۸، بند ۱.

## ۴,۲,۳. اهداف تربیتی صحیفه در رابطه انسان با دیگران

فعالیت های انسان افزون بر رفتار های فردی، روابط او با دیگر انسان ها را نیز شامل می شود که با توجه به تنوع ارتباطات، دیدگاه های خاص تربیتی را می طلبد.

در ادامه، به اهداف واسطه ای ناظر به هریک از جنبه های خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می پردازیم.

### ۱. اهداف تربیتی در روابط خانوادگی

#### ۱,۱. وظایف فرزند نسبت به والدین

خداوند متعال به طور تکوینی، محبت و علاقه به والدین را در انسان قرار داده است علاقه فرزند به والدین امری اعتباری نیست، بلکه واسطه قرار گرفتن والدین در آفرینش فرزند و نگه داری از او، زمینه علاقه و محبت فرزند را به والدین فراهم می آورد. آنچه در این قسمت آمده است تاکید بر نظام عاطفی خانواده و مشخصاً مهرورزی فرزند به والدین است که استحکام نهاد خانواده و همبستگی اعضای آن را بیشتر می کند اصولاً عاطفه و احساس قوی در یک محیط صمیمی و جذاب و سالم چنان در اشباع غرایز عاطفی موثر است که مانع هوس های غلط و بیمارگونه خواهد شد. و از پیدایش عقده های پیچیده روانی ممانعت خواهد کرد امام سجاد (علیه السلام) می فرماید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَهَابُهُمَا هَيْبَةَ السُّلْطَانِ الْعُسُوفِ، وَأَبْرُهُمَا بِرَ الْإُمِّ الرَّءُوفِ، وَاجْعَلْ طَاعَتِي لَوَالِدَيَّ وَبِرِّي بِهِمَا أَقْرَ لِعَيْنِي مِنْ رَقْدَةِ الْوَسْطَانِ، وَأَثْلَجَ لِبَصْدَرِي مِنْ شَرِّهِ الظَّمَانِ حَتَّى أُؤَثِّرَ عَلَى هَوَايَ هَوَاهُمَا، وَأُقَدِّمَ عَلَى رِضَايَ رِضَاهُمَا»<sup>۱</sup>

خدایا! مرا چنان گردان که از ابهت پدر و مادر بترسم؛ مانند ترسیدن از پادشاه ستمکار و با ایشان خوش رفتاری کنم، همچون خوش رفتاری مادر مهربان و فرمانبری و نیکوکاری ام را به آنان در نظرم از لذت خواب در چشم خواب آلوده، خوش تر و در دلم از لذت آشامیدن شربت گوارا در ذائقه فرد تشنه، گواراتر گردان تا آرزوی آن ها را بر آرزوی خود برگزینم و خشنودی ایشان را بر خشنودی خویش جلو اندازم»

نکته جالب توجه این است که امام پس از آن به خداوند متعال عرض می کند: «خدایا مرا آن چنان قرار ده که هیبت و جلال پدر و مادرم در قلب من همانند هیبت سلطان قاهری باشد» بلافاصله عرضه می دارد: «خدایا! چنانم کن که آنان را همانند مادری رئوف دوست داشته باشم و خدماتم را در پیشگاه آنان کم بدانم.» این خود بیانگر عظمت شأن پدر و مادر و حیاتی بودن رضایت ایشان برای سعادت فرد است.<sup>۱</sup>

بنابراین در دعای بالا وظایف فرزند نسبت به والدین بیان شده است. یکی دیگر از اهداف تربیتی صحیفه سجادیه در زمینه ارتباط والدین، «حق شناسی و سپاسگزاری» از تلاش های آن ها در پرورش و رشد فرزندان است، یکی از مصداق های حق شناسی درباره والدین، طلب خیر و برکت و پاداش برای آنها در قالب دعاست.<sup>۲</sup> امام سجاد (علیه السلام) می فرماید:

«اللَّهُمَّ اشْكُرْ لَهُمَا تَرْبِيَّتِي، وَ اَثْبِهُمَا عَلَيَّ تَكْرِمَتِي وَ احْفَظْ لَهُمَا مَا حَفِظَهُ مِنِّي فِي صِغَرِي؛<sup>۳</sup> بار خدایا! آنان را به پرورش من جزا ده و در گرامی داشتتم پاداش ده و برای آنچه در کودکی از من رنج و زحمت به خود پذیرفته اند، برای آنها پاداش منظور فرما»

---

۱. حسن ممدوحی کرمنشاهی، همان، ص ۳۹۵-۳۹۳.

۲. علی اصغر ابراهیمی فر، همان، ص ۱۶۱.

۳. علی نقی فیض الاسلام، همان، دعای ۲۴، بند ۷.

## ۱,۲. وظایف والدین در برابر فرزند

یکی دیگر از اهداف واسطه ای تربیت در زمینه ارتباط انسان با دیگران، «ارتباط والدین با فرزندان» است. بحث از اهداف تربیتی در قالب توجه به وظایف والدین در قبال فرزندان، ناظر بر تعیین حقوقی است که باید از سوی والدین رعایت شود. این حقوق عبارتند از:

### ۱,۲,۱. محبت

یکی از ارکان مهم تربیت فرزند، برقراری ارتباط با او بر اساس محبت است. منظور از محبت در اینجا ایجاد شرایطی است که در آن محبت واقعی و معقول نثار فرزند گردد و بدین ترتیب، شبهه بی تفاوتی به فرزند و سهل انگاری در تربیت او پیش نیاید.<sup>۱</sup>

امام سجاد (علیه السلام) در دعای بیست و پنجم که مربوط به دعا برای فرزندان است، در فرازهای اول تا پنجم دعا، بقا و طول عمر فرزندان، پرورش خردسالان و سلامتی جسمی، اخلاقی و دینی آنان را از خدا می خواهد. همچنین خواستار می شود که فرزندان با داشتن علم و فضل و کمال، زینت بخش مجلسش باشند. آن حضرت در فراز دیگری از همین دعا می فرماید: «وَاعِنِي عَلَى... بِرِّهِمْ»<sup>۲</sup> و مرا در نیکی کردن به ایشان یاری فرما.

مجموع این دعاها بیانگر محبت قلبی و مهر و عاطفه و علاقه والدین است.<sup>۳</sup>

---

۱. باقر شریف قریشی، نظام تربیتی اسلام، تهران: انتشارات فجر، ۱۳۶۲، ص ۵۴.

۲. علی نقی فیض الاسلام، همان، دعای ۲۵، بند ۵.

۳. علی اصغر ابراهیمی فر، همان، ص ۱۶۳.

## ۱,۲,۲. تأمین نیازهای فرزند

از جمله حقوق فرزند تأمین نیازهای اولیه مانند خوراک، پوشاک، امنیت و همچنین ایجاد زمینه های پرورش و رشد آنهاست. امام سجاد (علیه السلام) در دعای بیست و پنجم می فرماید: «إِلَهِي... أَذِرْ لِي وَ عَلَى يَدِي أَرْزَاقَهُمْ؛<sup>۱</sup> بار خدایا! روزی هایشان را برای من و به دست من فراوان گردان.»

## ۱,۲,۳. تربیت فرزند

یکی دیگر از وظایف مهم والدین که امام سجاد (علیه السلام) در دعا برای فرزندان تبیین می کند، «تربیت فرزندان» است. «وَ أَعِنِّي عَلَى... تَأْدِيبِهِمْ؛<sup>۲</sup> و مرا در تربیت ایشان یاری فرما.»

## ۲. اهداف تربیتی در روابط اجتماعی

چون انسان به تنهایی نمی تواند نیازهای خود را رفع کند، به برقراری ارتباط با دیگران اقدام می کند. گرایش انسان به رفع نیاز هایش از یک سو و گرایش به کمال از سوی دیگر، دو انگیزه نیرومند و قوی است که وی را به برقراری ارتباط در سطوح مختلف اجتماعی برمی انگیزد.

بحث از اهداف تربیتی در زمینه ارتباط یک فرد مؤمن با دیگر هم مسلکانش، ناظر به ایجاد و پرورش روحیه برادری و هم یاری میان افراد در راستای هدف غایی یعنی خداوند متعال است.<sup>۳</sup> امام

---

۱. علی نقی فیض الاسلام، همان، دعای ۲۵، بند ۲.

۲. همان، دعای ۲۵، بند ۵.

۳. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، همان، ص ۴۸.

سجاد (علیه السلام) برای تثبیت برادری و هم یاری در جامعه به فراهم کردن زمینه ایجاد برادری اشاره می کند:

ایشان می فرمایند: ایجاد زمینه مناسب برای دست یابی به برادری دینی و هم دلی در سایه شریعت وقتی حاصل می شود که افراد جامعه به وظایف شرعی خود پای بند باشند. امام سجاد (علیه السلام) در دعای بیست و ششم که دعا برای همسایگان است، با اشاره به این عامل مهم می فرماید:

«وَوَفَّقَهُمْ لِإِقَامَةِ سُنَّتِكَ، وَالْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِكَ؛<sup>۱</sup> و آنان را توفیق ده برای برپا داشتن طریقه و روش (حفظ احکام) و فرا گرفتن اخلاق نیک خود (که بندگان را به آن امر فرموده ای).»

وقتی این دعا را در کنار دعاهایی که روش رفتار با همسایگان را بر اساس برادری و هم دلی بیان می کند - بگذاریم، درمی یابیم که آنچه در اسلام عامل برادری و نزدیکی مسلمانان به یکدیگر و ایجاد ارتباط میان آنها می شود، پای بندی به دین و توجه به خدا و عمل به امر و نهی های اوست.<sup>۲</sup>

### ۳. اهداف تربیتی در روابط سیاسی

یکی دیگر از اهداف واسطه ای در صحیفه سجادیه در زمینه ارتباط انسان با دیگران، جهت دهی سیاسی است مهم ترین هدف از روابط سیاسی، دست یابی به قدرت است. قدرت به عنوان ابزاری برای رسیدن به اهداف، نخستین نشانه یک حرکت سیاسی است. با ابزار قدرت می توان به اهداف سیاسی خود در جامعه به طور کامل یا نسبی دست یافت، ولی بدون قدرت و عوامل ایجادکننده آن، حکومت

---

۱. علی نقی فیض الاسلام، همان، دعای ۲۶، بند ۳.

۲. مرتضی مطهری، انسان در قرآن، تهران: صدرا، ۱۳۶۹، ص ۷۰. «فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ؛ پس اگر توبه کنند و نماز بر پا دارند و زکات دهند، در این صورت، برادران دینی شمايند و ما آیات خود را برای گروهی که می دانند، به تفصیل بیان می کنیم» توبه (۹)، آیه

در جامعه امکان نخواهد داشت. از این رو، امام سجاد (علیه السلام) در فرصت های بسیاری درصدد به دست گرفتن قدرت برای اعمال ولایت و رهبری جامعه اسلامی بود تا جامعه را به سعادت برساند و در این راستا از هر فرصتی استفاده می کرد. برای نمونه، امام در دعای «روز اضحی و روز جمعه» با هشدار و آگاهی دادن مردم، به مسئله خلافت و قدرت سیاسی اشاره می کند و با بیان انحراف های جامعه و تحریف دین و نیز متروک ماندن قرآن و سنت پیامبر می فرماید: «اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْمَقَامَ لِخُلَفَائِكَ وَأَصْفِيَائِكَ وَمَوَاضِعِ أُمْنَائِكَ فِي الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ الَّتِي اخْتَصَصْتَهُمْ بِهَا قَدْ ابْتَزَوْهَا، وَأَنْتَ الْمُقَدِّرُ لِذَلِكَ، لَا يُغَالِبُ أَمْرُكَ، وَلَا يُجَاوِزُ الْمَحْتُومُ مِنْ تَدْبِيرِكَ كَيْفَ شِئْتَ وَأَنْيَ شِئْتَ، وَلِمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ غَيْرُ مَتَّهِمٍ عَلَى خَلْقِكَ وَلَا لِإِرَادَتِكَ حَتَّى عَادَ صِفْوَتُكَ وَخُلَفَاؤُكَ مَغْلُوبِينَ مَقْهُورِينَ مُبْتَزِّينَ، يَرُونَ حُكْمَكَ مُبَدَّلًا، وَكِتَابَكَ مَنبُودًا، وَفَرَائِضَكَ مُحَرَّفَةً عَنْ جِهَاتٍ أَشْرَاعِكَ، وَسُنَنَ نَبِيِّكَ مَتْرُوكَةً؛ بار خدایا! این جایگاه (نماز عید و جمعه به جا آوردن یا مقام امامت و خلافت) برای جانشینان و برگزیدگان تو است. جایگاه های درست کاران تو را در درجه بلندی که ایشان را به آن اختصاص و برتری داده ای، ربودند، تا اینکه (بر اثر غصب خلافت) برگزیدگان و جانشینان تو شکست خوردند و حقشان از دست رفت. حکم تو را تبدیل گشته و کتاب تو را دور افتاده و واجبات را از مقاصد راه های روشن تو تغییر یافته و روش های پیغمبرت را ترک شده می بینند.»

اهداف مهم تربیتی امام از دست یابی به قدرت سیاسی که از دعای بالا برمی آید، احیای دین و اجرای احکام اسلامی و هدایت مردم در جهت رسیدن به سعادت و قرب الهی است. همچنین امام از به دست گرفتن قدرت هدف احیای امر به معروف و نهی از منکر را دارد.<sup>۲</sup>

---

۱. علی نقی فیض الاسلام، همان، دعای ۴۸، بند ۹.

۲. علی اصغر ابراهیمی فر، همان، ص ۱۶۳.



مهم ترین هدف حکومت اسلامی در جامعه، فراهم کردن زمینه لازم برای احیای معروف و جلوگیری از منکر است. بنابراین، ایجاد فضای سالم و به دور از زشتی و پلیدی، هدف مهم حکومت اسلامی به شمار می آید.<sup>۱</sup> امام سجاد (علیه السلام) در این زمینه می فرماید:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَوَقِّفْنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا وَلَيْلَتِنَا هَذِهِ وَفِي جَمِيعِ أَيَّامِنَا لِاسْتِعْمَالِ الْخَيْرِ...»<sup>۲</sup> بار خدایا! بر محمد و آل او درود فرست و ما را در این روز و این شب و همه روزها مان توفیق عطا فرما برای انجام امر به معروف و نهی از منکر و حفظ و نگه داری اسلام و نکوهش باطل و نادرستی و خوار شمردن آن و یاری حق و گرامی داشتن آن.»

#### ۴. اهداف تربیتی در روابط اقتصادی

امام سجاد (علیه السلام) در این باره می فرماید:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاكْفِنِي مَوْنَةَ الْاِكْتِسَابِ، وَارْزُقْنِي مِنْ غَيْرِ احْتِسَابٍ، فَلَا أَشْتَغِلَ عَنْ عِبَادَتِكَ بِالطَّلَبِ، وَلَا أَحْتَمِلُ إِصْرَ تَبِعَاتِ الْمَكْسَبِ؛»<sup>۳</sup> بار خدایا! بر محمد و آل او درود فرست و مرا از رنج کسب و پی روزی دویدن راحت کن و روزی فراوان و بی گمان و بی رنج برای من برسان تا از بندگی تو برای به دست آوردن روزی باز نمانم و سنگینی پی آمدهای کسب (نامشروع) را به دوش نکشم.»

---

۱. مرتضی مطهری، آشنایی با علوم اسلامی، ج ۳، تهران: صدرا، ۱۳۶۸، ص ۱۱۷.

۲. علی نقی فیض الاسلام، همان، دعای ۶، بند ۱۸.

۳. همان، دعای ۲۰، بند ۲۴.

همچنین در نظام اقتصادی صحیفه، تحقق عدالت اجتماعی و تأمین رفاه برای همه مورد نظر است. اینکه حضرت در برخی دعاها صحیفه سجادیه، به انفاق و صدقه و پرهیز از اسراف و تبذیر سفارش می‌کند، هدفی جز گسترش رفاه و عمومی کردن آن برای همه مردم ندارد.<sup>۱</sup>

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاحْجُبْنِي عَنِ السَّرَفِ وَالْإِزْدِيَادِ، وَقَوِّمْنِي بِالْبَذْلِ وَالِإِقْتِصَادِ، وَعَلِّمْنِي حُسْنَ التَّقْدِيرِ، وَاقْبِضْنِي بِلُطْفِكَ عَنِ التَّبَذِيرِ، وَأَجِرْ مِنْ أَسْبَابِ الْحَلَالِ أَرْزَاقِي، وَوَجِّهْ فِي أَبْوَابِ الْبِرِّ إِنْفَاقِي؛<sup>۲</sup> بار خدایا! بر محمد و آل او درود فرست و مرا از اسراف و زیاده روی (در صرف مال) باز دار و به بخشیدن و میانه روی (در زندگی) مستقیم ساز و روش نیکو در زندگی را به من بیاموز و مرا به لطف خود از بی جا خرج کردن باز دار و روزی های مرا از وسایل حلال روان گردان و انفاق و خرج کردنم را در راه های خیر و نیکی بگردان.»

به طور کلی می‌توان گفت اهداف تربیتی در صحیفه به دو دسته هدف غایی و اهداف واسطه ای تقسیم شده، که اهداف واسطه ای در سه محور ارتباط انسان با خدا، ارتباط انسان با خود و ارتباط انسان با دیگران بررسی شد.

## نتیجه گیری

نظام تربیتی متشکل از دو کلمه ی نظام و تربیت است نظام تربیتی، مجموعه ای از مفاهیم و اندیشه های منظم و سازمان یافته درباره ی تربیت است که بین آنها روابط متقابل جریان دارد و در اصطلاح، از نوعی همبستگی درونی برخوردارند و بیانگر کیفیت و چگونگی تربیت، به طور اساسی و پایه ای هستند.

---

۱. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی، ج ۱، تهران: سازمان سمت، ۱۳۷۱، ص ۱۹۷.

۲. علی نقی فیض الاسلام، همان، دعای ۳۰، بند ۳.

از ویژگی های انسان کامل، که در لابه لای بخش های صحیفه، فراوان یاد شده است. ویژگی های ایمانی، اخلاقی، رفتاری است که در این تحقیق به طور خلاصه از منظر صحیفه سجادیه اشاره شده، تا نمایی کلی از انسان کامل نشان داده شود.

مقصود از مبانی تربیت همان ویژگی های عمومی انسان است که شاخه ای از توصیف انسان باشد.

اصول مجموعه قواعدی که با نظر به قانون مندی های مربوط به ویژگی های عمومی انسان (مبانی تربیت)، اعتبار شده، و به عنوان راهنمای عمل، تدابیر تربیتی را هدایت می کنند. تقوا، توکل، هدایت ایجاد انگیزه از جمله اصولی هستند که در این گفتار بر آنها تأکید شده بر مبانی ای مبتنی اند که از دعا های صحیفه استخراج شده اند.

همچنین روش های تربیتی در صحیفه سجادیه به سه قسم شناختی، گرایشی و رفتاری و اهداف تربیتی به دو دسته هدف غایی و اهداف واسطه ای تقسیم شده، که اهداف واسطه ای در سه محور ارتباط انسان با خدا، ارتباط انسان با خود و ارتباط انسان با دیگران مطرح می شود.

## **پیشنهادهای و راهکارها**

پیشنهاد می شود که در صحیفه سجادیه در مورد روش های تربیتی و انسان شناسی به صورت گسترده تر تحقیق صورت گیرد.

## منابع

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- صحیفه سجادیه، ترجمه علی نقی فیض الاسلام.

## کتب فارسی

۳. ابراهیمی فر، علی اصغر، بررسی نظام تربیتی صحیفه سجادیه، قم: دفتر عقل، ۱۳۸۵.
۴. ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم)، ترجمه ی کمره ای، تهران: اسلامیه، ۱۳۶۹.
۵. اتابکی، پرویز، فرهنگ الفبایی روشن (عربی، فارسی)، تهران: کتاب روشن، ۱۳۸۳.
۶. احمدی، علی اصغر، اصول تربیت، چاپ چهارم، تهران: انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۸۲.
۷. احمدی، احمد، اصول و روش های تربیت در اسلام، چاپ سوم، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی (ماجد)، ۱۳۷۲.
۸. اسدی گرمارودی، محمد، درس هایی از تربیت انسانی، چاپ چهارم، تهران: رجاء، ۱۳۷۴.
۹. امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، ج ۱، چاپ اول، تهران: انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۲.
۱۰. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۸، چاپ چهارم، تهران: سخن، ۱۳۸۱.
۱۱. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، چاپ چهارم، تهران: مدرسه، ۱۳۷۶.
۱۲. پارسا، محمد، انگیزش و هیجان، تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۵.
۱۳. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، زیر نظر علی رضا اعرافی، اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، چاپ نهم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، ۱۳۸۶.
۱۴. پور نیازی، حسن اسماعیل، انسان شناسی، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۹.
۱۵. جی اسمیت، فیلیپ، فلسفه آموزش و پرورش، ترجمه سعید بهشتی، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله، مراحل اخلاق در قرآن، قم: اسوه، ۱۳۷۷.

۱۷. جعفری، محمدتقی، ارکان تعلیم و تربیت، تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، ۱۳۸۸.

۱۸. حاجی ده آبادی، محمد علی، درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۷۷.

۱۹. حجتی، محمد باقر، اسلام و تعلیم و تربیت، چاپ هفتم، تهران: فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۶.

۲۰. حسینی نسب، داوود، فرهنگ واژه ها و تعاریف تعلیم و تربیت، تبریز: احرار، ۱۳۷۵.

۲۱. حائری، علی صفایی، مسئولیت و سازندگی، ج ۱، چاپ ششم، قم: لیلۃ القدر، ۱۳۸۸.

۲۲. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، چاپ دهم، قم: اندیشه هادی، ۱۳۸۹.

۲۳. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی، ج ۱، تهران: سازمان سمت، ۱۳۷۱.

۲۴. -----، فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: سازمان سمت، ۱۳۷۲.

۲۵. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۱۱، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.

۲۶. رجبی، محمود، انسان شناسی، چاپ سوم، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۸.

۲۷. سادات، محمد علی، مبانی اخلاق و تربیت اسلامی (قسمت اول)، تهران: هدی، ۱۳۶۰.

۲۸. سجادی، م، تربیت (۱)، تهران: شهید حسین فهمیده، ۱۳۷۴.

۲۹. سیاح، احمد، ترجمه المنجد، مصطفی رحیمی اردستانی، تهران: صبا، ۱۳۷۷.

۳۰. شکوهی، غلام حسین، تعلیم و تربیت و مراحل آن، چاپ دهم، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.

۳۱. صدری افشار ، غلامحسین و دیگران، فرهنگ فارسی امروز، تهران: نشر کلمه، ۱۳۷۳.
۳۲. صفوی، امان الله، کلیات روش ها و فنون تدریس، چاپ پنجم، تهران: معاصر، ۱۳۷۴.
۳۳. صناعی، مهدی، پژوهشی در تعلیم و تربیت اسلامی، مشهد: سناباد، ۱۳۷۸.
۳۴. عزتی، ابوالفضل، آموزش و پرورش اسلامی، تهران: آثاربعثت، ۱۳۵۷.
۳۵. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، چاپ دوم، تهران: سپهر، ۱۳۶۹.
۳۶. فلسفی، احمد، فرهنگ زبان فارسی، تهران: پیام آزادی، ۱۳۸۱.
۳۷. قائمی، علی، زمینه تعلیم و تربیت، تهران: امیری، ۱۳۶۸.
۳۸. قریشی، باقر شریف، نظام تربیتی اسلام، تهران: انتشارات فجر، ۱۳۶۲.
۳۹. قطب، محمد، روش تربیت اسلام، ترجمه محمد مهدی جعفری، چاپ پنجم، شیراز: دانشگاه شیراز، بی تا.
۴۰. محدثی، جواد، سینای نیاز، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲.
۴۱. مصباح یزدی، محمدتقی، اخلاق در قرآن، ج ۱ قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله علیه)، ۱۳۷۶.
۴۲. -----، بر درگاه دوست، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۶.
۴۳. -----، آموزش فلسفه، ج ۲، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۴۴. -----، آموزش عقاید، ج ۱، چاپ سیزدهم، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴.
۴۵. مطهری، مرتضی، فطرت، تهران: صدرا، ۱۳۶۹.

۴۶. -----، عدل الهی، تهران: صدرا، ۱۳۶۹.
۴۷. -----، حکمت ها و اندرزها، چاپ چهارم، تهران: صدرا، ۱۳۶۹.
۴۸. -----، سیری در سیره ی نبوی، چاپ دوم، تهران: صدرا، ۱۳۶۹.
۴۹. -----، انسان در قرآن، تهران: صدرا، ۱۳۶۹.
۵۰. -----، آشنایی با علوم اسلامی، ج ۳، تهران: صدرا، ۱۳۶۸.
۵۱. -----، تعلیم و تربیت در اسلام، چاپ بیست ششم، تهران: صدرا، ۱۳۷۴.
۵۲. -----، انسان کامل، چاپ پنجاه و سوم، تهران: صدرا، ۱۳۹۱.
۵۳. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، شهاب الدین ارجمندی، چاپ چهاردهم، تهران: معین، ۱۳۸۱.
۵۴. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۶، چاپ بیست و هفتم، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۶.
۵۵. -----، انگیزه پیدایش مذاهب، قم: هدف، بی تا.
۵۶. مددوحی کرمانشاهی، حسن، شهود و شناخت (ترجمه و شرح صحیفه سجادیه)، ج ۳، چاپ پنجم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۰.
۵۷. میر معزی، حسین، نظام اقتصادی اسلام، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۷۸.
۵۸. نمازی، حسین، نظام های اقتصادی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴.
۵۹. نقیب زاده، عبدالحسین، نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش، چاپ بیست و دوم، تهران: گلشن، ۱۳۷۸.



۶۰. هوشیار، محمدباقر، اصول آموزش و پرورش، دانشگاه تهران، ۱۳۲۷، ج ۱.

## کتاب عربی

۶۱. ابن فارس، احمد معجم المقایس اللغة، ج ۱، بیروت: دارالجلیل، ۱۴۱۱ ق.

۶۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۴، چاپ چهارم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ هـ. ق.

۶۳. حسینی، علی خان، ریاض السالکین، ج ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین قم، ۱۴۰۹ هـ. ق.

۶۴. راغب اصفهانی، محمدحسین، مفردات فی غرایب القرآن، تهران: مکتبه البوذر جمهوری المصطفوی، ۱۳۷۳.

۶۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، چاپ دوم، تهران: المکتبه الاسلامیه، ۱۳۹۴ هـ. ق.

۶۶. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تصحیح علی اکبر غفاری، ج ۱، تهران: مکتبه الصدوق، ۱۳۸۱ هـ. ق.

۶۷. نوری، حسین بن محمد، تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، ج ۱۵، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۰۸ ق.

## فصلنامه ها

۶۸. ابراهیمی فر، علی اصغر، نگاهی به مبانی اصول روشها و اهداف تربیتی در صحیفه سجادیه، قم: نشریه معرفت، شماره ۶، پیاپی ۵۷، ویژه علوم تربیتی.

۶۹. سلیمانی، مصطفی، درآمدی بر نظام تربیتی و انسان شناسی از منظر صحیفه سجادیه، قم:

فصلنامه راه تربیت، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پرتال جامع علوم انسانی، ۱۳۸۷.

۷۰. عبد الحمید، فرزانه، انسان شناسی در صحیفه سجادیه، فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز،

شماره ۱۵، ۱۳۸۴.

۷۱. میر شاه جعفری، ابراهیم و حمید مقامی، رهیافتی به نظام تربیتی اسلام از نگاه صحیفه

سجادیه، فصل نامه اندیشه ی دینی، دانشگاه شیراز، شماره ۱۵، تابستان ۱۳۸۴.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.  
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.